

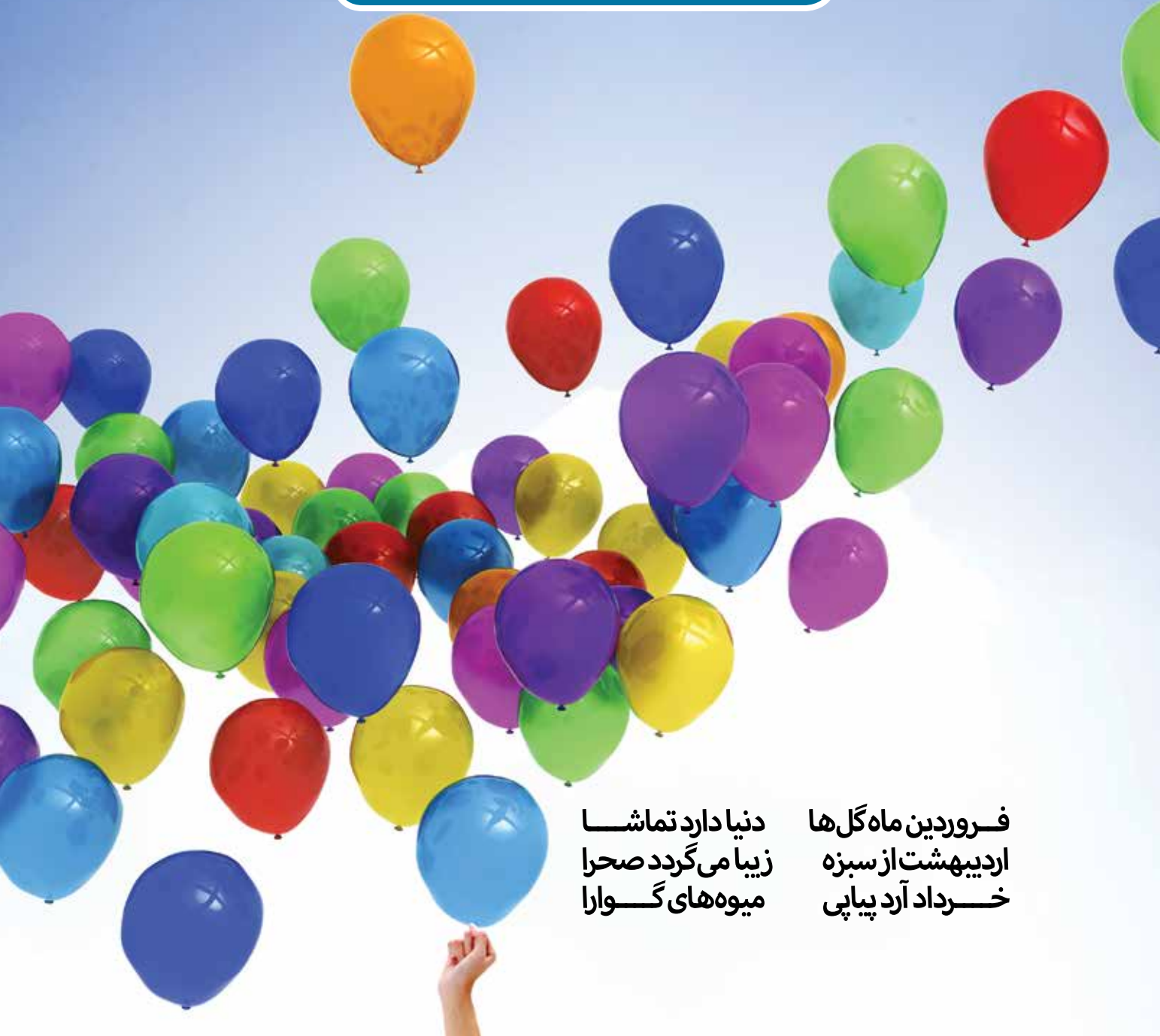
دستگاه

رشد آموزش



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر نشریات و تکنولوژی آموزشی

افصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی | برای مربیان پیش دبستانی، والدین، مدرسان و دانشجویان
| دوره نهم | شماره ۳ | بهار ۱۳۹۷ | ۶۴ صفحه | ۱۶۵۰۰ ریال | پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۰۷
w w w . r o s h d m a g . i r



دنیا دارد تماشا
زیبا می گردد صحرا
میوه های گوارا

فروردین ماه گل ها
اردیبهشت از سبزه
خرداد آرد پیاپی

• کودک آزاری، ابعاد و انواع آن • به فکر آینده من باش
• هدایت فراگیر • کودک و حوادث طبیعی



رشد کردن کودکان در خانه‌ای که اطراف آن را فضای سبز فرا گرفته
در ملایمت رفتار و کاهش خشونت کودکان نقش به‌سزایی دارد.



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی
شرکت افست

مدیر مسئول: محمد ناصری
سر دبیر: دکتر فرخنده مفیدی
هیئت تحریریه:
مرتضی طاهری
فریده عصاره
مرتضی مجدفر
مسعود تهرانی فرجاد
سیدغلامرضا فلسفی
مدیر داخلی: الهام الیکایی
ویراستار: افسانه حجتی طباطبائی
طراح گرافیک: ایمان اوجیان
نشانی دفتر مجله:
تهران، ابرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
تلفن دفتر مجله: ۰۲۱-۸۸۳۱۱۹۱-۹
(داخلی ۴۱۳)
نمایر مجله: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۱۶
صندوق پستی مجله: ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵
صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
وبگاه: www.roshdmag.ir
پيام نگار: pishdabestani@roshdmag.ir
http://telegram.me/roshdmag :
roshdmag :
پيامک: ۰۳۰۰۸۹۹۵۰۷
شمارگان: ۷۰۰۰ نسخه

یادداشت سردبیر / برای شادی های کودکان برنامه ریزی کنیم / ۲

آموزشی / برنامه های درسی نوین در آموزش و پرورش پیش دبستان / دکتر فرخنده مفیدی / ۴

آموزشی / مربیان پیش دبستان و شناخت مهارت های هنری / دکتر مرجان کیان / ۷

گزارش / قصه هایم برای تو (گزارشی از نخستین همایش قصه گویی مؤسسه کشوری مهدقرآن) / امیر محمد حسینی / ۱۰

آموزشی / هدایت فراگیر / مرتضی مجدفر / ۱۶

اطلاع رسانی / دوستدار کودکان / ۲۱

آموزشی / کودکان و حوادث طبیعی / مرتضی طاهری / ۲۳

آموزشی / چگونه با کودک درباره «اخبار ترسناک» صحبت کنیم؟ / سیدغلامرضا فلسفی / ۲۴

شاهد کلام وحی / تربیت دینی تنها انتقال اطلاعات دینی به کودک نیست! / مسعود تهرانی فرجاد / ۲۶

آموزشی / فریاد ایها الناس زمین!! / فریده عصاره / ۲۸

آموزشی / غذا دادن به کودک آزادی نه اجبار / دکتر مرجان گودرزی / ۳۲

آموزشی / پرورش هوش در دوران پیش از دبستان / دکتر ژیلای عزیز / ۳۵

آموزشی / ضرورت آموزش چند فرهنگی در پیش دبستان / زری آقاجانی، علیرضا صادقی / ۳۸

آموزشی / تأثیرات آموزش پیش دبستانی در مهارت خواندن و نوشتن / نرگس گل محمدی / ۴۱

آموزشی / آشتی با طبیعت؛ نیاز کودکان امروز / فربرز محمدی فارسانی، رضا نوروزی / ۴۴

آموزشی / کودک آزاری، ابعاد و انواع آن / دکتر نیره شاه محمدی / ۴۶

آموزشی / چرایی گرایش دختران خردسال به آرایش و خود آرایی / مریم حسینی / ۵۰

پژوهشی / شناسایی صلاحیت های حرفه ای / مینا نجفی / ۵۲

آموزشی / مقاله و مقاله نویسی (۲) / افسانه حجتی طباطبائی / ۵۸

آموزشی / به فکر آینده من هم باش / دکتر فردین علیخواه / ۶۲

معرفی کتاب / دنیای کودکی ام / دکتر مریم باریک بین / ۶۳

قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

• مقاله هایی را که برای درج در مجله می فرستید، باید با آموزش پیش دبستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. • مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنان چه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. • مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا ماشین شود (مقاله ها می توانند با نرم افزار ورد - Word - و بر روی لوح فشرده (CD) یا فلاپی یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). • نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. • محل قرار گرفتن جدول ها، نمودارها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. • مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. • آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش پیش دبستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ گویی به پرسش های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است. • مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی شود، معذور است.



برای شادی‌های کودکان برنامه‌ریزی کنیم

با سلام، نوروز فرخنده باد، تبریک فراوان به کودکان، خانواده، و سایر عوامل تربیت روزهای بسیار شاد بهاری و پیش‌درآمدهای آن در اسفندماه، نشان از شکفتگی و شادابی و تغییر دارد. این تغییر نه در ظاهر طبیعت و نوازش چشم‌ها بلکه در تحول درونی و جوان‌سازی و دگرگونی در اندیشه و افکار و برنامه‌ها نیز هست.

در سراسر روزهای خوش سال با توجه به تقویم سالیانه، برنامه‌های اجرایی سازمان‌ها و مؤسسات و مراکز آموزشی و فرهنگی و اجتماعی، فرایند شادی و شادمانی گم شده است.

آیا باید خندید، فکری نو در انداخت، به دید و بازدید رفت، کارهای شخصی و عقب‌مانده را انجام داد، تکالیف را به سرانجام رساند، به تفریح و سرگرمی پرداخت، به کوه و دشت و دمن رفت، وسایل خانه را جابه‌جا کرد، با کودکان بازی کرد، در مراکز تفریحی و آموزشی برای بچه‌ها و خانواده‌ها برنامه‌سازی کرد، در طول روز با فناوری‌های موجود، همچون تلفن همراه،

شاد بودن و شادی کردن یک‌شبه حاصل نمی‌آید و قرص و دارو و شربت هم ندارد که به زور خورنده شود و پس از آن امید به بهبود باشد یا بتوان در انتظار دوران نقاهت آن برای سلامتی کامل بود

شاد بودن و شادی کردن یک‌شبه حاصل نمی‌آید و قرص و دارو و شربت هم ندارد که به زور خورنده شود و پس از آن امید به بهبود باشد یا بتوان در انتظار دوران نقاهت آن برای سلامتی کامل بود. لذت بردن، از هر دوره زندگی، احساس سبکی کردن و رضایتمندی روانی فرایندی است که باید برایش سرمایه‌گذاری کرد. باید از انسان‌های معتقد به دفع و زدودن کهنگی‌ها و رویش تازگی‌ها در برنامه‌ریزی‌ها بهره گرفت. همان‌گونه که انسان غیرخلاق، خلاقیت کش می‌شود، انسان کسل و غافل از تنوع و تازگی، حتی در مراسم جشن و شادی، غم را در نهادش دارد و شادی را عرضه نمی‌کند.

و اما... کودکان به دور از حاشیه‌های برنامه‌ریزی از جانب بزرگ‌ترها نیازمند تفریح، شادی و لذت‌اند. آن‌ها حق بهره‌مندی از محیط‌های زیبا، کلمات روح‌بخش، چهره‌های بشاش و روزهای شاد و هیجان‌های سالم را دارند. آن‌ها در خلال برنامه‌ریزی‌های درست و هدفمند شاد سنتی، ملی، مذهبی و اجتماعی، به مرور منطق شاد بودن را درک خواهند کرد. دست زدن اجباری، امر به خندیدن، جیغ کشیدن لزوماً رسم رفاه و شادی روانی نیست. سخن بسیار است؛ با تشکر از همهٔ مربیان زحمت‌کش و صاحبان به حق تربیت کودکان در کنار خانواده‌ها، مدیران ارجمند که مسئولیت برنامه‌ریزی‌های محیط‌های مراکز پیش‌دبستانی را دارند و خانواده‌های خوب کودکان، تقاضا دارم در سال نو و به برکت زیبایی‌های طبیعت، چنان کنند که کودکان هیجانانگیز و احساسات‌خوبی داشته باشند.

به امید شادی بیشتر در بهاران
سردبیر

رایانه، تلویزیون و تلفن ور رفت و کودکان را ساکت کرد، حرکت کرد، حرکات موزون انجام داد و...؛ به راستی چه باید کرد؟

– سرمنشأ برنامه‌ریزی برای بهاری کردن روزهای سبال و شاداب کردن کودکان و خانواده‌ها فقط در مهدهای کودک، کودکان‌ها و مراکز پیش‌دبستانی نیست و جامعه باید مسئولیت و تعهد در برابر سلامتی و رفاه روانی افرادش را در سرلوحهٔ کارهای خود قرار دهد. **تحقیقات فراوان نشان داده‌اند که جامعهٔ شاد و شادی‌آفرین، مشکلات کمتری دارد، افراد چنین جوامعی از نظر جسمی و روانی سالم‌ترند، ارتباطات شادمانهٔ بهتری دارند، آمار خشونت و آزار در این جوامع کاهش و شاخص خلاقیت و پیشرفت در آن‌ها ارتقا یافته است.**

حال، سؤال این است که مراکز آموزشی و فرهنگی ما نه در قالب مادی و ثبت‌نام اجباری در برنامه‌های کوتاه‌مدت، سریع و یک‌شبه بلکه طولانی‌مدت، هدفمند و سالیانه چه کرده‌اند. البته ناحق است اگر از اندک برنامه‌های خوب در سطح جامعه از جانب بعضی کانون‌ها و انجمن‌ها در قالب جشنواره‌ها و تشویق کودکان و خانواده‌ها غافل بمانیم. مراکز آموزشی، مهدهای کودک و پیش‌دبستانی چه کارهای شاخصی دارند؟ بی‌گمان دیده می‌شود که در روزهای مطابق تقویم اجرایی و آموزشی، مراسم، گل، کاغذ رنگی، شیرینی، تغییرات ظاهری و به اصطلاح خودشان مراسم جیغ، دست و هورا صورت می‌گیرد. در این‌گونه مراسم، گاه حتی کودکان و خردسالان در حاشیه قرار می‌گیرند و حاج و واج به این رنگارنگی می‌نگرند و نمی‌دانند یا به زبان ساده توجیه نمی‌شوند که چرا مثلاً امروز با دیگر روزها فرق دارد و چرا چنین می‌کنیم و باید آن چنان باشیم.



برنامه‌های درسی نوین در آموزش و پرورش پیش دبستان

پروژه‌های ارزشیابی آموزشی و پرورش دوران اولیه^۲ (ECEC) همکاری داشته است.

هدف اساسی از اجرای این پروژه‌ها در حقیقت حمایت از توسعه و کیفیت‌زایی در این رشته است، زیرا در حال حاضر یادگیری مادام‌العمر کودکان از سال‌های کودکی و خردسالی در دستور کار بسیاری از کشورها قرار دارد. از دیگر سو، به منظور هدفمند کردن برنامه‌ها و ارتقای دانش بر پایه تحقیق و پژوهش، کارگاه‌های مختلفی در این کشورها برگزار شده و در آن‌ها درباره انتقال دانش بین‌المللی در مورد کودکان و برنامه‌های آنان و نیز سیاست‌گذاری‌های نوین و عناوین مورد علاقه برای پژوهش بحث و بررسی صورت گرفته است. اطلاعات حاضر نیز بر پایه کارگاهی است که از طرف وزارت آموزش و پرورش کشور سوئد در استکهلم برگزار گردید. نکته دیگر این‌که در این شماره فقط به این پنج برنامه از منظر نوع نگاه و چشم‌انداز به کودک خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌های درسی نوین، رجیو امیلیا، تهواریکی، آموزش تجربی، های اسکوپ، برنامه درسی ملی سوئد، کودک فعال

در سال‌های اخیر، برنامه‌های درسی در کشورهای مختلف و براساس دیدگاه‌ها و نگرش‌های نوین شکل گرفته است. متأسفانه به دلیل ارتباط کم بسیاری از مراکز آموزشی و نیز برنامه‌ریزان این سطح با دانشگاه‌ها و نیز وابستگی شدید به روش‌ها و رویکردهای سنتی و عادت شده قبلی، اشتیاق و علاقه‌ای به شناخت درست آن‌ها وجود ندارد. نداشتن متولی مستقیم و نبود یک مرکز تربیت درسی یکپارچه در سطح کشور نیز به این مسئله دامن زده است. در هر صورت، برای پذیرش برنامه‌های نوین و الگوهای خاص این سطح از آموزش‌ها قبل از هر چیز باید شناخت واقعی و کاملی از این برنامه‌ها و کارکردهایشان در کشورهای تولیدکننده آن‌ها داشته باشیم و به‌ویژه با مقایسه تحلیلی این برنامه‌ها به ویژگی‌های مقبول آن‌ها پی ببریم.

از این‌رو در این مقاله، هدف اصلی شناخت ویژگی‌ها و اشتراکات و نیز وقوف بر اختلافات است تا مسئولان و برنامه‌ریزان با آگاهی از آن‌ها برای شکل‌گیری و آموزش آن‌ها به مربیان و کارشناسان آمادگی لازم را پیدا کنند.

در اینجا صرفاً به پنج برنامه برتر به شرح زیر خواهیم پرداخت: از سال ۲۰۰۰، سازمان توسعه و مشارکت اقتصادی (O.E.C.D)^۱ با وزرای آموزشی بعضی کشورهای داوطلب، برای شرکت در

نام اختصاری	نام اصلی	کشور	نام برنامه	ردیف
R/E	Reggio Emilia	ایتالیا	رجیو امیلیا	۱
TW	te whariki	نیوزلند	تهواریکی	۲
EXE	Experiential Education	بلژیک	آموزش تجربی	۳
H/S	High-Scope	آمریکا	های اسکوپ	۴
LPFO	Swedish Nationale curriculum	سوئد	برنامه ملی سوئد	۵



شباهت‌های برنامه‌ها

بارزترین ویژگی مشترک تمام این برنامه‌ها این است که کودک عنصری فعال در نظر گرفته می‌شود که خود آغازگر است، موجودی علاقه‌مند به محیط پیرامون است و برقراری ارتباط از جانب او صورت می‌گیرد. سابقه این نوع نگرش که باید به یادگیری کودک در پیش‌دبستان به گونه‌ای متفاوت با دوران مدرسه نگریست، به زمان فردریک فردل آلمانی برمی‌گردد؛ اگرچه نگرش‌های مربوط به یادگیری‌های مدرسه‌ای نیز در حال تغییر است و در این صورت با نگاه ECEC نزدیک‌تر خواهد شد.

چشم‌انداز و نوع نگاه برنامه‌های نوین به تعریف و ویژگی کودک فعال

① در برنامه آموزش تجربی (EXE) بلژیک، کودک فعال از راه مشارکت و درگیر شدن در تکالیف و موقعیت‌های متفاوت قابل رؤیت است. میزان و درجه اشتغال و درگیری کودک در فعالیت‌های مشخص به عنوان نشانه و علامت یادگیری او مورد توجه قرار می‌گیرد. مشارکت و اشتغال در حقیقت کیفیتی است که هم در فعالیت‌های منفرد و تنها و هم در تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط با دیگران اتفاق می‌افتد. یادگیری کودک وقتی به نقطه اوج خود می‌رسد که کودک به معنای واقعی و کامل بر تکلیف و کاری که انجام می‌دهد، متمرکز شود و کاملاً جذب کار گردد.

در این نوع از برنامه‌ها، اعتقاد بر این است که در کودکان نوعی اشتیاق و نیاز یا انگیزه برای دریافت بهتر از دنیای واقعی به وجود می‌آید. البته شیوه انگیزشی و نیاز پژوهشی هر کودک متفاوت است. اهداف برنامه نیز با مشارکت کودک حاصل می‌آید. به این

معنی که کودک درواقع در فرایند یادگیری خود همراهی و مشارکت و به نوعی همکاری دارد.^۳ این برنامه بر مربیان و معلمان مشغولی متمرکز است که سعی در علاقه‌مند کردن کودک به هر چیز ممکن دارند و به او اجازه و فرصت می‌دهند تا به آنچه مورد علاقه و رغبت وی است بپردازد.

② مبنای اساسی برنامه‌های اسکوپ (H/S) نیز نظریه پیازه، روان‌شناس سوئیسی درباره ساختار هوش و تغییرات تدریجی مرتبط با سن هر کودک می‌باشد. در اینجا، مفهوم کودک فعال این است که وی دانش و معلومات خود را در چارچوب رشد و پختگی زیست‌شناختی یا بیولوژیکی خود کسب می‌کند. تکلیف معلم و مربی نیز در اینجا حمایت کردن از کودک در جهت توسعه و پیشرفت خویش می‌باشد. بازی کودکان با یکدیگر و تعامل آن‌ها اساس و پایه رشد و یادگیری محسوب می‌شود. با درک این مطلب که از نظر پیازه، منظور از رشد و یادگیری، کار عملی روزمره با کودکان است. **عنصر مهم این رویکرد، کار روزانه و مستمر در قالب فرایند طرح‌ریزی، عمل و بازبینی^۴ است.**

③ در برنامه مراکز آموزشی رگیو امیلیا (ایتالیا)، کودک، به عنوان موجودی شایسته، فعال و منتقد دیده می‌شود. در اینجا فراتر از نیاز کودکان، حقوق کودکان مورد تأکید فراوان قرار می‌گیرد. به علاوه، این کودک است که جست‌وجوگر و پژوهشگر است و در تعامل با پیرامون خود و در فرایندی مستمر به درک و تولید معنا می‌پردازد. تعامل و رویارویی دوجانبه برای خلق هویت و معنا و شناخت از دنیای پیرامون حائز اهمیت بسیار و حیاتی است؛ زیرا در برنامه رگیو امیلیا کودک **عنصری بی‌همتا و منحصر به فرد و غنی و سرشار و قدرتمند** شناخته می‌شود.

منظور از عنصر بی‌همتا و منحصر این است که به قابلیت و توانایی خلق معنا و نیز شناخت از دنیای پیرامون در کودک اعتماد و اطمینان ویژه وجود دارد. کسب دانش و یادگیری بر این عقیده استوار است که در زمینه آنچه کودک انجام می‌دهد و به آن اشتغال دارد، باید به او فرصت داده شود تا افکار و اندیشه‌هایش را پرورش و توسعه دهد، فعالیت‌های خود را

در این نوع از برنامه‌ها، اعتقاد بر این است که در کودکان نوعی اشتیاق و نیاز یا انگیزه برای دریافت بهتر از دنیای واقعی به وجود می‌آید. البته شیوه انگیزشی و نیاز پژوهشی هر کودک متفاوت است

لذت‌بخش بداند و اعتماد به نفس قوی و مثبتی پیدا کند. در این رویکرد، اعتقاد بر این است که باید به فرایند تعلیمی اجازه داده شود تا از طریق علائق و کنجکاوی‌ها و سؤال‌های کودکان هدایت گردد. طبیعتاً، معلمان نیز باید به آنچه کودکان ابراز می‌کنند و واکنش‌های آنان به قدر کافی توجه و نظارت کنند و آن‌ها را پی‌گیری نمایند.

۴ در برنامه درسی سوئد برای کودکان فعال می‌توان در اهداف تنظیم شده از نظر تحقق یادگیری و رشد پیشرفت کودک نگرینست. مسئولیت مراکز پیش‌دبستانی در اینجا دادن فرصت به کودکان است تا در مسیری تنظیم شده و رو به اهداف پیش بروند. در اینجا، مرکز پیش‌دبستانی قرار است نوعی وحدت و یکپارچگی را شکل دهد که در آن کودک براساس مراقبت، شکوفایی و آموزش و پرورش رشد یابد. فعالیت‌ها باید محرک بازی، خلاقیت و لذت و شادی کودکان باشند و در عین حال، از علائق کودکان در یادگیری استفاده کنند تا آنان بتوانند تجربه‌ها و دانش و مهارت‌های جدیدی به دست آورند. ایده‌های جاری و تنوع آن‌ها نیز باید مورد پژوهش قرار گیرند. مراکز پیش‌دبستانی باید سعی کنند این اطمینان حاصل آید تا کودکان در پرورش هویت خود احساس امنیت کنند، برای رشد توانایی‌ها به منظور گوش دادن، روایت کردن، انعکاس و ابراز و بیان عقاید خود آزاد باشند و واژگان و مفاهیم مرتبط و همچنین مهارت‌های ارتباطی خود را رشد و توسعه دهند. مهارت‌های هر روزه و مستمر روزانه با یادگیری و اهداف رشد ارتباط درونی دارند. این همه نیز با تعدادی از کیفیات (بر حسب ویژگی‌ها و مهارت‌ها) مانند مهارت‌های مشارکتی، مسئولیت، خودآغازگری، انعطاف‌پذیری، مهارت‌های انعکاسی، بازخوردها و نگرش‌های فعال، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های حل مسئله، وضعیت انتقادی، خلاقیت، و نیز توانایی یادگیری به منظور یادگیری، ارتباط و همخوانی دارند. این کیفیت‌های مختلف که عمومی هستند و به عنوان بخشی از همه موضوعات مدرسه‌ای دیده می‌شوند، بُعدی محوری در تدارک و آماده‌سازی کودکان و دانش‌آموزان امروز برای جامعه فردا را تشکیل می‌دهند. همچنین، اهداف برنامه درسی سوئد بر معنا بخشیدن به دنیای پیرامون کودکان، زمینه‌های مرتبط با فرهنگ، علوم طبیعی، خواندن و نوشتن و ریاضی و موارد دیگر متمرکز است.

۵ برنامه ته‌واریکی، از نظریه و ایدئولوژی رشد انسان مائوری^۱ تأثیر پذیرفته است؛ به این معنی که احترام عمیقی برای نیرو و انرژی زندگی از جهان هستی - جایی که همه چیز ارتباط درونی دارد - قائل است و نیز با نظریه یادگیری ویگوتسکی^۲ مرتبط است که در آن زمینه اجتماعی به عنوان یک نشانگر قوی و نیرومند برای یادگیری و رشد مطرح است.

در اسناد دولتی در زمینه کیفیت در عمل چنین بیان شده است که اهداف مطلوب و کلیه اعمال در آموزش و پرورش دوران اولیه کودکی و در رابطه با برنامه درسی در دو اصل هدیاتگر

یافت می‌شوند:

۱. کار کردن با مشارکت والدین به منظور ارتقا و گسترش یادگیری و رشد هر کودکی که به این مراکز راه پیدا می‌کند یا دریافت‌کننده این نوع از خدمات است.

۲. توسعه و به کارگیری و اجرای یک برنامه درسی که به همه کودکان کمک کند تا یادگیرندگانی شایسته و قابل اعتماد باشند، از نظر بدنی و روحی سالم بار بیایند، از لحاظ حس تعلق از امنیت برخوردار باشند و سرانجام در کسب دانشی که بتوانند از آن طریق به جامعه کمک‌های با ارزشی بنمایند، احساس ایمنی کنند.

روایت و گفته‌های خود کودکان در این نوع از برنامه درسی بسیار حیاتی هستند. کودکان در شکل‌دهی به تدریس و فرایند یادگیری مرتبط با خطوط اساسی و اهداف موجود در برنامه درسی نقش فعالی دارند. مشارکت کودک در تدریس و نیز فرایند یادگیری به عنوان مبنایی برای اجرا و ارزشیابی برنامه درسی ته‌واریکی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جمع‌بندی

در پنج نوع برنامه درسی نوین از جمله رجیو امیلیا، ته‌واریکی، آموزش تجربی، های اسکوپ و برنامه درسی ملی سوئد، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی از منظر چشم‌انداز و نوع نگاه تربیتی به کودک وجود دارد.

کودک فعال^۳ که بارزترین ویژگی مشترک تمام این برنامه‌هاست، در برنامه‌های پنج‌گانه تعریف و ویژگی خاص خود را دارد که توجه به آن در برنامه‌ریزی‌ها نشانگر شناخت عمیق از فلسفه و نظریه‌های زیربنایی آن‌هاست.

البته سایر ویژگی‌های برنامه‌ها در این مقال نمی‌گنجد و در شماره‌های بعدی به آن‌ها خواهیم پرداخت.

پی‌نوشت‌ها

1. organization for Economic Co-Peration and Development
2. Evaluation of Early Childhood Education
3. Co-Con structor
4. Plan, Do, Review
5. Maori عقاید و سنت مردم نیوزلند
6. vygotsky
7. Active Child

بارزترین ویژگی مشترک تمام این برنامه‌ها این است که کودک عنصری فعال در نظر گرفته می‌شود که خود آغازگر است، موجودی علاقه‌مند به محیط پیرامون است و برقراری ارتباط از جانب او صورت می‌گیرد



تکنیک‌هایی مانند خلق کردن، بیان کردن، درک کردن و پاسخ دادن یاری رساند.

بنابراین، آنچه هنرها با خود به همراه دارند، در نظام‌های آموزشی و مراکز پیش‌دبستان، به‌ویژه برای رشد همه‌جانبه کودکان بسیار چشمگیر و ستودنی است. از این‌رو درک هنرها و به‌کارگیری صحیح شیوه‌های تربیت هنری می‌تواند در توسعه نظام مدرسه‌ای و رشد شایسته کودکان مؤثر باشد.

توانایی تربیت هنری برای رشد کامل‌تر ذهن بشر و بهبود گرایش به سمت یادگیری، از جمله عملکردها و پیامدهای اساسی هنر است. تربیت هنری می‌تواند پیامدهای زیر را برای کودکان و آینده‌سازان این مملکت داشته باشد:

- به کودکان کمک می‌کند خود را بهتر بشناسند و با آنچه در اطرافشان می‌گذرد، برخورد شایسته‌تری داشته باشند.
- مدارا کردن و ارج نهادن نسبت به تنوع فرهنگی و نژادی را در کودکان پرورش می‌دهد.
- کودکانی که به فعالیت‌های هنری علاقه‌مندند، نسبت به کودکانی که به فعالیت‌های هنری علاقه چندانی ندارند، از نظر سنجش عملکرد تحصیلی، بهتر عمل می‌کنند.
- کودکانی که در زمینه هنر در دوره پیش‌دبستان فعالیت دارند، در آزمون‌های استاندارد شده دوره دبستان نمرات بالاتری کسب می‌کنند.
- آموزش موسیقی باعث بهبود نمره درس ریاضی و مهارت‌های فضایی می‌شود.
- مهارت‌های خواندن از طریق یادگیری هنرها، به‌ویژه تئاتر و هنرهای نمایشی، افزایش می‌یابد.
- تربیت هنری خلاقیت را برمی‌انگیزد، مهارت‌های ارتباطی را ایجاد و تقویت، و کار گروهی را ترغیب می‌کند.
- «عشق به یادگیری»^۲ را در همه

مربیان پیش‌دبستان و شناخت مهارت‌های هنری

اشاره

آموزش هنر در پایدارترین و اصیل‌ترین جلوه‌های خود به آرمان‌ها، شناخت‌ها، مهارت‌ها، احساس‌ها و ارزش‌های ژرف و بنیادی نظر دارد که انسان با تکیه بر آن‌ها به تحول واقعی و اصیل خود دست می‌یابد. تربیت هنری در رشد مهارت‌های تفکر، توانایی خلاقیت و کمک به شکل‌دهی ارزش‌های زندگی بسیار سهیم است و از همین‌رو، نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان دارد. در این نوشتار، نقش هنر در یادگیری و پیامدهای ناشی از آن مورد توجه قرار گرفته و در نهایت، مهارت‌ها و توانایی‌هایی که مربیان در آموزش هنر به کودکان بدان نیازمندند، شرح داده شده است.

کلیدواژه‌ها: آموزش هنر، کودکان، مهارت‌های هنری، مربیان

پیامدهای آموزش هنر به کودکان

تربیت هنری توانایی بسیاری در برانگیختن افراد برای یادگیری و غلبه بر موانع آموزش و یادگیری دارد. تربیت هنری می‌تواند هیجان‌های منفی و دارای اثرات زیان‌بار مانند بی‌علاقگی، اضطراب و خستگی را کاهش دهد و حتی از بین ببرد. از سوی دیگر، رشد ارزش‌های انسانی از طریق فعالیت‌های هنرمندانه کودکان امکان‌پذیر است (شارپ و همکاران^۱، ۲۰۰۸).

تربیت هنری، به‌ویژه هنرهای تجسمی، به کودکان کمک می‌کند سبک‌ها و روش‌های یادگیری را به خوبی درک کنند و از آن‌ها در سایر حوزه‌های زندگی خویش یاری بگیرند.

هنرهای زیبا با قلمروهای هنری مختلف شامل

نمایش، موسیقی و هنرهای تجسمی می‌تواند به رشد بسترهای فردی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی، همچنین به دانش، مهارت و



برخی از مهارت‌ها و دانش‌هایی که مربیان برای آموزش هنر در محیط پیش‌دبستان بدان نیاز دارند، مربوط به جهت‌گیری و نوع آموزش هنری است که باید ارائه کنند. آنچه معلم باید انجام دهد، به‌طور مستقیم به مهارت‌های آموزشی و دانش‌هایی مربوط می‌شود که مورد نیاز اوست. در ایسن گفتار برخی از مهارت‌ها و توانایی‌هایی را که مربیان برای آموزش هنر در مراکز پیش‌دبستان باید بیاموزند، بررسی می‌کنیم.

● از آنجایی که در آموزش هنر مسئله اساسی به‌کارگیری تخیل است توانایی درگیر کردن قدرت تخیل کودکان، از مهارت‌های بسیار مهم آموزش هنر به حساب می‌آید. مربی به روش‌های مختلفی می‌تواند این کار را انجام دهد.

● یک روش آن است که از کودکان بخواهید خود را در فضایی تخیلی قرار دهند. برای مثال، اگر مربی با کودکان ۴ تا ۶ ساله سروکار دارد، می‌تواند از آن‌ها بخواهد که تصور کنند در یک سفینه فضایی هستند و به کره ماه سفر می‌کنند؛ لرزش‌های فضا را احساس می‌کنند و کم‌کم بر سطح ماه می‌نشینند. به تدریج در سفینه باز می‌شود. حالا مسافران چه می‌بینند؟ چه حسی دارند و وقتی به خانه برمی‌گردند، چگونه سفر خود را برای دیگران به تصویر می‌کشند؟

● آموزش موقعیت‌های تخیلی قابلیت‌های زیادی دارد. برای مثال، کودکان را به دنیای تجربه‌ای که به‌طور تخیلی ایجاد شده است، وارد می‌کند و توانایی نقاشی کشیدن را در آنان بالا می‌برد.

● دانش دیگری که مربی در آموزش هنر بدان نیاز دارد، دانش مربوط به الزامات فنی و مواد آموزشی است. مربیان باید بدانند مواد و وسایل هنری مختلف مانند انواع رنگ‌ها، کاغذها، قلم و حتی مواد دورریختنی چه قابلیت‌هایی دارند و چه آثار هنری‌ای را پدید می‌آورند.



حوزه‌های آموزشی پدید می‌آورد.

● تفکر انتقادی و مهارت‌های تفکر سطح بالا را آموزش می‌دهد و نوعی رقابت سالم برای به دست آوردن شغل در آینده را فراهم می‌آورد.

رموزی برای مربیان در آموزش هنر

آموزش هنر به کودکان نه یک کار ساده بلکه حرفه‌ای تخصصی است. بزرگ‌ترین لطمه‌ای که سال‌هاست به هنر وارد می‌شود، این است که ما به کودکان اجازه می‌دهیم برای لذت بردن از هنرها، به سادگی و بی‌هدف رها شوند که البته روش صحیحی نیست. برای منفعت بردن از هنرها لازم است کودکان در فعالیت‌های هنری غوطه‌ور شوند. بین مهارت‌های یادگیری و داشتن آزادی برای نوآوری و تأمل تعادل ظریفی وجود دارد؛ این در حالی است که اکثر مربیان مراکز پیش‌دبستان و هنرمندان برای این امور آموزش ندیده‌اند.

آنچه هنر آموزش می‌دهد، تحت‌تأثیر دو مقوله قرار دارد: یکی آنچه تدریس می‌شود و دوم چگونگی تدریس. بنابراین، هنر مانند سایر فعالیت‌های آموزشی در دوره پیش‌دبستان، می‌تواند به شیوه‌های مختلف برای اهداف مختلفی آموزش داده شود (ایزنر، ۲۰۰۲).





باید برای ادارهٔ اثربخش کلاس‌ها یا کارگاه‌های هنر در مرکز پیش‌دبستان بدانند. فقدان چنین دانش و مهارتی به بی‌نظمی کلاس منجر خواهد شد.

● دانش و مهارت آموزشی دیگر در تدریس هنر این است که مربی بتواند بین اثر جدید و قبلی، و اثر فعلی و جهان خارج از کلاس درس ارتباط برقرار کند و بداند چگونه باید براساس مطالب تدریس قبلی خود، موضوعات جدیدی را به کودکان ارائه کند. تدارک فعالیت‌هایی که در آن بتوان از آنچه قبلاً آموخته شده است استفاده کرد و همچنین بین آنچه در کلاس هنر آموخته شده و جهان خارج ارتباط برقرار کرد، از مسائل ضروری در آموزش هنر برای مربیان است.

بنابراین، مربیان باید دانش کافی دربارهٔ هنرها داشته باشند که این دانش شامل مهارت‌های پیش‌نیاز در عرصهٔ آموزش و هنر است و وجود آن برای داشتن قضاوت صحیح دربارهٔ یادگیری کودکان ضرورت دارد. تدریس خوب در تربیت هنری به کودکان کمک می‌کند دنیای نمادین اطراف خود را درک کنند، بسازند و با آن کار کنند.

پی‌نوشت‌ها

1. Sharp and eta
2. Love of Learning

منابع

۱. مهرمحمدی، محمود؛ کیان، مرجان. (۱۳۹۴). برنامهٔ درسی و آموزش هنر در آموزش و پرورش. تهران: انتشارات سمت.
2. Einser, Elliot. (2002). Theand the creation of Mind, Yale University Press.
3. Sharp, Carolin and Metartis Le Joanna. (2008). The Arts, Creativity and Cultural Education: An International Perspective, Qualification and Curriculum Authority in England.

● مربیان باید توانایی بررسی کیفیت اثر هنری کودکان را داشته باشند و بتوانند به شیوه‌ای هدایتگرانه دربارهٔ اثر هنری کودک با وی گفت‌وگو کنند.

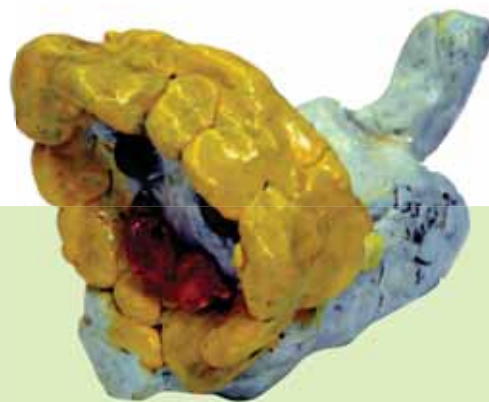
● مربی باید در مسیر ملایمی از نقد ساختاری قدم بردارد. نظرات مربی هم جنبهٔ شخصی دارد و هم باید براساس قابلیت‌های هنری کودک باشد. او در این مسیر باید کودکان را دعوت کند که کار خودشان را نقد کنند و برای ادعاهایشان دلیل بیاورند.

● مهارت آموزشی دیگری که در تدریس هنر مورد نیاز است، توانایی الگوسازی نوع زبان و مهارتی است که از کودکان انتظار می‌رود بیاموزند. شاید کودکان ۴ تا ۶ ساله هرگز ندیده باشند که کسی دربارهٔ یک اثر نقاشی، یک درخت یا یک ساختمان، استعاره و تشبیه به کار ببرد، اما کلاس هنر جایی است که کودکان می‌توانند چنین زبانی را ببینند و بشنوند. بنابراین، مربی می‌تواند این مهارت‌ها را فراهم کند و فرصت‌هایی را برای کودکان مهیا سازد تا آنچه را می‌بینند، الگو قرار دهند.

● مربیان باید بدانند که چه موقع کودکان را آزاد بگذارند و به آن‌ها اجازه دهند که راه خودشان را پیدا کنند. این روش آموزشی منحصر به تدریس هنر نیست اما در عرصهٔ آموزش هنر اهمیت ویژه‌ای دارد.

● از آنجا که هنر از محدود عرصه‌ها در برنامهٔ دوره پیش‌دبستان است که بر اهمیت دیدگاه فردی تأکید دارد، فراهم کردن چنین فضایی همراه با کمترین دخالت‌های مربی بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

● مهارت آموزشی دیگری که مربی باید داشته باشد این است که بداند چگونه باید ابزارهای آموزشی مورد نیاز دانش‌آموزان را بدون اتلاف وقت مرتب و منظم نماید، نقاشی‌ها را توزیع و جمع‌آوری کند، برای قرار دادن وسایل شکستنی در جای مناسب، کلاس را قفسه‌بندی کند، آثار چایی را از آسیب دیدن محافظت نماید و از ابزارهای آموزشی محافظت کند. همگی این موارد، بخش‌هایی از مهارت‌های آموزشی است که معلمان





عکاس: غلامرضا بهرامی

قصه‌هایم برای تو

گزارشی از نخستین همایش قصه‌گویی
مؤسسه کشوری مهد قرآن

اشاره

«ما نیکوترین قصه‌ها را از طریق وحی و فرستادن این قرآن برای تو بازگو می‌کنیم، هرچند پیش از این، از آن غافل بودی». این آیه سوم سوره یوسف است پیامبری که سرگذشتش را قرآن برای ما بازگو می‌کند. کتاب مقدس ما که قصه‌های فراوان دیگری را هم در دل خود جای داده است. همین نکته کافی است تا به اهمیت قصه و قصه‌گویی در مسائل تربیتی پی ببریم. حالا به همت مؤسسه کشوری مهد قرآن والدین و مربیان مهد در سالن همایش این مؤسسه جمع شدند تا با کارشناسان عرصه قصه و شعر گفت‌وگو کنند و قصه و شعر بشنوند.

وقتی همایش شروع می‌شود مسعود تهرانی فرجاد، معاون تخصصی کودک و نوجوان مهد قرآن، درباره اهمیت قصه و قصه‌گویی می‌گوید. مادران و مربیانی که چند ردیف جلو سالن همایش را پر کرده‌اند، مخاطب تهرانی هستند. او از قرآن یاد می‌کند که «احسن القصص» است و درباره اینکه چرا باید برای کودکان قصه بگوییم، توضیح می‌دهد: «نکته‌ای که خیلی حائز اهمیت است و لازم است به آن توجه کنیم، اهمیت قصه‌گویی و چگونگی تعامل ما با کودکانمان است. اینکه بتوانیم از محمل قصه - که سابقه تاریخی دارد - استفاده کنیم؛ قصه‌های سینه به سینه نقل شده و قصه‌های مادر بزرگ‌ها و قصه‌های عبرت‌آموزی که هر بار برای بچه‌ها گفته شود حتی اگر تکراری باشد برایشان شیرین و جذاب است. به شما خانواده‌هایی که تشریف آوردید تبریک می‌گویم؛ چون این یعنی اینکه دغدغه دارید. نکته دیگر اینکه اساساً چرا برای کودکانمان قصه بگوییم؟ چیزی که بسیار اهمیت دارد دنیایی است که کودک در آن تخیل می‌کند و خلاقیتی که در کودک به وجود می‌آورد. خلاقیت است که آینده خوبی را برای کودک رقم می‌زند. باید به الگوسازی‌ها و الگوبرداری‌هایی که کودک از قصه دارد، توجه کرد. او با قصه زندگی می‌کند. من همیشه به مربی‌ها و والدین گفته‌ام که باید توبه کنیم، اگر شب‌ها کودکانمان را با قصه خوابانیدیم.»

شعر

خانم مهتاب شهیدی، مجری مراسم، با لحنی گرم سلام می‌کند و می‌گوید: «چرا مراسم این قدر رسمی است؟ می‌خواهیم کمی خودمانی شویم.» بعد شعری می‌خواند: «باغ کوچکم/ صبر کن/ سرفه‌های خشک تو/ خوب می‌شود با عصا به بهار و سوپ سبز عید/ از چمن لباس تازه می‌خری/ نونوار می‌شوی با حریری از شکوفه سپید/ می‌رسد بهار/ تا دوباره خاک خشک را زیرورو کند/ چادر مچاله تو را اتو کند.» در بین صدای دست‌ها شاعر این شعر، خانم کبری بابایی، روی صحنه می‌آید تا درباره شعر و شعرخوانی گفت‌وگو کند. او می‌گوید حالا که از روی صحنه چهره‌ها را می‌بیند خودمانی‌تر می‌شود. بعد از سلام به حضار، با خنده می‌گوید، «دیگر نمی‌دانم چه بگویم» و اینجاست که مجری همایش سراغ اولین سؤال می‌رود. بابایی باید ابتدا به این سؤال پاسخ دهد که: «چرا در عصر فناوری که این همه سرگرمی برای کودکان وجود دارد، باید برای آن‌ها شعر خواند؟» او بدون فکر و انگار که این سؤال برایش آشناست، شروع می‌کند به صحبت کردن: «این سؤال بحثی ابتدایی دارد. مشکلی که وجود دارد این

نرفته باشند. اینترنت همه جا در دسترس است و بچه‌ها ممکن است اسباب‌بازی‌های پیشرفته و خیلی سرگرم‌کننده‌ای داشته باشند. همه این‌ها اتفاقاً زنگ خطری است که ما چیزهایی را که برایمان مهم است از یاد ببریم. خود شعر حداقل اتفاقی که می‌تواند در ذهن بچه‌ها ایجاد کند آن قدر بزرگ است که هزاران اسباب‌بازی پیشرفته شاید نتوانند. بسیاری از کشورهای پیشرفته خیلی روی شعر و قصه کار می‌کنند و برای آن برنامه‌ریزی دارند. آن‌ها ظرفیت‌های شعر و قصه را توانسته‌اند پیدا کنند و اهمیتش را احساس کرده‌اند. حداقل اتفاقی که گفتیم با شعرخوانی برای خود ما و کودکان می‌افتد، این است که بخشی از زحمت زبان‌آموزی را به عهده شعر می‌گذاریم. تا جایی که می‌بینیم بچه‌هایمان وقت حرف زدن از کلمات بیشتری استفاده می‌کنند؛ دایره واژگانشان گسترده شده و حرف‌های ما را بهتر متوجه می‌شوند. البته به همان نسبت که می‌توانند بهتر حرف بزنند بهتر هم می‌توانند فکر کنند و در نتیجه، تصمیمات بهتری بگیرند. فقط همین زبان‌آموزی را که در نظر بگیریم فکر نمی‌کنم کسی باشد که بخواهد این امکان را از فرزندش بگیرد. برای مربیان مهد هم شعرخوانی اهمیت زیادی دارد. مربی با شعرخوانی می‌تواند نتیجه کار خودش را در کلاس ببیند. این کمک را می‌کند ولی به شرط اینکه اصولی را در مورد آن بدانیم و شعر و قصه‌ای را که می‌خوانیم، خوب انتخاب کنیم.»

شعرهای «مهدکودکی»

شهیدی، مجری مراسم، رو به مخاطبانی که حالا تعدادشان کمی بیشتر شده است، می‌گوید: «دوستان، می‌خواهم یک تقابل به شما برسانم. در پایان مراسم قرار است به کسانی که به سؤالاتی که طرح می‌شود پاسخ درست بدهند جوایزی اهدا شود.» بعد با خنده از بابایی که پشت میزی روی صحنه نشسته است می‌پرسد: «خانم بابایی، شعرهای اصطلاحاً مهدکودکی که برای بچه‌ها خوانده می‌شود، چطور هستند؟» کبری بابایی می‌گوید: «بله یک سری از شعرها مهدکودکی هستند؛ یعنی کودکی در منطقه‌ای از تهران یک شعر را بلد است و بچه‌ای در شهر دیگر هم با سبک زندگی متفاوت آن را حفظ است. انگار این قدر دست‌به‌دست شده و سینه

مربی با
شعرخوانی
می‌تواند
نتیجه کار
خودش را در
کلاس ببیند



است که وقتی حرف از یک مسئله علمی می‌شود، مثلاً وقتی باید یک آزمایش علمی انجام دهیم، همه ما احساس می‌کنیم که باید در مورد آن مطالعه کنیم و یاد بگیریم ولی وقتی حرف از شعر و قصه می‌شود، به‌طور ناخودآگاه چون از کودکی و خردسالی با آن روبه‌رو بوده‌ایم، احساس می‌کنیم چیزی برای یادگرفتن در آن نیست و لازم نیست برای آموزش دیدن به سراغش برویم. فکر هم می‌کنیم که همه آن چیزی که یاد گرفته‌ایم چیزهای خوب و درستی هستند. اتفاق بد از اینجا شروع می‌شود. از اینجا که ما یک امکان بزرگ داریم که بچه‌ها و خودمان را با آن رشد بدهیم ولی به خاطر اینکه دانشمان در موردش کم است، سطحی‌ترین و کمترین برداشت را از آن می‌کنیم و نتیجه هم گاهی ممکن است خوب نشود.»

کاری که شعر می‌کند

بابایی در اینجا در جواب سؤالی که از او شده است، می‌گوید: «دنیای امروز به سمت فناوری رفته است و گاهی بچه‌های ما بهتر از ما از تلفن همراه استفاده می‌کنند؛ حتی اگر هنوز مدرسه

به بچه‌ها یاد بدهد، هم همه قصه‌های قرآنی را، بدون هیچ تغییر و مناسب‌سازی برای گروه سنی مورد نظرمان، و هم اسم ائمه و غیره را. هر یک از این‌ها نیازمند یک بازه زمانی طولانی است و با یک شعر و قصه و کتاب نمی‌توان این کار را کرد.» بعد، وقتی مجری از او می‌پرسد «پس چطور مفاهیم قرآنی و مذهبی را به کودکان آموزش دهیم» ادامه می‌دهد: «من اولین بار که وارد این فضا شدم هیچ فیلتری نداشتم؛ یعنی فکر می‌کردم اگر قرار است شعر برای سوره کوثر سروده شود، باید مفهوم سوره کوثر را در آن بگنجانم. بعد متوجه شدم که این‌طور نیست و انتظاری که کارشناس‌ها از ما دارند این است که شعری درباره دختر خوب بگوییم. کم‌کم متوجه شدم بچه‌ها دختر خوب بودن را می‌فهمند و بعدها هم می‌توانند همه مفاهیمی را که در سوره کوثر آمده است بفهمند اما فعلاً نیازشان همان دختر خوب بودن است. لازم است در زمان خودش مفاهیم را به بچه‌ها بگوییم. عجله و شتاب‌زدگی باعث شده است که ما اطلاعات زیادی به بچه‌ها بدهیم که عمق کمی دارد. در صورتی که اگر بچه‌ها کوچک‌ترین مفهوم را به‌طور کامل دریافت کنند، خیلی بهتر است.»



بچه‌ها شاعر می‌شوند

مجری با لبخند رو به مادران می‌گوید: «احتمالاً تجربه این را داشته‌اید که کودکان پنج سال به بالا بتان احساسشان به شما یا اسباب‌بازی‌هایشان را با آهنگی مثل شعر بگویند؟» چند نفر از مادران با خنده تأیید می‌کنند. بعد مجری نظر خانم بابایی را در این باره می‌پرسد. او با خنده جواب می‌دهد: «خب کودک در این جور مواقع واقعاً دارد شعر می‌گوید و از بعضی شاعران هم بهتر این کار را می‌کند. ما معمولاً در مقابل این اتفاق دو واکنش داریم. والدین یا جدی می‌گیرند یا اصلاً اهمیت نمی‌دهند؛ مثلاً ممکن است حتی به بچه بخندند یا زیادی تشویقش کنند. در این وقت‌ها کودک دارد حرکتی را شروع می‌کند و اینکه آن را ادامه دهد یا نه، ربط زیادی به شما دارد. او کار طبیعی خودش را انجام می‌دهد. هنوز تصمیم نگرفته است شاعر شود. ولی دارد استعدادی را که بخشی از وجودش هست و ما نمی‌دانیم چقدر است، نشان می‌دهد. عموماً وقتی ما استعدادی را در بچه‌هایمان می‌بینیم، سعی می‌کنیم پرورشش دهیم و بیشترش کنیم. چطور این کار را بکنیم؟» یکی از خانم‌های حاضر در همایش می‌گوید: «برای کودک شعرهای خوب بخوانیم.» صدای خانم دیگری هم شنیده می‌شود: «با او در فعالیتش همراهی کنیم و در کنارش باشیم.» بابایی این دو نظر را تأیید می‌کند و اضافه می‌کند: «و اینکه در فواصل مختلف به او موضوع بدهیم و ما شروع‌کننده باشیم و او ادامه‌دهنده، و این را به‌صورت تمرین هفتگی یا روزانه در بیاوریم. کم‌کم کمترین اتفاقی که برای بچه می‌افتد این است که آثاری را خلق کند که حتی اگر معنی و مفهوم خاصی هم نداشته باشند، مال خودش هستند.» خانم بابایی، شما که شاعر هستید می‌توانید مثلاً بیت اول را بگویید و باقی را کودک ادامه دهد. ما چه کار

به سینه نقل شده و در جزوه‌ها آمده که همه جا پخش شده و یک نوع الگو شده است. این در حالی است که ما هنوز هیچ کتاب مرجعی برای مهدکودک‌ها و پیش‌دبستانی‌هایمان نداریم که همه بخواهند یکسان از آن استفاده کنند. بعضی از این شعرها خوب‌اند و می‌توان از آن‌ها بهره برد اما بعضی دیگر از ساده‌ترین قواعد شعری هم بی‌بهره‌اند؛ مثلاً ما حداقل انتظارمان از یک شعر این است که قالب درستی داشته باشد، ولی می‌بینیم که بعضی شعرها نه قافیه دارند و نه وزن درست. حتی در بحث محتوا هم هر بیتشان یک ساز می‌زند و پراکندگی دارند. یک بخش مشکل ما نبودن منبع است اما قسمت دیگر به خود والدین و مربی‌ها برمی‌گردد. آن‌ها دنبال شعر خوب نمی‌روند. در چنین اوقاتی، اگر من مربی باشم و بدانم اختلالی وجود دارد، وظیفه دارم بروم و شعرهای مناسب را پیدا کنم. اگر هم مادر باشم، باید یک کار تکمیلی انجام دهم که دریافت‌ها و یافته‌های فرزندم در مهم‌ترین سن زندگی‌اش - که بیشترین دریافت را می‌تواند داشته باشد - به چیزهای ضعیف و سطحی محدود نشود.» او بحث شعرهای مذهبی را هم وارد صحبت‌هایش می‌کند: «در شعرهای مذهبی ما کارمان سخت‌تر هم می‌شود. عزیزان، فکر نمی‌کنم درست باشد که انتظار داشته باشیم قصه و شعر هم اصول دین

عجله و شتاب‌زدگی باعث شده است که ما اطلاعات زیادی به بچه‌ها بدهیم که عمق کمی دارد. در صورتی که اگر بچه‌ها کوچک‌ترین مفهوم را به‌طور کامل دریافت کنند، خیلی بهتر است

«حفظیات من افتضاح است». اما به هر حال شعری می‌خواند.

قصه‌ها

«بچه‌ها اصولاً تخیل را دوست دارند؛ یعنی عاشق قصه و رویاپردازی هستند. در داستان چون رویاپردازی و تخیل وجود دارد، بچه‌ها آن را دوست دارند. قصه‌ها کودکان را به یک دنیای تخیلی می‌برند و در آنجا سرگرم می‌شوند و لذت می‌برند.» این‌ها را عباس غدیر محسنی در پاسخ به این سؤال که «چرا کودکان عاشق قصه هستند» می‌گوید. او کارشناس مرکز تجربیات و ایده‌های نو کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. به صندلی روی صحنه تکیه می‌دهد و ابتدا درباره تاریخچه قصه‌گویی در ایران صحبت می‌کند: «از حدود بیست سال پیش کانون پرورش فکری - که پرچمدار آموزش غیرمستقیم به کودکان است - اولین جشنواره قصه‌گویی در ایران را بنیان گذاشت. ده سال مداوم فقط مربی‌های کانون آمدند در جشنواره قصه گفتند و تجربه‌هایشان را در اختیار هم گذاشتند. بعد رسیدند به نقطه‌ای که ببینند آدم‌های آن طرف دنیا چطور به قصه‌گویی نگاه می‌کنند. ده سال پیش اولین دوره جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی را کانون در تهران برگزار کرد. تازه آن زمان بود که ما

کنیم؟» خانم شاعر در جواب این سؤال مجری همایش می‌گوید: «اصلاً اشکالی ندارد. ببینید اگر خود شما به‌عنوان والدین یا مربی زیاد شعر بخوانید، سوژه برایتان فراوان می‌شود. به خاطر اینکه کلی شعر خوانده‌اید و از همان‌ها می‌توانید سوژه دریابورید. قرار نیست شعر بچه جایی چاپ شود. پس اشکالی ندارد که شروعش از شعر دیگری باشد. اما این کودک وقتی به سن و مرحله نوشتن می‌رسد، راه‌های بیشتری در مقابلش باز می‌شود؛ می‌تواند بخواند و کلاس برود و راهش را بهتر و راحت‌تر پیدا می‌کند. اما اینکه خیلی ذوق‌زده شویم و بچه احساس کند که کار بسیار مهمی کرده هم غلط است. آن وقت بچه تصور می‌کند برای هر کار کوچکی که کرد، باید خیلی از طرف شما تشویق شود یا اینکه اگر کارش در جای دیگری با آن برخورد شما همراه نشود، ممکن است سرخورده شود.»

شعر و سرود

بعد از سؤال‌های شهیدی، نوبت سؤال‌های حاضرین است. بابایی در پاسخ به سؤالی در مورد شعرخوانی با موسیقی و سرود جواب می‌دهد: «ببینید، در اینجا شما از دو ظرفیت استفاده می‌کنید: هم ظرفیت شعر و هم موسیقی. بخشی هم هست که سرود و ترانه است؛ یعنی برای شعری آهنگ ساخته می‌شود. این شعرها به‌صورت ترانه و سرود خوانده می‌شوند. در واقع، اینجا ظرفیت موسیقی به ظرفیت شعر اضافه شده است. اما تعریف ما از شعرخوانی شعری است که به خودی خود و بدون موسیقی هم جذاب باشد. مربی‌ها گاهی فقط کار با آهنگ را سر کلاس‌ها کار می‌کنند؛ چون فکر می‌کنند بچه‌ها شعرهای با آهنگ را بیشتر دوست دارند. من مخالف این نیستم و خیلی هم خوب است اما جای شعرخوانی بدون موسیقی را هم خالی نگذاریم تا فرزندمان فقط دنبال گوش دادن نباشد و خودش هم حاضر باشد شعری را که روی آن آهنگی وجود ندارد، بخواند.» اما یک شعر چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد تا کودک به خواندنش جذب شود؟ بابایی در پاسخ این سؤال می‌گوید: «شعر باید کودک را میخکوب کند. شیطنیت بچگانه در آن باشد. خیلی از شعرها را که نگاه کنید متوجه می‌شوید آن را یک آدم بزرگ گفته است تا به فرزند شما چیزی یاد بدهد. این شعر بهتر است حداقل تعدیل شود، یعنی، بخشی از نگاه کودکانه هم در آن وجود داشته باشد. در شعر نباید نگاه از بالا به پایین داشت. وقتی چنین شعری را برای کودک می‌خوانیم، ممکن است او هم آن را برای شما بخواند و حفظ هم بکند اما لذتی از آن نمی‌برد. چیزی که ما گاهی در کار آموزشی فراموش می‌کنیم این است که باید لذت‌بخش باشد. اگر لذت‌بخش نباشد تأثیرش هیچ است. عاطفه و تخیل و اندیشه سه بال شعرند. به اضافه این‌ها، شعر باید زبان مناسب داشته باشد. هیچ کدام از این‌ها نباید کوچک‌تر از دیگری باشد؛ وگرنه شعر دچار ضعف می‌شود.» در پایان این بخش، از خانم بابایی خواسته می‌شود که یکی از شعرهایش را بخواند. او با خنده می‌گوید:

بچه‌ها اصولاً
تخیل را دوست دارند؛ یعنی عاشق قصه و رویاپردازی هستند. در داستان چون رویاپردازی و تخیل وجود دارد، بچه‌ها آن را دوست دارند. قصه‌ها کودکان را به یک دنیای تخیلی می‌برند و در آنجا سرگرم می‌شوند و لذت می‌برند



فهمیدیم قصه‌گویی در دنیا بسیار جدی است. از آن تاریخ تاکنون ده دوره بین‌المللی برگزار شده است. «غدير محسنی بعد درباره اهمیت قصه حرف می‌زند و اینکه کودک باید به کتاب خواندن عادت کند: «ما باید عادتشان دهیم که کتاب به دست بگیرند و با قصه انس پیدا کنند؛ یعنی ما باید جلو برویم تا آن‌ها دنبلمان بیایند. اگر تصور کنیم که باید منتظر باشیم بچه‌ها به آن رشد مورد نظر برسند، این اتفاق نمی‌افتد. ما کودکان را با قصه و کتاب آشنا نمی‌کنیم. خب، این کار سختی خودش را دارد. شما باید کنار بچه بنشینید و برایش قصه بخوانید یا خود کودک کتاب بخواند و ما هم کنارش باشیم اما ما به جای این‌ها ترجیح می‌دهیم یک پویانمایی برایش بگذاریم تا تماشا کند و آرام شود؛ در صورتی که او اگر کتاب خواندن را یاد بگیرد، با همان کتاب آرام می‌شود. به جای یک پویانمایی یا فیلم کتاب به دستش بدهیم. البته این‌ها هم خوب است اما باید سهمی هم برای کتاب قائل باشیم. یعنی بچه بازی بکند و بازی‌های رایانه‌ای هم انجام دهد، پویانمایی هم تماشا کند اما کتاب هم بخواند.» بعد از پایان گفت‌وگو با آقای غدير محسنی، مجری همایش قصه‌ای برای حضاران می‌خواند.

«چرا؟ چرا؟ چرا؟»

مریم پرسید: «امام حسین (ع) برای چی شهید شد، پدر بزرگ؟ برای چی قبول کرد با این همه دشمن بجنگه؟»

پدر بزرگ گفت: «برای اینکه نمی‌خواست ظلم و زورگویی رو قبول کنه، دختر کم.»

یاسین پرسید: «یعنی چی، پدر بزرگ؟»
پدر بزرگ فکری کرد و گفت: «بذارید با قصه براتون بگم بچه‌ها.»

خانم کلر ژوبرت، نویسنده مسلمان و فرانسوی کودک و نوجوان است. او در ۱۹ سالگی با یک دانشجوی ایرانی در فرانسه ازدواج کرده و سال‌هاست در ایران زندگی می‌کند. آخرین کتاب او «چرا؟ چرا؟ چرا؟» است که درباره قیام امام حسین (ع) به سه زبان انگلیسی، عربی و فارسی نوشته شده است. آخرین کارشناس همایش اوست. نام او با صدای دست زدن حضار گره می‌خورد و کلر ژوبرت پشت میز می‌نشیند. اولین سؤال از او شاید جالب‌ترین سؤال است

ما باید
عادتشان
دهیم
که کتاب
به دست
بگیرند و با
قصه انس
پیدا کنند؛
یعنی ما باید
جلو برویم
تا آن‌ها
دنبالمان
بیایند

که یکی از خانم‌ها مطرح کرده و کلر ژوبرت و حضار را به خنده می‌اندازد. «داستان‌ها به زبان فارسی به ذهن شما می‌آید یا فرانسوی؟» او کنجکاو است بداند چه کسی این سؤال را مطرح کرده است. وقتی می‌فهمد، با لبخند توضیح می‌دهد: «زمانی اول به فرانسوی می‌نوشتیم و بعد به فارسی بازنویسی می‌کردم، اما چند سال است که چون با بچه‌های ایرانی زندگی کرده و انس گرفته‌ام، داستان به زبان فارسی به ذهنم می‌آید. به هر حال وقتی به فکر داستان هستم، وقتی دعا می‌کنم و حتی وقتی خواب می‌بینم، مقداری دو زبانه هم هست. الان قصه‌پردازی‌ام به زبان فارسی شده است.» بعد، او از تجربه‌هایش برای حضاران می‌گوید؛ از اینکه والدین و مربیان چه تأثیری در علاقه‌مند کردن بچه‌ها به کتاب دارند: «پسر اولم کلاس اول را که تمام کرد کتاب می‌خواند و هیچ مشکلی هم نبود ولی پسر دومم تا آخر کلاس سوم خودش کتاب به دست نمی‌گرفت. من کمی ناراحت بودم اما مطمئن بودم اگر تلاش کنم، روزی علاقه به داستان در او پیدا می‌شود. فکر می‌کنم اگر بچه‌ای کتاب دوست نداشته باشد، مقصر بزرگ‌ترها هستند. من سعی می‌کردم کتاب‌های خوبی برایش تهیه کنم. کتاب‌های رنگارنگ و کتاب‌هایی که از نظر ظاهری جذاب باشند. اول‌ها با هم می‌نشستیم و من یک قسمت می‌خواندم و او یک قسمت. از آخر کلاس اول این کار را می‌کردیم. حتی اوایل برای متن‌ها اعراب می‌گذاشتم. چون خودم که فارسی را در بزرگسالی یاد گرفته بودم، درک می‌کردم که ممکن است برایشان سخت باشد. برای بچه‌ای که کلاس اول را تمام کرده خواندن سخت است و ممکن است به خاطر این سختی، این کار را دوست نداشته باشد. وقتی با سختی می‌خوانیم لذت نمی‌بریم فقط تلاش می‌کنیم که درک کنیم. آن لذت را باید ایجاد کنیم. با پسر دوم این کار را کردم. حدود دو سال با هم کتاب می‌خواندیم. یک پاراگراف من می‌خواندم و یکی او. تا یک‌دفعه احساس کردم پرواز کرد. یک رمان به دست گرفت و تا آخرش را خواند. بعدش طوری شد که وقتی پدرش اصرار می‌کرد درس بخواند، کتاب درسی را روبه‌رویش می‌گرفت و پشت آن رمان می‌خواند. اصلاً نمی‌شد کتاب را از دستش گرفت. کتاب‌هایی را هم که دوست داشت، بدون اغراق ممکن بود ده بار بخواند. اگر ما کمی تلاش کنیم بچه‌ها حتماً علاقه‌مند می‌شوند.» ژوبرت یک نکته مهم را هم در تکمیل صحبت‌هایش درباره قصه‌خوانی می‌گوید: «قصه‌گویی و کتاب‌خوانی مخصوص کتاب‌های کوچک نیست. من وقتی بچه‌هایم نوجوان بودند، هر شب یک فصل از رمانی را برایشان می‌خواندم. با اینکه می‌توانستند بخوانند ولی دوست داشتم با هم باشیم. به نظرم حتی وقتی یک نوجوان علاقه نداشته باشد، می‌توانیم این علاقه را در او ایجاد کنیم. فقط باید وقت بگذاریم. حتی باید کسی را که علاقه‌مند است علاقه‌مند نگه داشت.» والدین و مربیان کلی سؤال دارند که قرار می‌شود بیرون از سالن همایش، در جایی که کتاب‌های کودک و نوجوان چیده شده است، آن‌ها را از کارشناسان بپرسند.

داستان باید داستان باشد

همایش رسماً تمام شده است و حضار در گروه‌های چند نفری در سالن همایش یا بیرون از آن جمع شده‌اند و با هم صحبت می‌کنند. ما هم بیرون سالن خانم ژوبرت را پیدا می‌کنیم. او با اینکه فارسی را عالی و تقریباً بدون نقص صحبت می‌کند، از ما عذرخواهی می‌کند که شاید نتواند بعضی سؤال‌ها را خوب توضیح دهد. از این نویسندهٔ کودک و نوجوان می‌پرسیم: «چقدر باید حواسمان باشد که آموزه‌های دینی و آموزش‌های اخلاقی در قصه توی ذوق کودک نزنند؟» او سری تکان می‌دهد و می‌گوید: «خیلی! اگر بخواهیم یک مفهوم دینی را در داستان بگنجانیم باید دقت کنیم که یک مفهوم باشد. چون وقتی شروع می‌کنیم، دوست داریم بیشتر باشد ولی باید یک مفهوم به کار ببریم. حتی اگر مفهوم پیچیده‌ای است، بهتر است در یک داستان یک گوشه از آن را بگوییم نه بیشتر. بعد خیلی دقت کنیم که داستان ما واقعاً داستان باشد؛ یعنی بهانه‌ای برای گفتن مطلبی به کودک نباشد. یک داستان که روی یک مفهوم پایه‌گذاری شده و روی آن بچرخد. از طرفی، همهٔ اصول داستان‌نویسی در آن رعایت شده باشد؛ مثلاً مفهومی که در آن گنجانده‌ایم باید از طریق عملکرد شخصیت بیان شود نه راوی. یعنی ما از عکس‌العمل شخصیت ببینیم که به‌طور مثال یک کار اخلاقی است یا اینکه درست نیست.» او روی این نکته تأکید می‌کند که «داستان برای بیان خیلی از مفاهیم بستر بسیار خوبی است؛ به شرط اینکه اصول داستان‌نویسی را رعایت کنیم و در طول داستان مفهوم ما به تصویر کشیده شود نه اینکه گفته شود.» کلر ژوبرت می‌گوید گوش دادن به قصه هنر گوش دادن را به بچه‌ها می‌آموزد و دقتشان را زیاد می‌کند: «قصه شنیدن و کتاب خواندن دقتشان را زیاد می‌کند. چون اگر دقت نکنند متوجه نمی‌شوند. به‌خصوص در این دنیا که همه‌اش سرعت و پراکندگی است. در بین این جاذبه‌های گوناگونی که وجود دارد، قصه خواندن و شنیدن خیلی به کمک بچه‌ها می‌آید.»

قصه گفتن با صدای بلند

خانم ژوبرت سرگرم پاسخ دادن به سؤال‌های مادران می‌شود اما یک نفر دیگر هم بیرون سالن همایش ایستاده است. خانم مهتاب شهیدی، مجری مراسم که کارشناس و مدرس قصه‌گویی است و در طول همایش از همه سؤال کرده است. حالا نوبت ماست که از او چند سؤال کنیم: «خانم شهیدی، قصه‌گویی چقدر در تربیت کردن اهمیت دارد و این مهارت تا چه اندازه آموختنی است؟» شهیدی با لبخند و سریع جواب می‌دهد: «قصه‌گویی برای تربیت بچه‌ها لازم است. هر مادری باید قصه‌گویی را بداند. مادرهای ما هیچ‌وقت دورهٔ آموزشی ندیدند اما یک عمر برای ما قصه گفتند و ما لذت بردیم. در این دورانی که همه سرگرم دنیای مجازی هستند، قصه‌گویی به رفع نیازهای کودکان بسیار کمک می‌کند. شرکت در کلاس‌های

قصه‌گویی هم کمک می‌کند که مادران فوت‌وفن‌هایی را یاد بگیرند که با استفاده از آن‌ها، بچه‌هایشان از قصه شنیدن لذت بیشتری ببرند. از طرفی، اگر مادرها زیاد کتاب نخوانند نمی‌توانند قصه‌های زیادی در ذهنشان داشته باشند. به قول یکی از کارشناسان، یک مادر با معلم باید هزار تا قصه در آستینش داشته باشد تا بداهه و سریع با هر اتفاق و مناسبتی یک قصه برای فرزند یا شاگردش تعریف کند. باید مثلاً برای بچه‌ای که نمی‌خواهد مسواک بزند، سر بزنگاه یک قصه تعریف کنید. قصه گفتن برای کودک باعث گرایش او به سمت کتاب می‌شود و خودش کم‌کم از شما می‌خواهد و می‌رود به دنبال اینکه قصه پیدا کند.» خانم شهیدی مادر هم هست و به گفتهٔ خودش برای بچه‌هایش زیاد قصه می‌گوید: «یک شب برای بچه‌هایم قصه‌ای تعریف کردم. صبح که از خانه بیرون می‌رفتم، همسایهٔ طبقهٔ بالایی‌مان گفت: «بخشید... ما دیشب نشسته بودیم دم پنجره و به قصه شما گوش می‌دادیم. گفتیم که راضی باشید.» دیگر از فردای آن روز من قصه‌ها را با صدای بلندتر می‌گفتم که آن‌ها هم بشنوند. الان دختر خودم قصه‌گو شده. قصه از هر جنبه‌ای حائز اهمیت است. به والدین پیشنهاد می‌کنم که مطالعه کنند و همیشه برای آموزش دادن به دنبال روش‌های جدید و غیرمستقیم باشند. خلاق باشند و خلاقیت را در محور کارشان بگذارند.» شهیدی که جواب سؤال آخر مرا هم نپرسیده داده است، با خنده می‌گوید: «دیگر چه بگوییم؟» جواب می‌دهم: «هیچی. خودتان همه چیز را گفتید.»

قصه‌گویی برای تربیت بچه‌ها لازم است. هر مادری باید قصه‌گویی را بداند. مادرهای ما هیچ‌وقت دورهٔ آموزشی ندیدند اما یک عمر برای ما قصه گفتند و ما لذت بردیم

پایان

سالن همایش تقریباً از مادران و مربیان خالی شده است اما همه هنوز در مؤسسه مانده‌اند و در حال گفت‌وگو و در میان گذاشتن تجربه‌هایشان با یکدیگر هستند. انگار حالا پی به رازی برده‌اند که در گذشته ساده از کنارش رد می‌شدند. می‌توانم تصور کنم که هزار و یک شب با هزار و یک قصه در انتظار کودکانی باشد که عطش قصه شنیدنشان در شب هزار و دوم هم تمام نخواهد شد.

ده نکته برای کاربرد مدیریت کیفیت جامع
در واحدهای پیش دبستانی

هدایت فراگیر

اشاره

مدیریت کیفیت جامع^۱، به مثابه فلسفه و نگرشی فراگیر در مدیریت که پیش از این فقط به منظور پیشرفت در تولید و ارائه خدمات بهتر و بیشتر به مشتریان به کار می‌رفت، اکنون به شیوه‌ای نوین در آموزش تبدیل شده و به منظور ارتقای کیفیت در واحدهای پیش دبستانی، در مقام روشی کارآمد به بالندگی رسیده است. امروزه فناوری انتقال اطلاعات و برقراری ارتباط از طریق مدیریت، جانشین طرح‌ها و روش‌های پیشین شده است و رقابت و افزایش کیفیت، تنها با اجرای نگرش مدیریت کیفیت جامع، به‌ویژه «مدیریت کیفیت جامع در آموزش» میسر است. در این نوشتار لزوم عملیاتی شدن مدیریت کیفیت جامع در آموزشگاه‌ها را با نگاهی به واحدهای پیش دبستانی بررسی خواهیم کرد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، کیفیت، آموزش، مدیریت کیفیت جامع

ضرورت اجرای مدیریت کیفیت جامع در واحدهای پیش دبستانی

به عقیده پژوهشگران علم مدیریت، ارتقای سطح کیفی آموزش در واحدهای پیش دبستانی، و البته به مدیریت صحیح و به‌ویژه اجرای مدیریت کیفیت فراگیر است. دلایل اصلی این نیاز چنین مطرح شده است:

- اجرای مدیریت کیفیت فراگیر، زمینه‌ساز توجه به مدیریت بر مبنای اصول کیفی و ارائه خدمات بهتر به ذی‌نفعان (نواموزان، مربیان، خانواده‌ها و جامعه محلی) است.
- مدیریت کیفیت فراگیر بر توسعه امکانات آموزشی تأکید می‌کند. زیربنای چنین تفکری، افزایش احساس مسئولیت است و صرفاً در سایه مسئولیت‌پذیری است که مدیران و مربیان در پی ارتباط بیشتر با سایر مراکز پیش دبستانی و اصلاح تدریجی نظام‌های آموزشی خواهند آمد.
- اگر مدیریت کیفیت فراگیر، به درستی و با تمرکز بر نکاتی چون تداوم توسعه و پیشرفت و افزایش اشتیاق به ارائه خدمات آموزشی اجرا شود، زمینه‌ساز ارتقای سطح آموزش در مربیان و نواموزان پیش دبستانی می‌شود که این، یکی از مهم‌ترین کاربردهای مدیریت کیفیت فراگیر در واحدهای پیش دبستانی است.

مدیریت کیفیت جامع در واحدهای پیش دبستانی بر چه نکاتی تأکید دارد؟

اجرای مدیریت کیفیت فراگیر، حرکت از شیوه مدیریت سنتی به مدیریت مبتنی بر یافته‌های نو است. مدیریت کیفیت فراگیر بر نکات ده‌گانه زیر به‌طور جدی تأکید می‌کند:

۱. افزایش مهارت‌های نواموزان در کنار ایجاد تعهد: استعدادهای نواموزان پیش دبستانی در صورتی شکوفا می‌شود که مهارت‌های آن‌ها به انحاء گوناگون افزایش یابد. تأکید جدی مدیریت کیفیت فراگیر در این خصوص بر دوری جستن از شیوه‌های سنتی همانند اعطای نمره و امتیاز، دادن جایزه، تشویق براساس حفظ کردن اشعار و متون از پیش تعیین شده است. این روش‌ها،



اشتقاق نوآموزان به «هدایت فراگیر» را در همان دوره پیش دبستان به کمترین حد خود می‌رساند و آن‌ها را به فراگیرندگانی سطحی و تلاشگرانی برای اخذ نمره و جایزه و رتبه در دوره ابتدایی و دوره‌های بعد تبدیل می‌کند. به همین منظور، توجه به دو نکته ضروری است:

- آموزش دورنمای پویا و روش‌های مدیریت کیفیت فراگیر توسط تمامی متولیان تربیت در مراکز پیش دبستانی.
- ارتباط تنگاتنگ اولیای واحد پیش دبستانی، والدین و نوآموزان برای اجرای دقیق طرح. پروفسور ادوارد دمنیگر^۲، از طراحان و مبتکران اولیه مدیریت کیفیت فراگیر، مدیریت کیفیت جامع در آموزش را به پودر کیک تشبیه می‌کرد و معتقد بود این پودر حاضری، برای استفاده در هر صورت می‌بایست آماده شود و آماده‌کنندگان آن هر کسی نمی‌توانند باشند.

حتی اگر پودر حاضر بود، نحوه پخش آن روی کیک حاضر شده هدایت فراگیر نوآموزان پیش دبستانی، می‌بایست سنجیده و مبتنی بر دانش مدیریتی و تربیتی باشد (مجدفر، ۱۳۹۰).

۲. TQM نیازی ضروری است: امروزه، مدیریت را حرکت به سوی ارتقای کیفیت براساس استانداردها تعریف می‌کنند. اگر قصدمان حرکت به سوی کیفیت باشد، طراحی و ایجاد سامانه مدیریتی مبتنی بر مدیریت کیفیت جامع ضروری است و برای این کار به یک کمیته اجرایی جهت اجرای TQM نیاز داریم.

پیش از هر اقدامی، باید مدیر و گروه مدیریتی واحد پیش دبستانی از خود بپرسند: آیا در واحد ما برنامه دقیق و منظمی برای تقسیم وظایف، تحلیل شرایط موجود، ترسیم شرایط آرمانی و تعیین نتایج بهتر و تعاریف جدیدی از کیفیت وجود دارد؟ در صورتی که پاسخ منفی باشد، باید به سرعت اجرای مراحل گوناگون TQM در واحد پیش دبستانی آغاز شود.

نخستین کار، تنظیم برنامه عمل راهبردی برای پیش دبستان است؛ برنامه‌ای که در آن چشم‌انداز، اهداف و راهبردهای رسیدن

به درجه مشخصی از کیفیت آموزش و خدمات برای دانش‌آموزان، اولیا و مربیان به درستی مشخص شده باشد.

۳. TQM، دسترسی به یک سامانه یادگیری صحیح، فراگیری عملی را ممکن می‌سازد: در شیوه‌های آموزش سنتی، بر جزئیات و وارد شدن به جزئی‌ترین مباحث تأکید می‌شد. بسیاری از واحدهای پیش دبستانی که الگوی مدیریتی خود را از مدارس سنتی، به‌ویژه مدارس دوره بالاتر، اخذ می‌کنند، دوباره درگیر وارد شدن به جزئیات آموزش (مانند آموزش الفبا، نوشتن، خواندن، حفظ اشعار و آیات قرآنی) می‌شوند که در پیش دبستانی مبتنی بر TQM جایگاهی ندارد.

در یک مرکز پیش دبستانی که با روش TQM اداره می‌شود، به جای تأکید بر واحدهای جداگانه‌ای به نام «دروس»، «مهارت‌ها» نمود پیدا می‌کنند. القای یک‌طرفه معلومات، بی‌توجهی به تجارب زیسته نوآموزان، کاربردی نبودن مهارت‌های آموزش داده شده و حذف عنصر لذت از فرایند یادگیری در پیش دبستانی‌هایی که به شیوه مدیریت کیفیت جامع اداره می‌شوند، محلی از اعراب ندارند؛ چرا که به دلیل داشتن برنامه راهبردی (حداقل سالانه)، دورنمای آموزشگاه برای متولیان کاملاً آشکار است و نقطه‌ای که در یک فاصله زمانی معین باید بدان دست پیدا کنند، از پیش، و قبل از ورود نوآموزان به پیش دبستان، به درستی معلوم نیست.

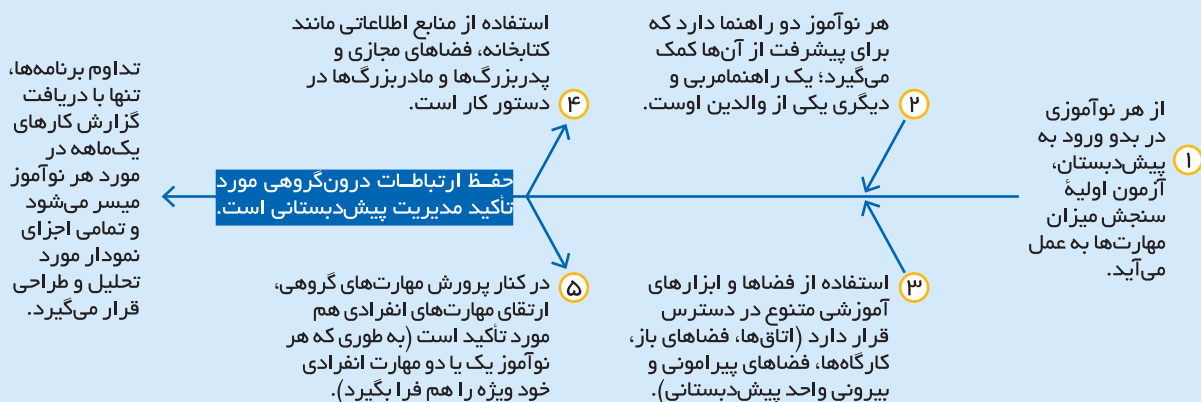
برای این منظور، مدیریت پیش دبستانی مبتنی بر مدیریت کیفیت جامع و در مرحله‌های تحلیل وضع موجود، برنامه عمل پیشنهادی و وضع تحقق یافته از ابزارهای گوناگونی در قالب نمودارها، روش‌ها و ... بهره می‌برد که از آن‌ها با نام ابزارهای «تشخیص» و «ابزارهای برنامه‌ریزی» نام برده می‌شود (تورانی، ۱۳۹۱).

برای مثال، نمودار استخوان ماهی (نمودار ۱) در واحد پیش دبستانی پویا، که بر مبنای TQM اداره می‌شود، قبل از ورود نوآموزان به مدرسه برای ارتقای کیفیت آموزشی و تربیتی هر نوآموز پیش‌بینی شده است.

ابزارهای موجود در TQM آن‌چنان گسترده و فراوان است که می‌توان از آن‌ها در بخش‌های گوناگون اداره واحد پیش دبستانی بهره برد (مجدفر، ۱۳۸۰).

۴. در TQM مدیریت سلسله مراتبی جایگاهی ندارد: امروزه هنوز هم بسیاری از واحدهای آموزشی و حتی دانشگاه‌ها به شیوه مدیریت سلسله مراتبی، پلکانی یا رده‌بندی شده اداره می‌شوند. این شیوه مدیریتی هرچند پاسخگوی نیازهای انفرادی افراد و ناظر بر عملکرد تک‌تک آن‌هاست، نواقص عمده‌ای دارد که مهم‌ترین آن‌ها بی‌توجهی به «کیفیت» است.

اجرای مدیریت کیفیت فراگیر، حرکت از شیوه مدیریت سنتی به مدیریت مبتنی بر یافته‌های نو است



فعالیت‌ها، اصل است. لیاقت فردی اهمیت ویژه‌ای دارد و اگر خلاف این دیده شود، تعجب‌برانگیز است؛ نه همچون شیوه سنتی، که کارکن‌ها تعجب دیگران را برمی‌انگیزند. از این‌رو، در واحدهای پیش‌دبستانی مبتنی بر TQM، همواره بر برگزاری همایش‌ها و نشست‌های علمی تأکید می‌شود. بازدید از مراکز پیش‌دبستانی دیگر و استفاده از تجربه مشاوران و استادان مرتبط اصل است و تجربه‌های زیسته افراد، به‌طور مرتب طرح و به دانش ضمنی تبدیل می‌شوند. براساس دیدگاه‌های مدیران پیش‌دبستانی معتقد به TQM، گروه کاری آموزشگاه زمانی موفق محسوب می‌شود که تک‌تک افراد داوطلبانه و نه از روی ترس به وظایف خود عمل کنند.

وقتی برنامه راهدی در راس واحد آموزشی قرار می‌گیرد، سیستم و برنامه اصل می‌شود، نه فرد

در سامانه سلسله مراتبی، مدیر فقط ناظر است، نه متحول‌کننده شرایط. مدیریت کیفیت جامع با دو تفاوت اصلی با مدیریت سلسله مراتبی، باعث کیفیت‌گرایی در آموزش و یادگیری می‌شود:

□ وقتی برنامه راهدی در رأس واحد آموزشی قرار می‌گیرد، سیستم و برنامه اصل می‌شود، نه فرد.

□ مدیر از کنترل‌کننده‌ای محض به حامی و ناظری پویا تغییر نقش می‌دهد.

علاوه بر این، چون سلسله مراتب نرم‌تر می‌شود، همراهی و مشارکت زبردستان، اعم از مربیان، اولیا و حتی نوآموزان، افزایش می‌یابد و مدیر علاوه بر رهبری، در طراحی برنامه راهدی آموزشگاه به کمک دیگران، نقش حامی و ناظر را به‌طور هم‌زمان بر عهده می‌گیرد و حتی چون رأس پلکانی برای خود قائل نیست، در اجرا هم یاریگر دیگر مجریان می‌شود و به همین دلیل عملکرد گروهی توسعه می‌یابد.

البته در TQM از نقش حمایتی و نه صرفاً نظارتی مدیر به‌عنوان نقطه بحران یاد می‌کنند و معتقدند اگر این نقش به خوبی اجرا نشود، طرح در اجرا با شکست مواجه خواهد شد.

۶. TQM به دنبال تحقق یادگیری تسلط‌یاب در نوآموزان است: در نظام‌های آموزشی سنتی، معلمان اغلب از الگوی زیر پیروی می‌کنند:

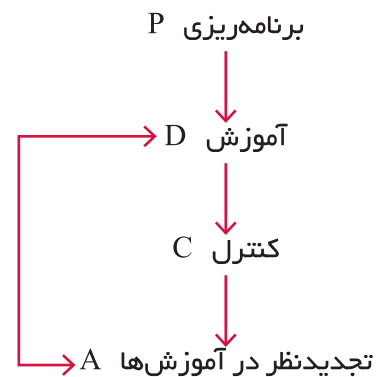


۵. در TQM علاقه جایگزین ترس می‌شود: در سامانه‌های آموزشی سنتی، مربیان و کارمندان نه از روی رضایت شخصی بلکه از روی ترس و اجبار فرامین مدیر را اجرا می‌کنند و جلب رضایت مدیر به هر قیمتی اولین و آخرین هدف کارکنان زبردست مدیر است.

در سیستم سنتی، اگر فردی داوطلبانه و از روی علاقه کاری را انجام و لیاقت و شایستگی خود را نشان دهد، پشتکارش به هیجان تعبیر می‌شود و دیگران او را با عناوین و القابی چون «پاچه‌خار»، «آنتن مدیر»، «نصاب‌شکن»، «...مورد نوازش قرار می‌دهند، اما در TQM حمایت از اعضا و ارتقای سطح کیفی



ولی چون یکی از ابزارهای مدیریت کیفیت جامع، بهره‌برداری از حلقه PDCA^۵ است، الگوی یاددهی - یادگیری به شکل زیر تغییر می‌یابد:



در یک واحد پیش‌دبستانی، مربی میزان فراگیری نوآموزان در مورد مهارت آموخته شده را به‌طور دقیق ارزیابی می‌کند، نکاتی را که او نتوانسته است به آن‌ها مسلط شود، به دست می‌آورد و با اتخاذ شیوه‌های جدید، بار دیگر او را در موقعیت آموزش قرار می‌دهد. این شیوه‌ها، می‌تواند تکرار موقعیت‌های یادگیری و حتی ایجاد تعامل دوجانبه بین کودکان (با بهره‌گیری از روش یاری کودک به کودک) باشد، این شیوه، یکی از برترین روش‌های آموزشی است؛ چرا که افراد هم‌سن، به راحتی می‌توانند به یکدیگر آموزش دهند.

از او می‌پرسیم از کجا متوجه چنین تأثیری شده‌ای، از حس خود و اینکه «گمان من این است که اشتیاق نوآموزانم نشانگر یادگیری اثربخش آنان است» سخن می‌گوید. البته اشتیاق، خود ممکن است سنجش‌ای در یادگیری اثربخش باشد ولی مربی باید نحوه محاسبه آن را فرا گرفته باشد.

با بهره‌گیری از روش یاری کودک به کودک که یکی از برترین روش‌های آموزشی است، افراد هم‌سن، به راحتی می‌توانند به یکدیگر آموزش دهند

۸. TQM منجر به افزایش مهارت‌های خاص در نوآموزان می‌شود: اساس TQM کیفیت‌گرایی در همه ابعاد است. متولیان مدیریت کیفیت جامع معتقدند که در واحدهای پیش‌دبستانی مجری TQM، علاوه بر آشنا ساختن مربیان و کارکنان با اصول مدیریت کیفیت جامع، باید به‌طور غیرملموس نوآموزان را هم با اصول TQM و اجزای کیفیت‌گرایی آشنا ساخت. این موضوع در واحدهای پیش‌دبستانی می‌تواند به‌صورت درهم‌تنیده در واحدهای کار و مهارت‌آموزی مورد توجه قرار گیرد و به‌طور عملی، برنامه‌ها و اصول TQM در هر برنامه‌ای گنجانده شود.

۹. TQM، شیوه‌ای برای سازگاری ذهن و ارتباط با محیط و اجتماع است: ویلیام گلاس، پدیدآورنده نظریه انتخاب، درباره فواید اجرای مدیریت کیفیت جامع در

۷. TQM، مدیریت بر مبنای ارزیابی و محاسبه است: درست است که ارزیابی از نوآموزان در دوره پیش‌دبستانی کیفی است ولی این به معنای بی‌توجهی نوآموز به ارزیابی دقیق از پیشرفت مراحل یادگیری و مهارت‌آموزی نوآموزان نیست.

مربی یک واحد پیش‌دبستانی، باید با استفاده از نمودارهای گوناگون، به‌ویژه در هنگام اجرای برنامه‌های جدید، محاسبه دقیقی از پیشرفت نوآموزان خود داشته باشد. این به معنی دوری از حدس و گمان است که اغلب در برنامه‌های آموزشی سنتی شاهد آن هستیم؛ مربی از تأثیر بی‌بدیل آموزش‌های خود بر نوآموزانش سخن می‌گوید ولی وقتی

تبادل اطلاعات، تجربه‌ها و آموزه‌ها، پیوند آموزش‌های کهن و جدید و نیز اصلاح ساختارهای نامناسب آموزشی است. به علاوه، دو ویژگی مهم برای آن برمی‌شمرند: الف. TQM سکان رهبری گروه است و باعث می‌شود:

□ برنامه‌های واحد پیش‌دبستانی ما به دلیل حرکت و عملکرد جمعی مورد حمایت رهبر گروه، یعنی مدیر پیش‌دبستان، قرار گیرد.

□ به دلیل وجود رهبری در رأس کار پیش‌دبستان، شرایط مثبت و پویا برای تبادل اطلاعات پدید می‌آید.

ب. استفاده از تجربه‌های موفق واحدهای پیش‌دبستانی عادی و نیز موفق، نیاز همیشگی واحد آموزشی ما به تحول را برطرف می‌کند.

ارتقای سطح کیفی آموزش در دوره‌های تحصیلی گوناگون، ارتقای سطح یادگیری و مهارت‌آموزی فراگیرندگان و مجهز شدن مربیان و معلم به مهارت‌های روز، نیاز اصلی دنیای آموزش در جهان امروز است. اجرای مدیریت کیفیت جامع در واحدهای آموزشی پیش‌دبستانی، شیوه‌ای مناسب برای دستیابی به این اهداف و گذر از شیوه‌های آموزش سنتی به نوین است.

پی‌نوشت‌ها

1. Total Quality Management (T.Q.M)
2. Total Quality Management in Education
3. W. Edwards Deming
4. Heria chical
5. در حلقه PDCA مخفف P، مخفف D، مخفف DO، مخفف C، مخفف A و خلاصه شده Act است. برای کسب اطلاعات بیشتر درباره حلقه PDCA - که به حلقه دمنینگ نیز معروف است - به کتاب «مدرسه و کیفیت‌گرایی» مراجعه کنید.
6. Revised Teaching
7. William Glasser

منابع

۱. قسمت عمده اطلاعات از <http://www.minuteman.org/topics tqm> برداشت شده است.
۲. مجدفر، مرتضی. (۱۳۸۰). ابزارهای مدیریت کیفیت جامع. تهران: انتشارات مرکز خدمات و خودکفایی ایران.
۳. ———. (۱۳۹۰). مدرسه و کیفیت‌گرایی. تهران: انتشارات مدرسه.
۴. تورانی، حیدر. (۱۳۹۱). مدیریت فرایندمدار در مدرسه/ کاربرد مدیریت فرایندمدار در مدرسه (در دو جلد مجزا). تهران: انتشارات منادی تربیت.



واحدهای پیش‌دبستانی معتقد است: «این شیوه، نظم و فراگیری را ترویج می‌دهد و نوآموزان، صرفاً آنچه را برایشان ضروری است، فرا می‌گیرند. همچنین به دلیل وجود سامانه کیفیت‌مداری در تمامی اجزای آموزشگاه، یاد می‌گیرند وظایف خویش را به بهترین وجه انجام دهند».

گلاسز از دیگر فواید اجرای TQM در واحدهای پیش‌دبستانی، به ارزیابی مداوم نوآموزان که به هیچ روی مبتنی بر آزمون نیست، اشاره می‌کند و می‌گوید: «سنجش دائمی کیفیت آموزش باعث می‌شود فرایند یادگیری و مهارت‌آموزی در واحد پیش‌دبستانی، در هیچ شرایطی، از مسیر اصلی خود خارج نشود و کیفیت آموزش، هیچ‌گاه با افت مواجه نشود». گلاسز، علاوه بر نکات ذکر شده، برقراری ارتباط میان اعضای گروه مدرسه‌ای (اولیا، نوآموزان، مربیان و نیروهای مدیریتی پیش‌دبستان) و ارتقای سطح سازگاری هر یک از افراد با گروه را از مهم‌ترین نکات کاربردی مدیریت کیفیت جامع، می‌داند. از سوی دیگر، معتقد است که هماهنگی در کار و تفکر از دیگر فواید اجرای TQM در واحدهای پیش‌دبستانی است.

۱۰. شیوه‌ای برای انتقال و تبادل اطلاعات است:
پژوهشگران مدیریت معتقدند که TQM شیوه‌ای مدرن برای



خدمتگذار کودکان

با مرتضی طاهری از شروع شکل‌گیری مجله رشد پیش‌دبستان آشنا شدم. در سال ۱۳۷۸ اینجانب به عنوان سردبیر مجله رشد پیش‌دبستانی از حضور ایشان در جمع اعضای هیئت تحریریه خرسند شدم. از ابتدا او را انسانی معتمد، صادق و منظم یافتیم. مشورت با ایشان دلپسند است و نگاه بسیار مثبتی به دوره پیش از دبستان و کودکان خردسال دارند. در حوزه کار با کودکان ایشان را انسانی علاقه‌مند دیدم. در سال‌های حضور ایشان در کنار دیگر اعضای هیئت تحریریه مجله کلیه همکاران از وجودشان فراوان بهره برده‌اند. چهره همیشه بشاش، پذیرا و مهربان ایشان خاطره خوب من از ایشان را کفایت می‌کند. سلامتی و موفقیت بیشترشان آرزوی ماست. چه بهتر که سال‌ها خدمت صادقانه ایشان از زبان خودشان خوانده شود.

در ادامه، بخشی از زندگی‌نامه (خودنوشت) مرتضی طاهری را که بیشتر به پیشینه کاری وی مربوط می‌شود، می‌خوانید.

سردبیر



اینجانب در پگاه دهم آذرماه ۱۳۳۰ در شهر تهران دیده به جهان گشودم. در ۴ سالگی (تابستان ۱۳۳۴) در یک دوره کوتاه مدت تابستانی مشتمل بر تاب‌بازی و گرگم به هوا، و بازی‌ها و نمایش‌های شیرین کلاسی، مثل دور و نزدیک که یافتن اشیاء پنهان شده توسط مربی بود، شرکت کردم و گاهی با زغال بر روی مقوا (کارتن‌های لوازم و...) کلماتی مثل آب و بابا می‌نوشتیم. چهار سال اول دوره ابتدایی را در دبستان ۲۱ آذر تهران‌نوطی کردم که از آن دوران چند خاطره به یادماندنی دارم. نخست: هم‌زمانی پایه سوم دبستان ما با اعتصاب معلمان به‌خاطر کمی حقوق و کشته شدن یکی از معلمان اعتصابی به دست مأموران کلانتری میدان بهارستان است، که منجر به اعتصاب سکوت آموزگاران شد و من به علت پاسخ دادن به سؤال هم‌شاگردی کناری‌ام چنان سیلی محکمی از آقا معلم خود دریافت کردم که هنوز پس از ۶۲ سال سنگینی آن را در گوش خود حس نموده، از سمعک استفاده می‌کنم!

خاطره دیگر اینکه در پایه چهارم دبستان - شاگرد ممتاز شدم و به‌عنوان شاگرد اول روی سکوی افتخار ایستادم. از آن پس، یکی از هم‌کلاسی‌هایم که به شدت احساس شکست و حقارت می‌کرد، مرا مورد اذیت و آزار قرار می‌داد! پس از طی دوره‌های ابتدایی و دبیرستان که اغلب حائز رتبه اول می‌شدم (غیر از سال آخر متوسطه که به علت بیماری آپاندیسیت و عمل جراحی در ایام امتحانات) در سال ۱۳۴۹ برای ورود به دانشگاه در کنکور سراسری (که ظاهراً اولین سال برگزاری آن به این سبک بود، شرکت کردم که به عللی قبول نشدم. بنابراین، برای طی دوره خلبانی، در آزمون ورودی نیروی هوایی ثبت‌نام کردم که با وجود قبولی در آزمون و مصاحبه، به علت عمل جراحی مزبور از پذیرش در رشته مورد علاقه‌ام محروم

و در رشته مهندسی وارد آن حوزه شدم. پس از طی دوره آموزش نظامی عمومی در تهران، لشکرک و بروجرد، با درجه ممتاز، حدود هفت سال با کار در ساخت و سازهای مهندسی نظامی در اقصی نقاط کشور انجام وظیفه کردم. در اواخر سال ۱۳۵۶ به عللی، از جمله مشاهده تخلفات فنی و مالی کلان وابستگان رژیم پهلوی در ساخت و ساز اماکن نظامی و نیز وقوع قیام‌های مردمی در استان‌های کشور علیه رژیم فاسد وقت، از خدمت در نیروی هوایی استعفا دادم و با پذیرفته شدن استعفایم در خرداد ۵۷، در یک مؤسسه فنی ساختمانی که مراکز فرهنگی و بهداشتی در تهران احداث می‌کرد، شروع به کار کردم و هم‌زمان، پس از ۸ سال وقفه در تحصیل، خود را آماده ورود به دانشگاه نمودم. در همان سال (۱۳۵۷) در دوره شبانه دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت ایران پذیرفته شدم و شروع به تحصیل کردم که با تشدید حوادث انقلاب فرهنگی و پس از آن، تعطیل دانشگاه‌ها مصادف شد. در این دوران سال ۱۳۶۰ پس از طی دوره امدادی یک ماهه در هلال احمر، عازم جبهه‌های جنوب شدم و مدتی در حوالی هویزه به امداد پزشکی رزمندگان پرداختم. در سال ۶۱ به تأکید برخی دوستان، به جرگه فرهنگیان منطقه ۳ تهران پیوستم و کار خود را در دبیرستان شهداء (رازی) با تدریس برخی دروس علوم انسانی و فعالیت‌های فوق برنامه در آموزش و پرورش آغاز کردم.

در سال ۶۲ با بازگشایی دانشگاه‌ها به تحصیل ادامه دادم که در نهایت، در سال ۶۷ موفق به دریافت مدرک کارشناسی معماری شدم؛ این در حالی است که فرصت استفاده از نتایج تحصیل در این رشته را نیافتیم. در سال ۱۳۶۳ پس از مدتی خدمت در بخش امور پرورشی در منطقه ۳، به ادامه کار در بخش متوسطه پرورشی اداره کل آموزش و پرورش استان تهران فرا خوانده شدم که حدود ده سال ادامه یافت. هم‌زمان، مدتی نیز به‌صورت نیمه‌وقت در بخش گردآوری خاطرات یاران در دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی مشغول به کار بودم. در سال ۱۳۷۳ به امور تخصصی فرزندان شاهد و یادمان‌های بنیاد شهید مأمور و در سال ۱۳۷۶ با واگذاری حوزه معاونت پرورشی آموزشی شهر تهران از بنیاد شهید بازگشتم و در این فاصله، با تحصیل در رشته مدیریت آموزشی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد شدم. در سال ۱۳۸۰ مسئولیت سازمان دانش‌آموزی شهر تهران به این جانب واگذار شد.

در سال ۱۳۸۶ به دفتر تألیف کتب درسی منتقل شدم و کار خود را در گروه پیش‌دبستانی این دفتر آغاز کردم و هم‌زمان نیز از سال ۱۳۸۷، در فصلنامه رشد پیش‌دبستان با سردبیری سرکار خانم دکتر فرخنده مفیدی که من به عنوان عضو هیئت تحریریه با ایشان همکاری داشته‌ام. پس از ۸ سال خدمت در این حوزه و حدود ۳۵ سال کار در ۶۴ سالگی به افتخار بازنشستگی نائل آمدم و در حال حاضر نیز به‌صورت مقطعی و افتخاری با این بخش همکاری دارم.





کودکان و حوادث طبیعی

اشاره

حادثه دل خراش زلزله آبان ماه ۹۶ در استان کرمانشاه که به جان باختن و جراحت جمعی از هموطنان عزیز و تخریب خانه و کاشانه بسیاری از این عزیزان انجامید. کودکانی را نیز داغدار و قلب کوچکشان را جریحه دار کرد. بدون شک اولیا و مربیان کودکان آسیب دیده و به جا مانده از این ماجرای دردناک، علاوه بر همکاری با نهادهای ذی ربط برای تقلیل آثار این مصیبت و رفع تدریجی مشکلات موجود اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و درس و مدرسه، وظیفه سنگین دیگری نیز به منظور تسکین آلام روحی و تعمیق شناخت و آشنایی با حوادث طبیعی و تبیین وظایف و نقش کودکان در این گونه حوادث و ضرورت بردباری در آن‌ها با زبان کودکانه و در قالب فعالیت‌هایی متناسب دارند که در این نوشته مختصر به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

حادثه و راه‌های حفاظت خود و اطرافیان از گزند آن‌ها آشنا سازند و در نهایت با طراحی فعالیت‌های مناسب، ذهن کودکان را به بُعد سازندگی، و عبرت‌آموزی از حوادث طبیعی هدایت نمایند.

برای نمونه، در فعالیت نقاشی و کاردستی می‌توان از آنان خواست که در حوادثی این چنین و قبل از بروز آن، برای جلوگیری از صدمات شدید به افراد، بهتر است چه کارهایی صورت پذیرد (اعم از ساختمان خانه و مدرسه و وسایل، تجهیزات و...). طبعاً این پاسخ‌ها با درک و زبان کودکان، ارزشمند و قابل استفاده در فعالیت‌های شعر و قصه است. استفاده از محتواهای مناسب به شناخت بهتر و بیشتر آنان از حوادث طبیعی کمک نموده و نقش بچه‌ها را در صورت بروز آن‌ها روشن می‌سازد. در این زمینه، حرف و تجربه زیاد است که تکمیل و ادامه آن را به نظرات ارزشمند اولیا و مربیان وا می‌گذاریم.

مسلم است که در پی این گونه حوادث ناگوار، کودکان با قلب کوچک و عواطف لطیف خود آسیب روحی بیشتری می‌بینند و چنانچه آلامشان با اقدامات مؤثر کاهش نیابد، ممکن است در بزرگسالی از عوارض سوء آن در امان نمانند. همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، پس از رفع شرایط اضطرار و اسکان موقت و رفع نیازهای اولیه آسیب‌دیدگان توسط سازمان‌های ذی ربط (اعم از دولتی و مردمی)، طبعاً مکان‌های موقتی برای کلاس و مدرسه این عزیزان تهیه می‌شود. به مربیان کودک توصیه می‌شود در کنار فعالیت‌های جاری خود، برای متناسب‌سازی فعالیت‌ها با شرایط پس از بحران به چند نکته توجه کنند؛ از جمله اینکه ضمن همدردی با کودکان و خانواده‌ها از یادآوری نکات و موضوعات غم‌انگیز پرهیز کنند. دیگر آنکه به جای نسبت دادن این حوادث به خداوند و طبیعت و...، این موارد را از امور طبیعی دنیا در همه مکان‌ها و زمان‌ها قلمداد و کودکان را به وظایف و نقش آنان در پیشگیری از آثار مخرب ناشی از

چگونه با کودک دربارهٔ «اخبار ترسناک» صحبت کنیم؟

کلیدواژه‌ها: اخبار ترسناک، سواد خبری

امروزه با گسترش وسایل ارتباط جمعی، برای خبررسانی اغلب از تلفن، پست الکترونیکی، پیامک یا نرم افزارهای پیامرسان تلفن همراه مانند تلگرام استفاده می‌شود. در گذشته سریع‌ترین نحوه اطلاع‌رسانی توسط رادیو و تلویزیون انجام می‌شد. این رسانه‌ها با استفاده از خبرگزاری‌ها و نمایندگی‌های متعدد خود به محض وقوع یک خبر، آن را دریافت و به سراسر دنیا مخابره می‌کنند. البته این گونه خبررسانی به خبرهای عام، رویدادهای سیاسی، ورزشی، طبیعی و فرهنگی دنیا محدود می‌شود و به‌طور معمول رخدادها، خانوادگی، فامیلی و محلی را دربر نمی‌گیرد، مگر این‌که از نظر مخاطبان جهانی مورد توجه باشد مانند مسائل خانوادگی شخصیت‌های مهم سیاسی، ورزشی، فرهنگی، هنری و ادبی. با پیدایش و فراگیر شدن اینترنت راهی آسان‌تر برای خبررسانی در دسترس مردم قرار گرفت. مخاطب امروز در اولین فرصت پس از دسترسی به اینترنت، در کانال‌های خبری و سایت‌های شبکه اجتماعی به دنبال تازه‌ترین اخبار و رویدادها می‌گردد، اما همین دسترسی بیش از حد تبعاتی به‌ویژه برای کودکان در طیف سنی پیش‌دبستانی در پی دارد که نمی‌توان به راحتی از کنار آن گذشت. به‌طور مثال در

طی بیست و چهار ساعت شبانه‌روز میلیون‌ها خبر عادی روزمره، قدیمی، دست‌اول، مهم، مربوط به حوادث کوچک و بزرگ، ورزشی، سیاسی، فرهنگی، خانوادگی، اجتماعی، محلی، منطقه‌ای، خبرهای آن‌سوی دنیا، خبرهای رویدادهای طبیعی، خبرهای جنگ و اتفاقات درون خانواده، اقوام، همکاران، دوستان، همسایه‌ها و ... بین مردم مبادله می‌شود.

برخی از صاحب‌نظران خبرها را به‌طور کلی به دو گروه خبرهای خوب و بد تقسیم می‌کنند. به تعبیر آنان خبرهای خوب، خبرهایی هستند که تأثیرات مثبت و خوشایند و خبرهای بد تأثیرات منفی و ناخوشایند برگیرنده پیام می‌گذارند. برخی نیز پیرامون خبر خوب می‌گویند که خبری است که توسط مخاطب دیده‌شده و پس از برجسته شدن، تأثیرگذار شود. ممکن است یک خبر برای فردی یا افرادی خوب و خوشایند باشد، درحالی‌که همان خبر برای فرد یا گروهی دیگر ناخوشایند تلقی شود مانند اخبار مربوط به جنگ بین دو کشور که خبر پیروزی‌های یک‌طرف برای طرف مقابل ناخوشایند است. حتی اوضاع و احوال مختلف مکانی و زمانی هم بر کیفیت تأثیرگذاری خبر مؤثر است (عطاری و ملکیان، ۱۳۹۳). خبر خوب و بد یک ویژگی مشترک دارند و آن ویژگی این است که خبر باید با واقعیت‌های جامعه منطبق باشد (امین‌الربابا، ۱۳۹۶).



گذشته اخبار حوادث، اکثر جامعه را متأثر نمی‌کرد چراکه از آن اطلاع نمی‌یافتند ولی امروز از ویژگی‌های دنیای مجازی است که در کمترین زمان ممکن شهرها، کشور و جهان از جزئی‌ترین امور خبردار می‌شوند؛ به‌خصوص که در این روزها، جهان شاهد جنایت‌های زیادی علیه بشریت است؛ روزی در لیبی و اوکراین و روز دیگر در عراق، سوریه، یمن و میانمار، کشتن انسان به تفریحی هراسناک تبدیل شده است. عاملان این فجایع با افتخار از جنایت‌های خود فیلم‌برداری می‌کنند و با بهترین و پیشرفته‌ترین ابزارهای ارتباطی این فیلم‌ها را تدوین می‌نمایند تا در اختیار رسانه‌ها قرار دهند. رسانه‌ها نیز بدون توجه به عواقب انتشار این جنایات، این صحنه‌ها را در قالب اخبار ترسناک^۱ منتشر می‌کنند. انتشار تصاویر و فیلم‌هایی از جنایات گروه‌های تروریستی از جمله اعدام و سر بریدن افراد، جوامع را با خطر الگوبرداری و کودکان را با پیامدهای منفی عدیده روبه‌رو کرده است. صحبت کردن با کودکان چهار و پنج ساله درباره اخبار ترسناک برای والدین موضوعی چالش‌برانگیز است؛ زیرا کودک در این سن، هنوز توانایی‌های لازم برای تفکر انتزاعی را ندارد. بسیاری از والدین واقعاً نمی‌دانند که در مقابل این ترس، چگونه رفتاری باید داشته باشند. خیلی از آن‌ها بسیار تلاش می‌کنند به کودک خود نشان دهند که ترسش موردی ندارد. اما گویا هرچه بیشتر تلاش می‌کنند، کودکشان در ترس خود مصمم‌تر می‌شود. جوان کنتر^۲ محقق و روان‌شناس و نویسنده کتاب «مامان من می‌ترسم» معتقد است کودکان برای فرق گذاشتن بین خیال و واقعیت به زمان زیادی نیاز دارند. برای یک کودک خردسال، تشخیص اینکه چه چیزی ساختگی و چه چیزی غیرساختگی است، خیلی راحت نیست (ماهنامه همشهری تندرستی، ۱۳۹۵).

دنیای کودک زیر هشت سال به خانواده، اقوام و نزدیکان و هر آنچه در مجاورت اوست، محدود می‌شود اما حتی همین کودک نیز متوجه می‌شود که در اخبار، گاهی رویدادهای ناخوشایند بازتاب می‌یابد و اگر والدین درباره آن حرف نزنند، ممکن است آن خبر را

کودک متوجه می‌شود که در اخبار، گاهی رویدادهای ناخوشایندی بازتاب می‌یابد و اگر والدین درباره آن صحبت نکنند، ممکن است آن خبر را ترسناک‌تر از حد معمول ببیند

ترسناک‌تر از حد معمول ببیند. بنابراین، از والدین درخواست می‌شود درباره آنچه کودک در قالب اخبار ترسناک از رسانه‌ها دریافت کرده است، در چارچوب توصیه‌های زیر با وی گفت‌وگو کنند:

از اصطلاحات ساده و آسان استفاده کنیم؛ پیش‌دبستانی‌ها دقت و توجه محدودی دارند که در مورد اخبار ترسناک شاید بتوان آن را به فال نیک گرفت. می‌توانیم نکات اساسی رویداد را به زبان کودکان، دوستانه و به‌طور خلاصه بدون ذکر جزئیات در قالب چنین جملاتی بیان کنیم «کسی به شخصی دیگری آسیب زده است».

احساس امنیت را القا کنیم؛ از آنجا که دنیای کودک پیش‌دبستانی بسیار کوچک و خانواده‌محور است، حتی چیزهایی که از نظر زمانی و مکانی دور محسوب می‌شوند، می‌تواند در آن‌ها احساس ناامنی ایجاد کند. بنابراین، می‌گوییم: «این موضوع خیلی دور از ما اتفاق افتاده است و ما را در اینجا آسیب نمی‌بینیم».

اخبار مناسب را در جمع خانواده مطرح کنیم؛ کودک را در معرض اخباری متناسب با سنش قرار دهیم. اگر مجبور به بیان خبری هراسناک در حضور کودک شدیم، قبل از بیان خبر مقدمه‌چینی کنیم؛ کلیات موضوع را برایش روشن سازیم و سپس در مورد خبر اصلی حرف بزنیم.

آگاهانه واکنش نشان دهیم؛ کودکان در تمام سنین به ارتباط غیرکلامی ما بیش از کلماتمان توجه دارند و از آن متأثر می‌شوند. واکنش‌های شدید و احساسی ما در مواجهه با اخبار هراسناک، ممکن است کودک را ناراحت کند و سبب این تصور اشتباه شود که او موجبات خشم و ناراحتی ما را فراهم کرده است. بنابراین، ضروری است توضیح دهیم که علت ناراحتی یا عصبانیت ما، خبری است که از تلویزیون شنیده‌ایم یا در رسانه‌های اجتماعی مبتنی بر تلفن همراه خوانده‌ایم.

محکم در آغوش گرفتن را جدی بگیریم؛ وقتی کودکمان با اخبار ترسناک مواجه می‌شود، با اسباب‌بازی مورد علاقه‌اش، یک آغوش گرم، یک کتاب یا یک نمایش خوب، آرامش را به او ارزانی داریم، در مسیر طولانی رهنمون شدن کودک به ساحل امن خیال، اندکی صبر لازم است.

پی‌نوشت‌ها

1. scary news
2. Joanne Cantor

منابع

۱. ماهنامه همشهری تندرستی. (۱۳۹۵). ژانر وحشت و تأثیر آن روی روان کودکان. <http://goo.gl/FzCrtD>
۲. امین‌الرعا، فاطمه. (۱۳۹۶). خبر خوب و بد وجود دارد؟ <https://goo.gl/Uk6NbZ>
۳. عطاری، عباس، ملکیان، آزاده. (۱۳۹۳). نقش خبر در زندگی ما. <https://goo.gl/qkQZZA>
4. Common sense media (2017), **How do I talk to young kids about scary events in the news?** <http://www.common sense media.org/news-and-media-literacy/how-do-i-talk-to-young-kids-about-scary-events-in-the-news>



تربیت دینی تنها انتقال اطلاعات دینی به کودک نیست!

اشاره

«در تعلیم و تربیت دینی، هدف تربیت انسان شایسته است؛ انسانی که قدر و منزلت خود را بشناسد و بیاموزد که راه درست زندگی کردن چیست.»

برای پاسخ دادن به این سؤال لازم است کودکانمان را از طریق «تعلیم» آموزش مفاهیم دینی قابل فهم و کاربردی نه تنها با این مفاهیم و آداب و اخلاق اسلامی آشنا نماییم بلکه آن‌ها را «تربیت» کنیم. در این صورت است که به انتقال مجموعه‌ای از مفاهیم به ذهن کودک و در اختیار قرار دادن اطلاعات اکتفا نکرده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: کودک پیش دبستانی، تربیت دینی، مفاهیم و ارزش‌های دینی

بی‌شک، خالق انسان با تمامی صفات، ویژگی‌ها و نیز با مسیر تکامل و رشد او به خوبی آگاهی دارد و بر این مبنا بهترین و کامل‌ترین برنامه تربیتی را از طریق راهنمایان شایسته برای هدایت آدمی فرستاده است. اساساً نقش اصلی پیامبران و امامان تعلیم و تربیت انسان‌هاست تا به کمال و سعادت برسند اما نکته حائز اهمیت این است که این تربیت را در بستر و فرایندی متناسب با ویژگی‌های مخاطبان به انجام رسانده‌اند و به عبارت روشن‌تر، وظیفه خطیر تعلیم و تربیت را براساس فطرت و تعقل مخاطبان، فعلیت بخشیده‌اند.

همه ما کودکانمان را دوست داریم و در پی تربیت صحیح آنان و برطرف کردن موانع این راه هستیم. دوست داریم انسان‌هایی مفید، خلاق، درست‌کار و سعادت‌مند تربیت کنیم. برای این منظور لازم است به تربیت دینی آنان نیز توجهی دقیق و آگاهانه داشته باشیم.

توجه به کودک پیش دبستانی و فهم دقیق و عمیق از توانایی‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌های او از مقوله‌های اساسی تربیت دینی وی محسوب می‌شود. دوره کودکی پیش دبستان را در تمام عرصه‌ها و ابعاد تربیتی باید به رسمیت بشناسیم اما در بعد تربیت دینی ضروری است به جایگاه بنیادین آن توجه جدی

نماییم. بی‌دلیل نیست که پیشوایان دینی ما، بر اهمیت تعلیم و تربیت در دوره کودکی نسبت به بزرگسالی بسیار تأکید نموده‌اند. این کلام نورانی و حدیث مشهور از امیرمؤمنان (ع) است که می‌فرماید: یادگیری در دوران کودکی مانند نقش روی سنگ ماندگار است.

العلم فی الصغر کالنقش فی البحر
والعلم فی الکبر کالنقش علی المدر
آموخته‌ها در دوران کودکی مانند نقش روی سنگ و در بزرگسالی مانند نقش روی ماسه‌های کنار ساحل است. (کنزالفوائد، ج ۱: ۳۱۹).

بر این مبنا آنچه فرد در سنین کودکی می‌آموزد - نه صرفاً انتقال اطلاعات - نسبت به بزرگسالی تأثیر ماندگاری دارد و این مقوله در مسائل ارزشی و نگرشی و بیشتر در حوزه تربیت دینی، اهمیت دوچندان دارد. از این رو ضروری است در برنامه‌ها و فعالیت‌های دینی و مذهبی یا همان تربیت دینی پیش دبستان به گونه‌ای عمل کنیم که منجر به نگرش مثبت، پایدار و اثربخش برای سنین بزرگسالی شود که در غیر این صورت آثار مخرب و زیان‌آوری به بار خواهد آورد و ترمیم آن در بزرگسالی سخت و تا حدی



غیرممکن خواهد بود.

حال در این مجال و برای پرهیز از افراط و تفریط از یک سو و همچنین پرداختن به عنوان مهم این نوشتار، یعنی پرهیز از انتقال صرف اطلاعات دینی به کودکان و تأکید بر تعلیم و تربیت دینی اثربخش و ماندگار او، چند راهکار و اصل مهم را با هم مرور می کنیم.

* تجربه های آیینی و دینی کودکان را با تداعی های لذت بخش و جذاب همراه سازیم؛ مانند: جشن اعیاد دینی و میلاد ائمه با ارائه برنامه های شاد.

* بر جنبه های لطف و رحمت و مهربانی خداوند تأکید داشته باشیم. لزومی ندارد مسئله جهنم و عذاب اخروی به عنوان نتیجه اعمال بد به صراحت مطرح شود؛ مثلاً داستان کشتی حضرت نوح (ع) را با این زاویه دید مطرح کنیم که هر کس به سخنان حضرت نوح (ع) گوش کرد و سوار کشتی شد، خوشحال بود؛ چون سالم ماند.

* آموزش مفاهیم و اصطلاحات دینی باید از پایین ترین سطح ممکن برای یک مفهوم شروع شود و سپس بسط و ارتقا یابد.

برای نمونه، اگر با سؤالاتی درباره مفهوم

یادگیری
در دوران
کودکی
مانند نقش
روی سنگ
ماندگار
است

«خانه خدا» مواجه شدیم، با کودکان این گونه گفت و گو کنیم: آیا تا به حال مسجد رفته اید؟ در آنجا چه چیزهایی می بینید؟ مردم در آنجا چه کارهایی انجام می دهند؟ (در تمام پاسخ ها تا آنجا که امکان دارد به کودکان فرصت صحبت کردن بدهید) پاسخ و گفت و گو را به مطالبی مانند نماز خواندن، قرآن خواندن و دعا کردن سوق دهید و بگویید که چون در مسجد افراد با نماز خواندن و دعا کردن بیشتر با خدا صحبت می کنند، به آنجا خانه خدا می گویند. یکی از مهم ترین خانه های خدا در شهر مکه است که به آن کعبه می گویند.

* برای آنکه بچه ها به نتایج مطلوب و مورد نظرمان برسند، لازم است امکان کسب تجارت مستقیم و دست اول را برای آنان فراهم نماییم؛ مانند خوشحال کردن والدین با کمک کردن، حرف شنوی و نیکی کردن به آنها یا آشنایی با نعمت های ملموس و عمومی که خداوند به همه داده است؛ مانند خوراکی های مفید، میوه، شیر، آب، گیاهان، خورشید و حیوانات؛ زیرا این موارد برای عموم کودکان فراهم و ملموس است ولی شاید نعمت هایی مانند سلامتی و داشتن پدر و مادر این گونه نباشد. در این صورت، کودکی که فاقد آنهاست تصور خوبی از خداوند نخواهد داشت.

* از روش های غیرمستقیم و مناسب بهره بگیریم؛ فعالیت هایی مانند شعر، قصه، نمایش خلاق، بازی و نقاشی. بیان مستقیم برای کودکان کسالت بار است و تنها می تواند انتقال دهنده اطلاعات به ذهن کودک باشد؛ آن هم اطلاعاتی که تأثیر و ماندگاری بسیار کمی دارند.

* بسیاری از آداب و ارزش های اسلامی را می توانیم با ارائه عملی و نقش الگویی خودمان آموزش دهیم؛ به طوری که کودکان در رفتار با ما آنها را به طور عادی و طبیعی مشاهده کنند؛ مانند: خوش اخلاقی، نظافت، آراستگی، حجاب، سلام کردن و گفتن بسم الله الرحمن الرحیم در شروع کارها.

* سخن آخر اینکه

در آموزش مفاهیم دینی، ضمن ساده و کودکانه بودن مطالب باید به موثق و معتبر بودن آنها توجه جدی کنیم و از ارائه مطالب سلیقه ای و بی مطالعه به طور جدی بپرهیزیم؛

مانند: مفاهیمی درباره سیره پیامبران و امامان (ع) و پیام های قرآنی. به عبارت روشن تر، برای تربیت دینی صحیح کودکان به هیچ وجه نباید بی مطالعه و مطابق میل افراد غیرمتخصص در حوزه تربیت اسلامی ویژه کودکان پیش دبستان عمل کنیم؛ زیرا در این صورت در تربیت دینی کودکانمان دچار خطا می شویم یا صرفاً اطلاعات دینی را - آن هم به طور اشتباه - منتقل می کنیم.

منابع

۱. باهنر، ناصر. (۱۳۷۸). تعلیم و تربیت دینی همگام با رشد کودکان.
۲. جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۸). در قلمرو معرفت تعلیم و تربیت اسلامی.
۳. محمد دشتی. (۱۳۸۰). نهج البلاغه.



فریاد آیه‌الناس زمین!

اشاره

مقاله حاضر دربارهٔ ظلم و جور است که ما انسان‌ها به کرهٔ زمین روا داشته‌ایم. در ابتدای مقاله داستانی تمثیلی از مثنوی مولانا دربارهٔ خلقت انسان و واکنش و مخالفت و نگرانی زمین از عواقب بد این خلقت آمده است. سپس، به صدماتی که انسان به سیارهٔ زمین وارد کرده است، اشاره می‌شود. همه می‌دانیم که سیارهٔ زمین تنها محل زندگی ماست؛ سفینه‌ای که همهٔ ما ساکنانش را به در سفری کهکشانی می‌برد و ما به آب و هوا، خاک، گیاه و همه چیز آن وابسته‌ایم.

به راستی، این هم‌سفر تا کی می‌تواند ما را همراهی کند؟ این هم‌سفر که فریاد و آه و ناله‌اش از دست بشر، گوش کهکشان را کر کرده است، تا کی تاب می‌آورد؟

کلیدواژه‌ها: فریاد زمین، محیط‌زیست، مثنوی مولانا، گرم شدن زمین، آلودگی آب و خاک و هوا

۱. داستان تمثیلی مولانا دربارهٔ خلقت انسان

چون که صانع خواست ایجاد بشر از برای ابتلای خیر و شر جبرئیل صدق را فرمود رو مشیت خاکی از زمین بستان گرو او میان بست و بیامد تا زمین تا گزارد امر رب‌العالمین دست سوی خاک برد آن مؤتمر خاک خود را در کشید و شد خذر پس زبان بگشاد خاک و لابه کرد کز برای حرمت خلاق فرد ترک من گو و برو جانم ببخش رو بتاب از من عنان خنک رخس در کشاکش‌های تکلیف و خطر بهر الله هل مرا اندر مبر بهر آن لطفی که حقت برگزید کرد بر تو علم لوح کل پدید که سفیر انبیا خواهی بدن تو حیات جان وحیی نی بدن همچنین برمی‌شمرد و می‌گریست بوی می‌برد او کزین مقصود چیست



معدن شرم و حیا بد جبرئیل بست آن سوگندها بر وی سبیل بس که لابه کردش و سوگند داد بازگشت و گفت یا رب العباد که نبودم من به کارت سرسری لیک زانچه رفت تو داناتری که تو روزی داده‌ای املاک را که بذرانند این افلاک را

گفت میکائیل را تو رو به زیر مشیت خاکی در ربا زوی چو شیر چونکه میکائیل شد تا خاکدان دست کرد او تا که بریاید از آن خاک لرزید و درآمد در گریز گفت او لابه کنان و اشک ریز سینه سوزان لابه کرد و اجتهاد با سرشک پر ز خون سوگند داد که به یزدان لطیف بی‌ندید که بکردت حامل عرش مجید که امانم ده مرا آزاد کن بین که خون آلود می‌گویم سخن معدن رحم‌اله آمد ملک گفت چون ریزم بر آن ریش این نمک همچنانک معدن قهر است دیو

پیش اسرافیل گشته او عیوس
می کند صد گونه شکل و چاپلوس
که به حق ذات پاک ذوالجلال
که مدار این قهر را بر من حلال
من از این تقلیب بویی می برم
بدگمانی می دود اندر سرم
تو فرشته رحمتی رحمت نما
زانکه مرغی را نیاز دارد هما
ای شفا و رحمت اصحاب درد
تو همان کن کان دو نیکوکار کرد
زود اسرافیل باز آمد به شاه
گفت عذر و ماجرا نزد اله
کز برون فرمان بدادی که بگیر
عکس آن الهام دادی در ضمیر
امر کردی در گرفتن سوی گوش
نهی کردی از قساوت سوی هوش
سبق رحمت گشت غالب بر غضب
ای بدیع افعال و نیکوکار رب



گفت یزدان زود عزرائیل را
که بین آن خاک پر تخیل را
آن ضعیف زال ظالم را بیاب
مشت خاکی هین بیاور با شتاب
رفت عزرائیل سرهنگ قضا
سوی گره خاک بهری اقتضا
خاک بر قانون نفیر آغاز کرد
داد سوگندش بسی سوگند خورد
کای غلام خاص و ای حمال عرش
ای مطاع الامر اندر عرش و فرش
رو به حق رحمت رحمان فرد
رو به حق آنک با تو لطف کرد
حق شاهی که جز او معبود نیست
پیش او زاری کس مردود نیست
گفت نتوانم بدین افسون که من
رو بتابم ز امر سر و از علن

دل همی سوزد مرا بر لابهات
سینهام پر خون شد از شورابهات
نیستم بی رحم، بل زان هر سه پاک
رحم بیش استم درد دردناک
گر طپانچه می زنم من بر یتیم
ورد دهد حلوا به دستش آن حلیم
بر نفیر تو جگر می سوزدم
لیک حق لطفی همی آموزدم
قهر حق بهتر ز صد حلم من است
منع کردن جان ز حق جان کندن است

روند
گرمایش
زمین روی
دور تند
افتاده است.
حجم دی
اکسیدکربنی
که در
هوا پمپاژ
می شود ده
هزار برابر
مقداری
است که
سیستم
طبیعی آب
و هوا قادر
به مهار آن
است



که بر آورد از بنی آدم غریو
رفت میکائیل سوی رب دین
خالی از مقصود دست و آستین
گفت ای دانای سر و شاه فرد
خاکم از زاری و گریه بسته کرد
آب دیده پیش تو با قدر بود
من نتانستم که آرم نانشود
آه و زاری پیش تو بس قدر داشت
من نتانستم حقوق آن گذاشت
پیش تو بس قدر دارد چشم تر
من چگونه گشتمی استیزه گر

گفت اسرافیل را یزدان ما
که برو زان خاک پر کن کف بیا
آمد اسرافیل هم سوی زمین
باز آغازید خاکستان حنین
کای فرشته صور و ای بحر حیات
که ز دم های تو جان یابد موات
در دمی از صور گویی الصلا
بر جهید ای کشتگان کربلا
رحمت تو و آن دم گیرای تو
پر شود این عالم از احیای تو
تو فرشته رحمتی رحمت نما
حامل عرشی و قبله دادها

هین رها کن بدگمانی و ضلال
سر قدم کن چون که فرمودت تعال
آن تعال او تعالی ها دهد
مستی و جفت و نهالی ها دهد
این همه بشنید آن خاک نژند
زان گمان بد بش در گوش بند
لابه مندیش و مکن لابه دگر
جز بدان شاه رحیم دادگر
بنده فرمانم نیارم ترک کرد
امر او جز بحر انگیزید گرد
جز از آن خلاق گوش و چشم و سر
نشوم از جان خود هم خیر و شر
خاک را مشغول کرد او در سخن
یک کفی بربود از آن خاک کهن
ساحرانه در ربود از خاکدان
خاک مشغول سخن چون بیخودان
برد تا حق تربت بی رای را
تا به مکتب، آن گریزان پای را

اشعاری را که خواندید برگرفته از دفتر پنجم مثنوی است و داستانی تمثیلی درباره خلقت انسان را شامل می شود که برای پرهیز از اطناب، تلخیص شده است. گویا مولانا این داستان را خلق کرده است تا هشدار و گوشزدی برای ما آدمیان باشد. در این داستان، می خوانیم که زمین از خلقت بشر چه شکوه ها دارد و چه تلاش ها کرده است تا انسان پا بر روی آن نهد. اکنون بخش دوم مقاله را که درباره ما آدمیان است که بلاهای زیادی بر سر زمین آورده ایم، می خوانیم.

۲. انسان و زمین

امانت پاسداری نشده

به زعم متخصصان، میلیاردها سال طول کشید تا شرایط زندگی برای انسان در سیاره زمین فراهم شود. میلیون ها سال طول کشید تا لایه ازون با ترکیبات مناسب گرد سیاره زمین تشکیل شود تا هم لایه های محافظتی برای ساکنان زمین باشد، هم مانع رسیدن امواج مضر خورشید شود و هم جلوی تابش مستقیم خورشید را بگیرد و نگذارد گرمای بیش از اندازه و سوزاننده خورشید به زمین برسد و ساکنان آن را هلاک کند؛ گرمایی که آن را در حدود چهارده هزار درجه تخمین می زنند.

لایه ازون نه تنها سپر محافظ ساکنان زمین، اعم از انسان و گیاه و جانوران، است بلکه در زیر آن عمل فتوسنتز نیز انجام می شود. به گفته باربارا وارد، «فتوسنتز یعنی تبدیل استادانه انرژی خورشید به هیدرات کربن، که مواد غذایی همه موجودات است».

بر این اساس، خداوند زمینی را به بشر سپرد که همه شرایط زیستن را از هوا و آب و غذا برایش مهیا کرده بود. زمینی با ویژگی های بسیار جذاب و متناسب و موزون با ویژگی های مخلوقاتش. سیاره ای زیبا با کوه و دشت و جنگل و دریا، با یک لایه محافظتی تا در

دور خورشید بچرخد؛ مبدا خش بر تن خلیفه او و دیگر مخلوقاتش بیفتد. این سیاره، گهواره ای باشد با سقف و سایبانی مطمئن تا همه بر روی آن آرام گیرند و به خوبی و خوشی زندگی کنند. زمینی را به بشر سپرد پر از گل های رنگارنگ، درختان سرسبز و سر به فلک کشیده، و انواع و اقسام گونه های گیاهی، میوه ها و سبزیجاتی که بعضی جنبه غذایی و برخی خاصیت دارویی و درمانی دارند. بشر سالیان سال را سپری کرد تا به خواص این ها پی ببرد و هنوز در تکاپوی پرده برداشتن از راز و رمز گیاهان است و هر روز لایه دیگری از خاصیت مفید این مواد غذایی و دارویی برایش آشکار می شود؛ گیاهانی که نه تنها منبع غذا بلکه منبع غنی تولید اکسیژن بودند تا زندگی بر این کره خاکی ممکن شود.

زمینی پر از گونه های مختلف حیوانی از ریز و درشت، به رنگ ها و شکل های مختلف با زیبایی ها و ویژگی های متنوع و منحصر به فرد که هر کدام دنیایی از کشفیات را برای بشر به همراه داشته است. انواع این گونه ها که روز به روز در حال کاهش و در حال انقراض اند وسیله ای برای جست و جویان و محققان در این حوزه بوده اند. آن ها همواره کوشیده اند که تا حدودی از آناتومی این موجودات سر در آورند، رفتار و ویژگی ها و خواص آن ها را بشناسند و ببینند که چگونه می توانند از آن ها به نفع بشر بهره کشی کنند. اگرچه هنوز هم راز و رمزهای زیادی از آن ها برای انسان وجود دارد. زمینی که اقیانوسی از آب های زلال و پاک بر آن جاری بود. چیزی که بدون آن حیات ناممکن است. آب هایی که بر اثر بارش قرن ها باران بر زمین، به صورت اقیانوس ها و دریاها و رودخانه ها در آمد و زادگاه حیات برای همه ساکنان زمین شد.

به زعم صاحب نظران این حوزه علمی، بشر میلیاردها سال بعد از پیدایش سیاره زمین خلق شد.

با خلقت انسان، زمین و هر آنچه در آن و بر آن است به او امانت داده شد و خداوند وی را خلیفه خود بر روی زمین کرد، ولی بشر مانند فرزندی رفتار کرد که پدرش میراث و ثروت زیادی برای او به جا گذاشته است ولی او در زمان کوتاهی آن را به باد می دهد آس و پاس و نیازمند می شود.

متأسفانه، ما ابائی آدم، این ودیعه گران بها را به نابودی کشانده ایم. با ندانم کاری لایه محافظ زمین را سال هاست سوراخ کرده ایم و به همین دلیل، از طرفی، گرمای بیشتری از خورشید به زمین می رسد و از طرف دیگر، اشعه های مضر خورشید

با خلقت
انسان زمین
و هر آنچه
در آن و بر
آن است به
او به امانت
داده شد و
خداوند وی
را خلیفه
خود بر روی
زمین کرد

سخن آخر

به راستی که ما میراث‌داران و امانت‌داران خوبی نبودیم؛ فرزندان ناخلف و ناسپاسی بودیم که میراثی را که به ما رسیده بود، امانتی را که خدا بعد از فراهم کردن همه شرایط برای زندگی به ما سپرده بود، خوب نگه نداشتیم و نابودش کردیم. به این موضوع فکر نکردیم که نابودی هر آنچه روی زمین است، به نابودی خودمان می‌انجامد. باید این قصه را در حد رشد شناختی‌شان برای کودکان برای آن‌ها گفت. اینکه چه زمینی داشتیم و با آن چه کردیم. آری، قصه زمینی با آن زیبایی، سر سبزی، پاکی، زلالی و بی‌عیب و نقصی را باید گفت. زمینی که با آن ویژگی‌هایش، خدا به ما ابنای بشر، سپرد و حال با چه وخامتی این امانت را تحویل می‌دهیم. اصلاً رسم و رسوم امانت‌داری را باید به ایشان آموخت. رسم و رسومی که از آموزه‌های اسلامی مان برگرفته شده‌اند.

باشد که فرزندی تربیت کنیم که قدر این سیاره را بیشتر بداند و به این امر واقف شوند که فقط همین یک سیاره زمین است. پس در حفاظت آن کوشا باشند و به جای تخریب، در جهت احیا و سازندگی آن گام بردارند.

از این پس، کودکانی تربیت کنیم که با همه آنچه خدا آفریده است، حس یگانگی داشته باشند و بدانند که در عالم هستی، همه پدیده‌ها به هم مرتبط‌اند، هر کدام از موجودات عضوی از پیکره هستی است و اگر آسیبی بر هر کدام از این اعضای هستی وارد شود، اعضای دیگر آن صدمه می‌بینند.

کودکانی تربیت کنیم با احساساتی رقیق و عواطفی لطیف، و شفیق نسبت به تک‌تک موجوداتی که در پیرامونشان است. کودکانی که نسبت به هر موجودی، از گیاه و جانور و انسان، حس رأفت و رحمت داشته باشد. حق زندگی را فقط برای خودشان ندانند بلکه به حق زندگی برای موجودات دیگر نیز احترام بگذارند. اگر به گیاه پژمرده‌ای می‌رسند، حیوان آسیب‌دیده‌ای را می‌بینند، اگر آبی آلوده توجهشان را جلب می‌کند، اگر زمین یا هوا کثیف می‌شود، نسبت به همه این‌ها حساس باشند و به راه‌های حل این مسائل در حد محدوده شناختی‌شان بیندیشند.

البته ممکن است در کودک پیش‌دستانی هنوز آن قدر حس همدردی و همدلی ایجاد نشده باشد که بتواند خود را جای تک‌تک این‌ها قرار دهد و شاید نتواند حق همه این‌ها را در حد حق خودش تصور کند. در این صورت، می‌توان زمینه‌هایی در او ایجاد کرد و بذرهایی در نهاد او کاشت. همان قدر که یاد بگیرد که همه چیز و همه کس را دوست بدارد و نسبت به آن‌ها احساس وظیفه کند، همین که این نگرش در او ایجاد شود که گیاه و جانور، از ریزترین تا بزرگ‌ترین، و نیز انسان مخلوق خدا و نعمت او هستند و بنابراین، عزیز و دوست‌داشتنی‌اند، همین که طبیعت را دوست بدارد و علاقه‌مند به نگهداشت و رشد آن باشد، دوست داشته باشد دانه‌ای بکارد، به آن آب دهد، آن را رشد دهد تا به گلی یا گیاهی تبدیل شود. علفی را لگدمال نکند، به گربه‌ای غذا بدهد، مورچه‌ای را زیر پایش له نکند، آبی را هدر ندهد، محیط زندگی‌اش را کثیف نکند، پایه‌ها و پله‌های اولیه میل به توسعه و پایداری زمین را در او بنا کرده‌ایم تا پله‌های دیگر آگاهی در این زمینه در مراحل بعدی رشد او ایجاد شود.

مربیان عزیز بهتر می‌دانند که برای ترویج و فرهنگ‌سازی این امور از قالب‌های آموزشی مانند قصه‌گویی، بازی، نقاشی، گردش در طبیعت، نمایش خلاق (تا خودشان در قالب گل و گیاه، و انواع حیوانات قرار بگیرند و احساسشان را بروز دهند) و دیدن فیلم‌هایی در این رابطه، می‌توانند کمک بگیرند.

منابع

۱. مولوی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی بر اساس نسخه قونیه/۲، وارد، بابارا و دیگران، تنها یک زمین، ترجمه محمد بهزاد و دیگران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی/۳، یخکشی، علی، منابع تجدیدپذیر و توسعه پایدار سازمان حفاظت محیط‌زیست/۴. <http://www.google.taravat.bahar.org.tb>

به محیط زندگی همه موجودات زنده اجازه ورود پیدا کرده است. افرادی که در زمینه محیط‌زیست پژوهش می‌کنند، درباره خطرات این پدیده بسیار می‌نویسند. یکی از این خطرهای مورد اشاره آن‌ها سرطان پوست است.

دمای هوای کره زمین بالا رفته است و ما در حال حاضر آن را لمس می‌کنیم. این امر به خاطر مصرف بی‌رویه سوخت‌های فسیلی مانند نفت و گاز و زغال سنگ است که موجب تشکیل گازهای گلخانه‌ای می‌شود. مدام سازمان‌ها و محافل آگاه بین‌المللی هشدار می‌دهند. جیمز هانسن، دانشمند سازمان ناسا می‌گوید: «روند گرمایش زمین روی دور تند افتاده است. حجم دی اکسید کربنی که در هوا پمپاژ می‌شود ده هزار برابر مقداری است که سیستم طبیعی آب و هوا قادر به مهار آن است. یخ‌های قطب‌های زمین در حال ذوب شدن‌اند. چنانچه همه یخ‌های روی زمین ذوب شوند، سطح دریاها تا هشتاد متر بالا می‌آید.» البته خشکسالی هم در پی آن است که این مسئله قابل رویت است. آب، خاک به خاطر استفاده بی‌رویه از سموم و حشره‌کش‌ها و کودهای شیمیایی و... آلوده شده که باعث آلوده شدن مواد غذایی، از بین رفتن بعضی از گونه‌های گیاهی و جانوری در آب و خشکی شده این عامل موجب برهم خوردن اکوسیستمی شده است که در آن زندگی می‌کنیم. در نهایت ضررش به خود انسان برمی‌گردد. و همین‌طور زباله‌هایی که از طریق پسماندهای صنعتی، پزشکی، خانگی تولید شده به گفته باربارا وارد: «روزی که آدمی به کره مریخ دسترسی پیدا کند، زباله‌های سیاره زمین تا زانو او خواهد رسید».

از آب‌های زیرزمینی بی‌رویه برداشت شده و همین امر موجب فرونشست زمین شده است که خطری جدی هم برای کشاورزی است و هم به فروریختن خانه‌هایی منجر می‌شود که روی چاله‌های فرو نشسته بنا شده‌اند.

مشکلاتی که برای آب و هوا و خاک پیش آمده، زندگی ما و آیندگان را با خطر مواجه کرده است. حرفه‌ها در این باره بسیار سخن گفته شده و کتاب‌ها و مقالات زیادی درباره خطرات ذکر شده به رشته تحریر درآمده است. از صاحب نظران گرفته تا اشخاصی که سنگینی این درد را بر سینه خود حس می‌کنند و نگران فرزندان و نوادگان و دیگر هم‌نوعان خود هستند، در این باره بسیار گفته‌اند. البته آن‌ها نه فقط برای انسان بلکه برای همه گونه‌های گیاهی و جانوری ساکن زمین نگران‌اند.



غذا دادن به کودک آزادی نه اجبار

کودکان در دنیای امروز به ناگزیر خارج از خانه‌ها نیز تغذیه می‌شوند و بسیاری حتی نمی‌توانند از دست پخت خانگی، غذاهای مادرانه و از توجه به اصول ایمنی در تغذیه توسط مادران خود برخوردار شوند. یافته‌های تحقیقات بسیار در مراکز معتبر ایران و کشورهای دیگر نشان می‌دهند که تغذیه عاملی اساسی در رشد و نمو همه‌جانبه و به‌ویژه سلامتی و رشد هوشی کودکان در سال‌های اولیه است. این یافته‌ها به‌ویژه نشان می‌دهند که ریشه بسیاری از مشکلات رفتاری و ناسازگاری‌های هیجانی و روانی کودکان در تغذیه نادرست و سوءتغذیه نهفته است. اگر به چگونگی تهیه مواد غذایی و استفاده از آن‌ها، زمان استفاده از این مواد و موارد دیگر توجه نشود، مطمئناً خسارت‌های جبران‌ناپذیری به جسم و روان کودکان وارد می‌آید. به همین سبب، جا دارد در این دوران صنعتی شدن و کمبود وقت، و استفاده از غذاهای فریز شده و آماده به عامل تغذیه کودکان از سال‌های پایه و در خانه‌ها و نیز مراکز پیش‌دبستانی توجه روزافزونی شود.

از آنجا که فردای جامعه با کودکان امروز شکل می‌گیرد، پس این وظیفه سنگین بر دوش ماست که جسم و روح و روان کودک را به بهترین وجه ممکن پرورش دهیم و سلامت و کارایی او را در حد اعلا اعتلا بخشیم. تغذیه علاوه بر نقش بسیار مهمی که در ارتقای رشد، تکامل، فراگیری و سلامت حال و آینده کودکان دارد، در پیشگیری و درمان تعدادی از بیماری‌های دوران کودکی و حتی بزرگسالی نیز مؤثر است و سبب اعتلای سلامت و بهبود زندگی افراد می‌شود.

شیوه تغذیه، عملاً در سال اول زندگی شکل می‌گیرد و عادات‌های غذایی بین یک تا دو سالگی پی‌ریزی می‌شود. اگر تغذیه کودکان متناسب با نیاز آنان نباشد، ممکن است آن‌ها به انواع سوءتغذیه دچار شوند که از جمله می‌توان به افزایش نیافتن وزن متناسب با سن، چاقی‌های موضعی و بیماری‌های مربوط

شیوه تغذیه،
عملاً در
سال اول
زندگی شکل
می‌گیرد و
عادات‌های
غذایی
بین یک تا
دو سالگی
پی‌ریزی
می‌شود

به ریز مغذی‌ها اشاره کرد.

برای اطمینان از توفیق در امر تغذیه کودکان، باید تغذیه انحصاری با شیر مادر را از دقایق اول عمر شروع کرد و تا پایان شش‌ماهگی ادامه داد. آن‌گاه ضمن شروع به استفاده از غذاهای کمکی مناسب، تغذیه با شیر مادر همچنان باید تا پایان ۲ سالگی ادامه یابد (انجمن ترویج تغذیه با شیر مادر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰).

کلیدواژه‌ها: عادات‌های غذایی، ریزمغزی، شیوه تغذیه

تغذیه کودک در سنین پیش از دبستان و راه‌های به وجود آوردن عادات‌های غذایی سالم

غذا خوردن کودکان در سنین پیش‌دبستانی نامنظم است. اشتیهای آن‌ها نسبت به غذا دچار تغییراتی می‌شود که می‌توان آن را به کند شدن یا شتاب گرفتن رشدشان نسبت داد. کودکی که مدتی از وقت خود را با مادر یا پرستار در منزل یا بیرون از منزل، در مهدکودک و دیگر مراکز آموزشی و فرهنگی می‌گذراند، معمولاً میل چندانی به غذا و تنقلات نشان نمی‌دهد. غذای مورد علاقه کودکان روز به روز تغییر می‌کند؛ به طوری که یک روز به خوردن اسفناج و چند روز به خوراک دیگری میل نشان می‌دهد. کودکان معمولاً هر چند هفته به یک نوع غذا میل دارند و از خوردن هر غذای دیگر خودداری می‌کنند. در این وضع، به علت بی‌میلی به یکی از گروه‌های غذایی مانند سبزی‌ها و میوه‌ها، از مواد مغذی آن‌ها محروم می‌شوند. به هم خوردن تعادل و تنوع غذای کودکان، والدین را نگران می‌کند ولی می‌توان با استفاده از سایر خوراکی‌ها، مواد مغذی لازم برای بدن آن‌ها را تأمین کرد.

این کودکان معمولاً به خوردن گوشت، صبحانه‌های آماده، کیک، نان شیرینی و میوه علاقه دارند و بیشتر وقت‌ها خوردن بیسکویت و کیک را ترجیح می‌دهند؛ زیرا جویدن آن‌ها از گوشت و غذاهای پروتئینی راحت‌تر است.

برای تأمین تغذیه سالم و متعادل این کودکان، باید در وعده‌های اصلی مثل شام و ناهار، به آن‌ها غذای کمی داده شود تا در بین این وعده‌ها، مثلاً پیش از ناهار و هنگام عصر به خوردن تنقلات و یک خوراکی کوچک، مثل **چند لقمه نان و پنیر و گردو**، عادت کنند.

در این مرحله از زندگی، کودکان باید تنقلات و آنچه را دوست دارند بین وعده‌های غذا بخورند. تا حد امکان لازم است کودکان را از خوردن مواد خوراکی شیرین، چرب و شور باز داشت.

برای اینکه کودک هنگام صرف غذا بهانه‌ای برای نخوردن پیدا نکند، بهتر است برنامه غذایی را تا حد ممکن متنوع و باب میل او تهیه کرد.

غذا باید از هر موضوع بحث‌برانگیز مثل انتقاد از رفتار یا نحوه غذا خوردن کودک خودداری شود؛ زیرا این‌گونه برخوردها، آرامش و گرمی محیط را بر هم می‌زند و اشتیهای کودک را از بین می‌برد.

جمع‌بندی

از آنجا که مغز کودک فعال و پویاست، برای دریافت همه پیام‌های محیط زندگی و اطرافیان آمادگی دارد. عادات خوب غذایی هم باید از سنین پایین به کودک آموزش داده شوند. آموزش عملی و عینی به مراتب اثربخش‌تر از بیان شفاهی است. همه افراد بزرگ‌تر، چه در خانه و چه در مراکز پیش‌دبستانی، باید بدانند که رفتارهای غذایی آنان می‌تواند برای افراد کوچک‌تر خانواده الگو باشد. پس سر سفره و هنگام صرف غذا، حداقل به منظور آموزش فرزندانمان، خودمان هم باید مراقب رفتار و گفتارمان باشیم و به عادات‌های خوب غذایی عمل کنیم؛ مثلاً از جملات «من این غذا را دوست ندارم» و «چقدر بد مزه و بد شکل است» استفاده نکنیم.

درباره تغذیه کودکان گفتنی‌ها بسیار است. اما در اینجا به این مختصر اکتفا می‌کنیم و خوانندگان عزیز را به طرح مسائل و مشکلات یا خاطره‌ها و نکات خوب درباره تغذیه فرزندانمان فرا می‌خوانیم.

برای اندیشیدن

۱. از مربیان و مادران عزیز خواهشمند است عادات‌های غذایی کودکان خود را با ذکر مثال از خوراکی‌ها و غذاها و چگونگی تغذیه کودکان و راهکارهای مناسب خود در این زمینه را برای ما بنویسند.
۲. چنانچه از روشی استفاده می‌کنید که کودکانتان از غذا خوردن لذت می‌برند و کمتر عادات بد غذایی دارند، آن را برای ما بنویسید.

منابع

۱. انجمن ترویج تغذیه با شیر مادر جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰). راهی به سوی تغذیه و رشد بهتر کودک، ۱۳۹۰. نشریه انجمن.
۲. مور، کارولین و شولمن، رابرت. (۱۳۸۹). بهترین کلیدهای تغذیه برای کودک و نوجوان، ترجمه جواد میدانی، انتشارات صابرین.



نکات مهم در جلب توجه کودک به هنگام غذا خوردن

بهتر است کودک را هنگام صرف غذا به حال خود رها کنید و هرگز او را وادار نکنید که به زور و فشار چیزی بخورد که به آن میل و علاقه‌ای ندارد. پس، هر وقت غذای تازه‌ای درست می‌کنید که قبلاً نخورده، بهتر است مقدار کمی از آن را به او بدهید. چنانچه دوست داشت در نوبت‌های بعدی مقدار بیشتری از آن را بدهید تا رفته‌رفته ذائقه او شکل بگیرد و به غذای جدید عادت کند.

گاهی کودکان دوست دارند مواد غذایی را با دست خودشان بردارند. در این مواقع، بهتر است غذای کودکان شامل یک تکه گوشت یا حبوبات پخته شده همراه با یک نوع سبزی با برگ سبز یا زرد مثل اسفناج، کرفس، کدو حلوائی و هویج به اضافه پلو، نان یا سیب‌زمینی و هر روز همراه با یک میوه باشد. در غیر این صورت، از همان برنامه غذایی روزانه خانواده، مثل خورش سبزی یا خورش قیمه، با تغییرات اندکی که در آن‌ها می‌دهید استفاده کنید؛ مثلاً نمک و چاشنی کمتر (کارولین مور و رابرت شولمن و دیگران، ۱۳۸۹).

نکته مهم دیگر در جلب توجه کودک به غذا خوردن، آرامش و محیط شاد و آرام بر سر میز یا سفره غذاست. هنگام صرف



در دوران پیش از دوره دبستان می‌توان نقاط ضعف و قوت را شناسایی کرد و در جهت رفع ضعف‌ها و تقویت قوت‌ها با روش‌های جذاب و متنوع عمل نمود.

نمونه فعالیت‌های پیشنهادی برای پرورش هوش‌های چندگانه در دوران پیش از دبستان

• **هوش کلامی:** توانایی کاربرد درست واژه‌ها و عبارات به صورت گفتاری و نوشتاری است. توانایی اصلی در هوش زبانی، درک و دریافت زبان، برقراری ارتباط و فهم معانی از طریق کلام است.

برای پرورش هوش زبانی کودک، فعالیت‌هایی چون تمرین یا اجرای نمایش (نمایش عروسکی و...)، ایفای نقش‌های گوناگون، گوش دادن به داستان و قصه (از ۵ دقیقه تا ۲۰ دقیقه به تناسب سن)، بیان کردن وقایعی از داستان یا تعریف یک قسمت یا خلاصه‌ای از داستان متناسب با شرایط سنی کودک، شنیدن دکلمه و شعر، شعرخوانی، تعریف طنز یا معما و توصیف طبیعت یا اشیاء با همان زبان ساده، گفت‌وگو یا صحبت کردن درباره مفاهیمی چون مشاغل، رنگ‌ها، زمان (روزها، هفته‌ها، ماه‌ها و فصل‌ها و...)، مفاهیم ریاضی (پیش‌نیاز)، دما (گرم و سرد و...)، مفاهیم محیطی (محیط فیزیکی، محیط طبیعی و محیط اجتماعی) لازم و ضروری است.



پرورش هوش در دوران پیش از دبستان

هوش تعریف واحدی ندارد اما عناصری از هوش مورد توافق غالب پژوهشگران‌اند. اسپیرمن در نظریه دو عاملی (۱۹۲۷) خود هوش را دارای دو بخش می‌داند:

۱. یک عامل کلی (g) که معرف یک توانایی کلی است و زیربنای همه رفتارهای هوشمندانه به حساب می‌آید.
۲. یک یا چند عامل اختصاصی (s) که نشان‌دهنده توانایی‌های اختصاصی است.

گیج و برلینر (۱۹۹۲) نیز عناصر هوش را به سه دسته تقسیم کرده‌اند:

۱. توانایی پرداختن به امور انتزاعی؛ منظور این است که افراد باهوش بیشتر با امور انتزاعی سروکار دارند تا امور عینی؛
۲. توانایی حل مسئله؛ یعنی توانایی پرداختن به موقعیت‌های جدید، نه فقط دادن پاسخ مشخص به موقعیت‌های آشنا؛
۳. توانایی یادگیری، از جمله انتزاعیات موجود در کلمات یا سایر نمادها و نیز توانایی استفاده از آن‌ها.

و اما هاوارد گاردنر (۱۹۸۳) به گونه‌ای نسبتاً ظریف‌تر به مقوله هوش نگریسته است! گاردنر در زمینه هوش نظریه‌ای با عنوان کثرت هوش (هوش‌های چندگانه) را مطرح نموده که منشأ بازنگری در رویکرد تعلیم و تربیت گردیده است. او در این نظریه هفت و سپس در تجدید نظرهای بعدی هشت و نه نوع استعداد را در افراد شناسایی کرده است که عبارت‌اند از: هوش زبانی، ریاضی - منطقی، موسیقایی، درون‌فردی، میان‌فردی، فضایی، جسمی، طبیعت‌گرایی، و وجودگرایی.

گاردنر معتقد است که در میان افراد از نظر هوش‌های مختلف، تفاوت وجود دارد؛ مثلاً فردی ممکن است در یک زمینه هوشی بسیار توانا باشد ولی در زمینه‌هایی از هوش چندان توانمند نباشد. بنابراین، استعدادها و توانایی را می‌توان در قالب فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده از همان دوران کودکی به نحوی مطلوب شناسایی کرد و سپس پرورش داد. در خلال فعالیت‌ها یا بازی‌های کودکان



• **هوش ریاضی - منطقی:** توانایی استفاده درست از اعداد یا ارقام و بیان استدلال منطقی و درست در طبقه‌بندی، استنباط، تعمیم، محاسبه.

در دوره پیش از دبستان، کودک از طرق گوناگون باید مفاهیمی همچون بالا - پایین، چپ - راست، زیر - رو، جلو - عقب، بزرگ - کوچک - هم اندازه، بیشتر - کمتر، سبک - سنگین و تعداد اعضای بدن را درک کند. فعالیت‌هایی از جمله تکمیل پازل، تصاویر و عکس‌های جالب، بازی با مکعب‌ها، مهره‌ها، لگو، استفاده از اعداد در تصاویر و نقاشی‌های بامزه، ردیف کردن یا طبقه‌بندی اشیاء پیرامون، راه رفتن روی خطوط مختلف، استفاده از خط، نقطه و اشکال ساده هندسی و غیرهندسی جهت ترسیم تصاویر بسیار تمرینش هستند.

• **هوش موسیقایی:** حساسیت نسبت به صداها و ضربه‌های محیط زندگی، درک الگوهای موسیقایی، تشخیص اصوات و در سطوح بالاتر تولید موسیقی یا آهنگ‌سازی یا نت‌گذاری (درک و دریافت الگوهای صدا، خلق و تبادل معانی از طریق صدا).

انجام دادن فعالیت‌هایی در جهت پرورش هوش موسیقایی مانند: گوش کردن به صداها، اطراف و تشخیص آن‌ها (سی‌دی یا فیلم)، آشنایی با سازها، تأثیر موزیکال، توجه کردن به صداها، طبیعی (حیوانات و...) یا غیرطبیعی (بوق ماشین و...)، تمرین سرود یا شعر خواندن همراه با آهنگ، انواع بازی‌ها از جمله بازی یک کلاغ و چهل کلاغ.

• **هوش درون‌فردی:** شناخت دقیق فرد از خویش، علایق و تمایلات، کشف توانمندی‌ها و نقاط ضعف خود در زمینه‌های مختلف که در قالب فعالیت‌ها و بازی‌ها سریع‌تر نمایان می‌گردد. درک از خود و اینکه بدانیم چه کسی هستیم، چه کاری می‌توانیم انجام دهیم و چه کارهایی را نمی‌توانیم انجام دهیم. گاردنر و چاکلی معتقدند که انسان‌ها معمولاً خیلی زود جذب افرادی باهوش درون‌فردی می‌شوند؛ چون تکلیفشان با خود معلوم است، می‌دانند از عهده چه کارهایی برمی‌آیند و چه کارهایی را نمی‌توانند انجام دهند و هنگامی که به کمک نیاز دارند باید به چه کسی مراجعه کنند.

هوش درون‌فردی به افراد این توانایی را می‌دهد که یک الگوی ذهنی بسازند؛ با استفاده از این الگو راه خود را پیدا کنند. نیز توانایی تشخیص احساسات، روحیات و اهداف خود و نیز پیش‌بینی واکنش خود نسبت به کارهای آینده را شامل می‌شود. کودکان معمولاً از میان ابزارهای متنوع پیرامون، بیشتر به سوی وسایل مورد علاقه خود سوق می‌یابند و بد نیست بزرگ‌ترها به این نکته عنایت داشته باشند.

• **هوش میان‌فردی یا اجتماعی:** توانایی درک احساسات و حالات روحی دیگران که مستلزم شناخت و درک حالات چهره و صداها، ایماها و اشارات است. تماشای حرکات پانتومیم و تماشای فیلم و تئاتر، ارتباطات

در دوره پیش از دبستان فعالیت‌هایی مانند ساختن جورچین‌ها، تشخیص جهت‌ها، دستکاری اسباب بازی‌ها و... از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند

خانوادگی بیشتر، و نیز بازی‌های جمعی و گروهی نقش مؤثری در پرورش هوش بین‌فردی دارند.

• **هوش فضایی:** این نوع هوش، توانایی درک پدیده‌های بصری است. توانایی در زمینه‌های دریافت و تبدیل اطلاعات سه‌بعدی و بصری در ذهن، خلق مجدد تصاویر با استفاده از حافظه، درک و مشاهده حساس و دقیق از دنیای بصری و هنرهای تجسمی، تولید اطلاعات بصری و کارهای هنری.

اگر کسی هوش تجسمی قوی داشته باشد و به هنر هم علاقه‌مند باشد می‌تواند مجسمه‌ساز یا نقاش و یا معمار شود و به همین ترتیب، اگر متمایل به مطالعه علوم باشد، علم تشریح او را جذب می‌کند.

در دوره پیش از دبستان فعالیت‌هایی مانند ساختن جورچین‌ها، تشخیص جهت‌ها، دست‌کاری اسباب بازی‌ها، حجم‌سازی با کاغذ مجال، شکل‌سازی با تا کردن کاغذ یا مقوا یا کاغذهای حلقه شده، خمیربازی یا حجم‌سازی با گل رس از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

• **هوش جسمی - حرکتی:** توانایی بهره‌گیری از کل بدن یا بخش‌هایی از آن

تمرکز در شباهت و تفاوت برگ‌ها، تقلید صداهایی مثل رعد و برق، باران و... درست کردن کاردستی با صدف‌ها، دانه میوه‌ها (هسته‌ها)، حبوبات، انواع برگ‌های پاییزی یا سبزه، پوست میوه‌ها (پوسته‌ها) و شکل‌سازی با سنگ‌ها یا تزئین آن‌ها، شکل‌سازی با مواد طبیعی، طبقه‌بندی انواع دانه‌ها، میوه‌ها، برگ‌ها و... درست کردن سبزه عید و کاشتن دانه و گل و مراقبت از گیاهان یا حیوانات (گربه؛ جوجه و...)، تماشای فیلم‌های مستند حیوانات و گیاهان، تماشای زیبایی‌های طبیعت و لذت بردن از آن و توصیفش.

● **هوش وجودگرا:** توجه انسان به مسائل زندگی غایی/کیستی انسان، معنای زندگی، مرگ و مفاهیمی مانند آن‌ها و یا به عبارتی توانایی درک مفهوم زندگی، انسانیت و به‌طور کلی فلسفه مرگ و زندگی.

معمولاً کودک در سنین قبل از دبستان کنجکاو و پرسشگر می‌شود و بسیار پرسش می‌کند. نحوه پاسخ‌گویی یا هدایت نیز اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند نقطه عطف و زمینه‌ساز نوع نگرش وی باشد.

به‌طور کلی، کودکان باید در طول روز در معرض طرح‌ها یا فعالیت‌هایی قرار گیرند که به ایجاد و توسعه توانایی آن‌ها کمک می‌کند.

گاردنر و استرنبرگ معتقدند که هوش در فرهنگ‌های مختلف به شکل‌های متفاوتی ظاهر می‌شود؛ برای مثال، در فرهنگ آمریکا هوش فضایی احتمالاً در مجسمه‌سازی، هندسه، نقاشی و از این قبیل نشان داده می‌شود اما در میان مردم کیکویو در کشور کنیا این هوش ممکن است در توانایی اشخاص در تشخیص دادن حیوانات مختلف و شناسایی دام‌های خود از میان دام‌های کسان دیگر انعکاس یابد. به‌طور کلی، هوش دارای ابعاد مختلف است و هر شخص توانایی و استعداد خاص خود را دارد که باید در جهت صحیح هدایت شود.

بنابراین، هر جامعه‌ای با توجه به شرایط (نیازها، امکانات، توانایی‌ها) و نوع فرهنگی که بر آن حکم‌فرماست، همچنین با عنایت به اصل تفاوت‌های فردی (علاقه، توانایی و ضعف‌ها، نیازهای کودکان) می‌تواند بستر مناسبی برای شناسایی استعدادها و ضعف‌ها - از همان دوره پیش از دبستان - فراهم آورد و در ارتقاء آگاهی والدین و آموزش کودکان نقش اساسی داشته باشد.

منابع

۱. گروه مؤلفان. (۱۳۸۵). راهنمای هنر دوره ابتدایی. انتشارات مدرسه.
۲. آقازاده، محرم. (۱۳۹۳). کاربرد هوش‌های چندگانه در کلاس درس. نشر مرآت.
۳. سیف، علی‌اکبر. (۱۳۸۳). روان‌شناسی پرورشی. تهران: نشر آگاه.
4. Gardner, H. And checkley, k (1997). The first seven and eighth: A conversation with Gardner Educational leader ship, 55(1), 8-13
5. gardner, h. 1983 . Frame of mind The theory of multiple in tein telligences. new york: basic boo
6. Gage, N.L. & Berliner, D.c. 1984-1992. Educational psychology (3rd and 5th ed.). Hopewell, N.J: Houghton Milflin.

معمولاً
کودک در
سنین قبل
از دبستان
کنجکاو و
پرسشگر
می‌شود
و بسیار
پرسش
می‌کند

برای بیان افکار و احساسات است و مهارت‌های فیزیکی خاص از جمله تعادل، هماهنگی، قدرت و سرعت و انعطاف‌پذیری را شامل می‌شود.

حرکات ورزشی، کنترل بدنی، حرکات خلاق (مثل واکنش به موسیقی) باید مورد توجه قرار گیرند. بازی با توپ، طناب‌بازی، لی‌لی و درست کردن توپ با مچاله کردن کاغذ یا روزنامه و بازی با آن و نیز اجرای حرکات موزون از مواردی هستند که می‌توان نام برد.

● **هوش طبیعت‌گرایانه:** مهارت در شناخت و طبقه‌بندی گونه‌های مختلف گیاهان، جانوران و محیط فردی یا سایر پدیده‌ها مثل تشکیل ابرها و توانایی تشخیص موجودات زنده از غیرزنده، توانایی درک دنیای طبیعی و کار کردن در آن به شکل مؤثر، به افراد فرصت می‌دهد که به تفاوت‌های اجزاء مختلف پی ببرند و از آن‌ها استفاده کنند. این هوش برای الگوسازی از طبیعت هم به کار می‌آید.

وقتی فضای پیرامون، خوب مشاهده شود و یا به‌طور دقیق مورد بررسی و تفحص قرار گیرد، طبقه‌بندی‌های موجود در طبیعت نیز نمایان می‌گردد و علم به دنیای طبیعی افزون می‌شود.



ضرورت آموزش چند فرهنگی در پیش دبستان

اشاره

چندگانگی فرهنگی یا چند فرهنگی گرایی^۱ نوعی ایدئولوژی است که بر مبنای آن انسان‌هایی از اقوام، نژاد و ملیت‌های گوناگون با داشتن حقوق شهروندی یکسان در یک مکان (مثلاً یک کشور) با هم زندگی می‌کنند. از آنجا که برخی از خانواده‌ها نیز چند فرهنگی هستند، پدیده «چند فرهنگی»، به اشتراک‌گذاری فرهنگ‌ها محسوب می‌شود.

یکی از مهم‌ترین و -شاید به جرئت بتوان گفت- سخت‌ترین وظایف مربیان پیش دبستانی آشنا ساختن کودکان پیش دبستانی با تنوع فرهنگی و احترام به فرهنگ‌هاست. برای کشوری با تنوع فرهنگی، لازم است که شهروندان جامعه از دوران طفولیت با حس احترام، همدلی و همراهی با اقوام دیگر پرورش یابند و آموزش‌های برابر ببینند. با توجه به نظر کمیسیون آموزش چند فرهنگی^۲ مبتنی بر ایجاد فرصت‌های یادگیری بیشتر در پدیده تنوع فرهنگی، آموزش چند فرهنگی نه تنها تهدید نیست بلکه یک ضرورت تلقی می‌شود و لازم است به این مهم، در دوران شکل‌گیری شخصیت کودک توجه شود تا در سایه احترام به فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها و هویت قائل شدن برای آن‌ها، جامعه به توسعه یافتگی نزدیک گردد. پیتز مک لارن^۳ صاحب‌نظر معروف در حوزه برنامه درسی و طراح ایده پداگوژی تفاوت^۴، فرهنگ را حوزه گفت‌وگویی در نظر می‌گیرد که دارای صداهای مشترکی است که به ندرت از یک برنامه درسی ملی که حتی سعی در انعکاس چند فرهنگی دارد، حمایت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: آموزش، چند فرهنگی، پیش دبستانی

اهداف و ابعاد آموزش چند فرهنگی

هدف از آموزش چند فرهنگی این است که کودکان در سال‌های

اولیه آموزش‌پذیری تفاوت‌ها و شباهت‌های خود و دیگر اقوام را بشناسند و فرصتی برای آنان ایجاد شود که بدانند همه افراد، به رغم اختلافاتشان اشتراکاتی نیز دارند، مانند اقوام کرد، ترک، لر و بلوچ که علاوه بر زبان و گویش مادری خود دارای زبان ملی نیز هستند. کودکان در آموزش چند فرهنگی متوجه می‌شوند که افراد با فرهنگ‌های گوناگون هم منحصربه‌فردند و هم دارای اشتراک، و بدین ترتیب آنان احترام به اقوام و باورهایشان را می‌آموزند. از دیگر اهداف آموزش چند فرهنگی می‌توان به همکاری‌های اجتماعی اشاره کرد. همان‌طور که کودکان به وجود تفاوت‌ها و تشابه‌ها در میان افراد پی می‌برند، یاد می‌گیرند که چطور در کنار یکدیگر فعالیت کنند. آموزش چند فرهنگی به کودکانی که در اقلیت فرهنگی قرار دارند یاد می‌دهد که چگونه از مهارت‌های اجتماعی‌شان در چنین محیط‌هایی استفاده کنند و هنگامی که کودکان دیگر متوجه ارزش فرهنگ و سنن آنان می‌گردند، اعتماد به نفس آنان تقویت می‌شود. برنامه آموزشی اوان کودکی که دارای حساسیت‌های فرهنگی و به عبارتی آموزش چند فرهنگی باشد، با یکپارچه‌سازی فرهنگ‌ها باعث تقویت عزت نفس کودکان و استفاده بهینه از تجارب یادگیری آنان می‌شود. یکی از مشکلات انسان امروز، ناتوانی او در تاب‌آوری و پذیرش آرا و عقاید دیگران است. در مقابل، از نقاط مثبت آموزش فرهنگی در دوران کودکی آموزش

یکی از
مهم‌ترین و
سخت‌ترین
وظایف مربیان
پیش دبستانی
آشنا ساختن
کودکان
پیش دبستانی
با تنوع
فرهنگی و
احترام به
فرهنگ‌هاست



چندقومیتی کشور تربیت کنند. برخی مهارت‌های اساسی شایستگی فرهنگی برای مربیان عبارت‌اند از:

– ارزش نهادن به تنوع فرهنگی، یعنی احترام گذاشتن به زمینه‌های مختلف فرهنگی، آداب و رسوم و راه‌های برقراری ارتباط با سنت‌های اقوام و پذیرش آن‌ها؛

– مطلع فرهنگی بودن، یعنی مربی بداند کی و کجا از تجربه‌های خود در میان خانواده، مهد کودک و جامعه استفاده کند؛

– آگاهی از تعبیرهای فرهنگی، یعنی مربی از تعاملات و ارتباطات میان فرهنگی که باعث سوءتعبیر می‌شوند، مطلع باشد و با آن‌ها رفتار و برخورد مناسبی داشته باشد تا به سوءتعبیر بدل نگردد؛

– استفاده از فهم فرهنگی، یعنی مربی بتواند از دانش چندفرهنگی خود برای درک بهتر و آگاهی از تجارب و دانش پایه کودکان در جهت پرورش و آموزش آنان و خلق محیط آموزشی چندفرهنگی استفاده کند. با وجود چنین توانایی و مهارتی، مربی قادر خواهد بود روش یادگیری کودکان با فرهنگ‌های متعدد را تشخیص دهد و در آموزش و خدمت‌رسانی به نظام آموزشی چندفرهنگی عملکرد مناسبی داشته باشد.

در مراکز پیش‌دبستانی، مدیران با ایجاد احترام به فرهنگ‌ها از راه به‌کارگیری مهارت‌های مدیریتی تنوع فرهنگی در میان مربیان و خانواده‌ها و کودکان، در آتیه نظام آموزشی تأثیر بسزایی دارند؛ چرا که در جامعه ایران، «ایرانی بودن» نقطه اشتراک فرهنگ‌هاست و تنوع اقوام و مذاهب باعث زیباتر شدن تابلوی خوش آب و رنگ ترسیم شده به دست لر و ترک، فارس و بلوچ، مسلمان و ارمنی و... می‌شود. نقاشی زیبایی که مرکزیت آن ایرانی بودن و طرح و نگارهای آن تنوع آداب و رسوم و مذهب و زبان است.

در مراکز پیش‌دبستانی آموزش چندفرهنگی مستلزم آشنایی مربیان با خرده‌فرهنگ‌ها و احترام به آن‌ها و نیز خلاقیت است که

تاب‌آوری، پذیرش دیگران و احترام به آنان با وجود هر نوع تفاوت است.

صلاحیت و شایستگی مربی در آموزش چندفرهنگی

همه می‌دانیم که مربی یا معلم پیش‌دبستانی یکی از مؤلفه‌های مهم در پرورش کودکان است؛ بنابراین، در بحث توانمندسازی و آشنایی کودکان با مقوله تنوع فرهنگی و تفاوت‌های قومیتی، وجود مربی توانمند بسیار اساسی و حائز اهمیت است. امروزه در بیشتر مهدهای کودک و مراکز پیش‌دبستانی برای آشنایی با فرهنگ‌ها در «واحد کار» و با استفاده از برنامه درسی گردشگری، کودکان را با لباس‌ها و تا حدودی غذاهای متفاوت اقوام آشنا می‌سازند. برنامه درسی گردشگری در جایگاه خود ارزشمند است اما برای رسیدن به اهداف آموزش و پرورش چندفرهنگی، از جمله پیشبرد آزادی، عدالت و کرامت انسانی کافی نیست. مربیانی که دانش، مهارت و نگرش کافی نسبت به مقوله تنوع فرهنگی را دارند، می‌توانند به نظام آموزشی چندفرهنگی و ارزشمندی آن کمک کنند. آگاهی از تفاوت‌ها، ویژگی‌ها و تجارب قومی باعث می‌شود کودکان به‌طور مؤثرتری پرورش یابند و این خودبه‌خود ما را به سمت آموزش فرهنگی پاسخ‌گو در سال‌های آتی سوق می‌دهد؛ بنابراین، لازم است مربیان پیش‌دبستان مهارت‌ها و شایستگی‌های فرهنگی قوی داشته باشند تا بتوانند نسلی موفق برای جامعه

در مراکز
پیش‌دبستانی
آموزش
چندفرهنگی
مستلزم
آشنایی
مربیان با
خرده‌فرهنگ‌ها
و احترام به
آن‌ها و نیز
خلاقیت است



که مثلاً چرا و چگونه اسم کودکان را انتخاب کرده‌اند.

– به نحوه برگزاری مراسم و اعیادی مانند نوروز، که یک جشن ملی است، در میان اقوام مختلف و آداب و سنن آنان برای برپایی این عید ملی احترام بگذارید و از والدین آنان درباره آنچه بین این اقوام مرسوم است سؤال کنید و در هر جشن، سهمی نیز به معرفی اقوام بدهید.

سخن آخر

امروزه با توجه به سبک زندگی مردم و افزایش مهاجرت‌ها، لازم است برنامه‌ریزان درسی از سال‌های قبل از دبستان به این مسئله مهم بیشتر توجه کنند. از آنجا که برنامه درسی چندفرهنگی یکی از ارکان رشد و توسعه و پیشرفت کشورهای دارای تنوع فرهنگی است، برنامه درسی رسمی به‌عنوان یک سند سیاسی – فرهنگی برای رشد و تعالی کشور ملزم به طراحی برنامه درسی چندفرهنگی از پیش‌دبستان تا دانشگاه خواهد بود (صادقی، علی‌رضا، ۱۳۹۱). وجود آموزش چندفرهنگی به‌صورت رسمی باعث تربیت نسلی می‌شود که علاوه بر حفظ فرهنگ و هویت خود، برای دیگر فرهنگ‌ها نیز احترام و ارزش قائل است. نکته آخر اینکه چنانچه برنامه‌ریزان و مجریان تعلیم و تربیت از آموزش چندفرهنگی با توجه به مقتضیات بومی در ایران اسلامی درک صحیح نداشته باشند، نمی‌توان به انسجام و وحدت فرهنگی و ائتلاف اقوام برای رشد و بالندگی در کشور امیدوار بود.

پی‌نوشت‌ها

1. Multiculturalism
2. ASCD (Association for Supervision and Curriculum Development)
3. Peter Maclaren
4. Pedagogy Of Difference
5. Culturally Responsive Teaching
6. Circle Time

منابع

۱. آذرقلی‌زاده و همکاران. (۱۳۹۰). نقش به‌کارگیری مهارت‌های مدیریت تنوع فرهنگی مدیران در ارتقای سطح مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، شماره ۴، ص ۱۵۹ – ۱۸۴.
۲. صادق‌قلی، علیرضا. (۱۳۹۱). تبیین برنامه درسی چندفرهنگی و چگونگی اجرای آن در نظام برنامه‌ریزی درسی ایران، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، سال هفتم، شماره ۳۶، ۳۲ – ۱۱.
۳. فتحی‌واجارگاه، کوروش. (۱۳۸۶). برنامه درسی به‌سوی هویت‌های جدید، شرحی بر نظریات معاصر برنامه درسی، تهران: آبیژ.
4. www.teachermatch.org
5. www.ascd.org

در مراکز و مهدهای کودک مربیانی که خود از فرهنگ‌های گوناگون هستند، بهترین بستر برای آشناسازی کودکان و حتی دیگر همکاران خود با فرهنگ خویشانند

در اینجا در مورد آن چند پیشنهاد مطرح می‌شود:

– در مراکز و مهدهای کودک مربیانی که خود از فرهنگ‌های گوناگون هستند، بهترین بستر برای آشناسازی کودکان و حتی دیگر همکاران خود با فرهنگ خویش‌اند. آنان می‌توانند به منظور پیوند خرده‌فرهنگ‌ها، شخصیت‌های فرهنگی، اجتماعی، ادبی و مذهبی قوم خود را معرفی کنند.

– استفاده از رسانه‌ها نقش بسیار مهمی در معرفی فرهنگ‌ها و ارزش‌دهی به آن‌ها ایفا می‌کند. بهتر است از ابزارهای رسانه‌ای، که معرف اقوام و مذاهب و مراسم مربوط به هر فرهنگ با دیده احترام است، برای نمایش به کودکان استفاده شود. برای مثال، مربیان و مدیران مهدها و مراکز پیش‌دبستانی پا را فراتر بگذارند و خود به‌طور خلاقانه رسانه فرهنگی مناسب تولید کنند. به این ترتیب، می‌توانند ضمن آموزش چندفرهنگی، از فعالیت‌های آموزشی مختلف فیلم و عکس بگیرند و در زمان فعالیت آزاد گروهی دوباره آن را به کودکان نمایش دهند. از آنجا که کودکان با تکرار یاد می‌گیرند، با دیدن هنرنمایی خودشان هم می‌آموزند و هم با اعتمادبه‌نفس بیشتری در فعالیت‌ها شرکت خواهند کرد.

– برای مشارکت بیشتر خانواده‌ها و احترام گذاشتن به فرهنگ آنان، از والدین بخواهید فرهنگ خود را به کودکان معرفی کنند. اگر دقت کنید، هر مرکز پیش‌دبستانی رنگین‌کمان زیبایی از اقوام، مذاهب و فرهنگ‌های مختلف را به واسطه خانواده‌های متفاوت در خود جای داده است. با توجه به این امر، تحت هیچ شرایطی نباید از توان، استعداد و شایستگی‌های والدین برای آشنایی با تنوع فرهنگی غافل ماند.

– بیشتر ما وقتی از یک فعالیت فرهنگی سخن به میان می‌آید، ابتدا می‌گوییم: برای بچه‌ها کتاب بخوانید، اما برای آموزش چندفرهنگی توصیه می‌شود برای هر قوم و آشنایی با خرده‌فرهنگ‌ها کتاب بسازید! کتابی که شامل زبان یا گویش، باورهای قومی و فرهنگی، سبک لباس پوشیدن، غذاهای محلی و آداب و سنن آن قوم باشد. برای انجام دادن این کار از خانواده‌های داوطلب کمک بگیرید.

– فکر جالبی است اگر مناسبتی فقط برای آشنایی با فرهنگ‌ها و اقوام در نظر گرفته شود و از مربیان و والدین با فرهنگ‌های گوناگون دعوت شود تا با لباس محلی خود در جشن شرکت کنند و درباره آداب و باورهای خود در زمینه‌های مختلف صحبت کنند. شاید یکی از این موضوعات که برای بچه‌ها ملموس است این باشد



اهمیت یادگیری در دوران کودکی

کودکی اولین و مهم‌ترین دوره زندگی آدمی است. اهمیت این دوران در شکل‌گیری شخصیت، تربیت‌پذیری و کسب علم تا آنجاست که به فرموده پیامبر گرامی اسلام (ص) «فراگیری علم در کودکی هم‌چون نقشی است که بر سنگ حک شود» (میرزابیگی، ۱۳۷۰).

کودک از همان روز تولد شروع به یادگیری می‌کند. آنچه کودک در پنج سال اول زندگی می‌آموزد، مبنای یادگیری‌های آینده و اساس مراحل بعدی رشد اوست.

مطالعات علمی و تحقیقات در زمینه کودکان نشان داده است که حدود ۵۰ درصد از رشد شناختی بین زمان تولد تا ۴ سالگی، حدود ۳۰ درصد آن بین ۴ تا ۸ سالگی، و ۳۰ درصد باقی‌مانده در فاصله سنین ۸ تا ۱۷ سالگی شکل می‌گیرد. این نتایج تجارب مناسب یادگیری را در سال‌های اولیه کودکی به خوبی نمایان می‌سازد (مفیدی، ۱۳۷۲).

مهارت‌گفتاری

مهارت‌های گفتاری یا شفاهی یعنی گوش دادن و صحبت کردن، نخستین مهارت‌های زبانی به شمار می‌آیند. همه کودکانی که از شرایط زیستی و محیطی عادی برخوردارند، این دو مهارت را می‌آموزند، ولی تفاوت‌هایی نیز بین آن‌ها مشاهده می‌شود. برخی از آن‌ها واژگان زیادی دارند و به خوبی از آن استفاده می‌کنند، ولی برخی واژگان کمی دارند.

فعالیت‌های اصلی زبان‌آموزی در پیش‌دبستان

ارکان زبان مهارت‌های شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن است. زبان با شنیدن آغاز می‌شود، به گفتن می‌انجامد و با خواندن

تأثیرات آموزش پیش‌دبستانی در مهارت خواندن و نوشتن

مقدمه

«تأثیر آموزش پیش‌دبستانی نه تنها بر عملکرد تحصیلی کودکان بلکه بر تمام جنبه‌های شخصیت کودک مشهود است و تفاوت بین کودکان برخوردار از این آموزش‌ها با سایر همتایانشان که چنین تجربه‌ای نداشته‌اند، کاملاً ملموس و قابل مشاهده است. این دوره زمینه‌های مناسبی برای رشد در تمامی جنبه‌های جسمی، عاطفی، اجتماعی، شناختی و خصوصاً رشد زبان و گفتار فراهم می‌آورد. هم‌چنین، از طریق ایجاد تجربه‌های صحیح، به افزایش واژگان گفتاری و گنجینه لغات کودکان کمک می‌کند. گنجاندن برنامه‌های مناسب و تنظیم برنامه‌های تربیتی به شیوه‌های صحیح خواندن و آماده‌سازی نوشتن تقویت اصوات و شیوه گوش دادن دانش‌آموزان در این سال‌ها لازم و ضروری است و مهارت‌های آماده‌سازی خواندن و نوشتن صحیح در کودکان این دوره پرورش می‌یابد» (مفیدی، ۱۳۷۲).

کلیدواژه‌ها: آموزش پیش از دبستان، مهارت نوشتن، مهارت خواندن





مفهوم
زبان‌آموزی
شامل
فراهم کردن
مقدمات
آموزش
خواندن و
نوشتن است
که درست و
طبق برنامه
صحیح باید
قبل از رفتن
به مدرسه
انجام شود

یکی از شرایط ضروری برای کسب مهارت درست‌نویسی این است که کودک بتواند برخی از حرکات هماهنگ بین دست و چشم را به خوبی انجام دهد. قبل از یادگیری نوشتن حروف لازم است کودکان در گرفتن مداد و نوشتن، قوت دست پیدا کنند؛ یعنی توانایی تقلید شکل‌ها و صورت‌های مختلف حروف را به دست آورند (راغب، ۱۳۸۴).

طبق نظریه هندرسون^۲ (۱۹۹۹)، رشد مهارت نوشتن شامل پنج مرحله می‌شود:

۱. مرحله قبل از سوادآموزی
۲. مرحله نام‌گذاری حروف
۳. مرحله الگوهای درون‌واژه‌ای
۴. مرحله پیوند هجایی
۵. مرحله ثبات اشتقاقی.

طبق نظریه هندرسون (۱۹۹۰) کودکان در سنین پیش‌دبستانی در مرحله پیش‌سوادآموزی هستند. در طول مرحله قبل از سوادآموزی، کودک مفاهیمی چون تمایز

و نوشتن به تکامل می‌رسد. مفهوم زبان‌آموزی در اینجا شامل فراهم کردن مقدمات آموزش خواندن و نوشتن است که درست و طبق برنامه صحیح باید قبل از رفتن به مدرسه انجام شود (محمدبیگی، ۱۳۹۲).

چهار فعالیت اصلی زبان‌آموزی در برنامه‌های پیش از دبستان عبارت‌اند از:

۱. قصه‌گویی و داستان‌خوانی
۲. شعرخوانی و سرود
۳. فعالیت‌های نمایشی
۴. بازی‌های آموزشی.

اهمیت دوره پیش‌دبستانی در کسب مهارت گفتاری

قصه‌گویی و داستان‌خوانی

یکی از اصلی‌ترین فعالیت‌های این دوره است که کودکان را با تعداد زیادی از لغات و کلمات آشنا می‌سازد و فرصت تجربه کردن زبان زنده را برای آن‌ها فراهم می‌آورد (رحماندوست، ۱۳۷۷).

شعرخوانی و سرود

شعرخوانی و سرود تأثیر مهمی بر ارتقای زبان‌آموزی کودکان دارد. در واقع، شعر گنجینه لغات کودکان را بالا می‌برد، آن‌ها را با اشکال جملات و کلمات آشنا می‌سازد و باعث ایجاد بینش مثبت نسبت به زبان و زیبایی‌های آن می‌شود (زندی، ۱۳۸۳).

فعالیت‌های نمایشی

فعالیت‌های نمایشی و به‌خصوص نمایش خلاق نیز نقش مطلوبی در رشد تکلم، پرورش اجتماعی و دیگر ابعاد شخصیت کودک دارند. کودکانی که از تجربه غنی نمایش خلاق بهره می‌گیرند، دارای رشد کلامی و محاوره‌ای کاملاً مشخص و چشمگیری هستند (چمبرز^۱، ۱۳۷۰).

بازی‌های آموزشی

بازی‌های دوره پیش‌دبستانی نیز فرصت‌های مؤثری برای یادگیری مهارت‌های زبانی به شمار می‌آیند. بازی برای کودکان فعالیتی آزاد و اختیاری است که باعث هماهنگی رشد آزاد او در جنبه‌های متفاوت می‌شود و این امر، به‌ویژه در رشد ذهنی و استفاده از لغات در بازی‌های کلامی و برقراری رابطه با دیگران محسوس است (چمبرز، ۱۳۷۰).

مفهوم مهارت نوشتاری

مهارت‌های نوشتاری عبارت‌اند از مهارت‌های خواندن و نوشتن، ۱۵ درصد صرف خواندن و ۱۱ درصد صرف نوشتن می‌شود (ضرغامیان، ۱۳۷۸).

واقع پیش‌نیازی برای نوشتن محسوب می‌شود که شکل‌گیری اولیه این مهارت در آموزش‌های پیش از دبستان صورت می‌گیرد (مصلحی و عسگری، ۱۳۸۴).

با ورود به مدرسه، کودکان برای مهارت‌های تازه از قبیل خواندن و نوشتن باید آمادگی داشته باشد. منظور از آمادگی این است که کودک از نظر مهارت‌های زبان‌آموزی تحت آموزش و اصلاح خوب شنیدن، سخن گفتن و از نظر سوادآموزی در مراحل اولیه خواندن و نوشتن قرار گیرد. ضروری است فعالیت‌هایی به منظور آماده نمودن کودکان جهت یادگیری این فرایندها، در آموزش پیش از دبستان گنجانده شود (نجفیان، ۱۳۸۱).

نتیجه‌گیری

اهمیت و نقش این دوره در رشد قوای جسمی، قوای ذهنی، اعتقادی و اجتماعی کودک و پرورش توانایی و استعداد، آماده‌سازی کودکان و رشد زبان برای ورود به دبستان ایجاب می‌کند که دوره پیش‌دبستانی مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این، باید دانست که توجه به شناخت هرچه بیشتر و آموزش مناسب کودکان پیش‌دبستانی، از نشانه‌های قوت و غنای فرهنگ و نظام آموزش و پرورش جامعه و گامی برای برخورداری جامعه از سلامت جسمانی و بهداشت روانی است. توجه بیشتر به دوره پیش از دبستان نشان‌دهنده کسب موفقیت‌های بیشتر کودکان در سال‌های تحصیلی بعد از گذراندن این دوره است (مفیدی، ۱۳۸۸).

پی‌نوشت‌ها

1. Dewey Chambers
2. Henderson

منابع

۱. دیوبی، چمبرز. (۱۳۷۲). قصه‌گویی و نمایش خلاق. ترجمه ثریا قزل ایاغ. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۲. راغب، حجت‌الله. (۱۳۸۴). راهنمای آزمون پیشرفت تحصیلی نوشتن پایه اول ابتدایی. تهران: انتشارات پژوهشکده استثنایی.
۳. رحماندوست، مصطفی. (۱۳۷۷). قصه‌گویی و راه و رسم آن. تهران: انتشارات رشد.
۴. زندی، بهمن. (۱۳۸۲). زبان‌آموزی. تهران: انتشارات سمت.
۵. شهودی، عطیه. (۱۳۹۲). مقایسه مهارت نوشتاری در میان دانش‌آموزان پایه اول دبستان با و بدون تجربه پیش از دبستان، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، شماره ۲۸، سال ۹.
۶. زرغامیان، مهدی. (۱۳۷۸). فراگیری مهارت‌های زبانی و مسائل زبان‌آموزی، رشد آموزش ابتدایی، مرداد، ۱۴-۱۴۵.
۷. مفیدی، فرخنده. (۱۳۷۲). شناخت آموزش و پرورش پیش از دبستان و اثرات آن در دنیای کودکان پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، دوره جدید شماره ۱، ۹۲-۸۱.
۸. مفیدی، فرخنده. (۱۳۸۸). تأثیر فعالیت‌های دوره پیش‌دبستانی بر رشد زبان گفتاری دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال ۳، شماره ۱۰.
۹. مصلحی، زبینه و همکاران. (۱۳۸۴). درباره رشد و آموزش کودکان چه می‌دانید؟
۱۰. محمدبیگی، حمیدرضا. (۱۳۸۵). بررسی و طراحی وضعیت مطلوب جهت ارائه الگوی آموزشی در دوره پیش‌دبستانی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۱. میرزابیگی، علی. (۱۳۷۰). نقش هنر در آموزش و پرورش و بهداشت روانی کودکان، تهران: انتشارات مدرسه.
۱۲. نجفیان، شهلا و همکاران. (۱۳۸۱). از تکلم تا مدرسه، تهران: انتشارات آینده.
13. Henderson, R. (1990). Teaching spelling. Boston. Houghton Mifflin.

تجربه‌های مفید مهارت‌های زبانی در گوش دادن و خواندن، و خواندن، پیش‌نیازی برای نوشتن محسوب می‌شود که شکل‌گیری اولیه این مهارت در آموزش‌های پیش از دبستان صورت می‌گیرد



بین نوشتار و نقاشی، جهت‌مندی خط (اینکه مثلاً خطی مانند فارسی، از راست به چپ پردازش می‌شود و از بالا به پایین است) را می‌آموزد.

برای کسب مهارت نوشتن، کودک به مواردی مانند هماهنگی چشم و دست، توانمندی عضلات کوچک دست و انگشتان و رشد توانایی به‌کارگیری صحیح عضلات ریز دست برای قلم در دست گرفتن، تقویت ادراک دیداری، سمت‌شناسی و شناخت مفاهیم نیاز دارد که با گذراندن مرحله پیش‌سوادآموزی، به این توانایی‌ها دست پیدا می‌کند (شهودی و همکاران، ۱۳۹۲).

اهمیت دوره پیش‌دبستانی در مهارت نوشتاری

در سلسله مراتب زبان، نوشتن آخرین مرحله‌ای است که باید آموخته شود. تجربه‌های مفید مهارت‌های زبانی در گوش دادن و خواندن، در



یادگیری و رشد خود را در این مراکز سپری می کنند. به طور کلی، محیط یادگیری در مراکز پیش دبستانی به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم می شود. بخش خارجی خود می تواند شامل تعدادی زیربخش باشد که بخش طبیعی، یکی از مهم ترین آن ها است. این بخش می تواند قطعه زمینی هر چند کوچک، با تعدادی گل و درخت و موجودات زنده مختلف باشد؛ به گونه ای که کودکان بتوانند آزادانه در آن بگردند و دست به تجربه و اکتشاف بزنند. یکی ممکن است گل ها را بو کند، یکی از درخت بالا رود، یکی برگ های مختلف را جمع آوری کند و دیگری اقدام به کندن خاک و پیدا کردن موجودات درون آن کند. این ها تنها تعداد کمی از بی نهایت فرصت یادگیری موجود در طبیعت هستند؛ فرصت های عظیمی که هیچ نوع بازی یا ابزاری نمی تواند برای کودک فراهم آورد.



تأثیرات حضور کودکان در طبیعت

در قرآن کریم در بیش از ۷۵۰ آیه به طبیعت و ظواهر آن اشاره شده است. از ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز روایات بسیاری به ما رسیده که در آن ها بر حضور در طبیعت و استفاده از ظرفیت ها و مزایای آن تأکید شده است. این میزان توجه به طبیعت قطعاً حامل پیام های مهم تربیتی برای ماست. حجم زیادی از تحقیقات نیز در سال های اخیر نشان می دهند که دسترسی به طبیعت به چه میزان برای سلامت انسان و به ویژه کودکان اهمیت دارد. فعالیت کودکان در طبیعت، رشد چندجانبه آن ها را در حوزه های ذهنی، عاطفی، اجتماعی، معنوی و جسمی حمایت می کند، قدرت تخیل، خلاقیت و حل مسئله را تقویت می کند، توانایی های شناختی را افزایش می دهد، عملکرد آموزشی را بهبود می بخشد، علائم اختلال نقص توجه را کاهش و فعالیت فیزیکی را افزایش می دهد، تغذیه را با افزایش علاقه به میوه ها و سبزیجات بهبود می بخشد، قدرت بینایی و نیز کیفیت و کمیت ارتباطات اجتماعی را افزایش می دهد، خودتنظیمی را ارتقا می بخشد و در نهایت، موجب کاهش اضطراب می شود. علاوه بر همه مزایای فردی، کودکان احترام و توجه به

آشتی با طبیعت؛ نیاز کودکان امروز

چکیده

طبیعت یکی از غنی ترین منابع یادگیری است. براساس پژوهش های متعدد، اتصال کودکان به طبیعت و حضور مستمر در آن، برای آنان مزایای کوتاه مدت و بلندمدت بسیاری دارد. در نوشتار حاضر، تأثیرات ارتباط مستمر کودکان با طبیعت، نقش مراکز آموزشی پیش از دبستان در کاهش تأثیرات نامطلوب جدایی کودکان از طبیعت و در نهایت، برخی از راهکارهای استفاده کامل از ظرفیت طبیعت در یادگیری و رشد کودکان معرفی و تبیین خواهد شد.

کلیدواژه ها: طبیعت، نیاز کودکان، مراکز پیش دبستانی

نسل جدید و طبیعت

امروزه سبک زندگی بشر به گونه ای است که روز به روز بیشتر او را از طبیعت جدا می کند. حقیقت این است که در دنیای امروز، مکان زندگی، شیوه تغذیه، نوع مشاغل، نوع تفریحات و ... بسیار متفاوت با نسل ما و نسل های پیش از ماست. اگرچه فضای جدید طبیعتاً امکانات و مزایای جدید و جذابی را با خود برای انسان به ارمغان آورده، اما نسل جدید را از اتصال به طبیعت باز داشته است؛ این جدایی منجر به ظهور پدیده های جدید به نام «اختلال فقر طبیعت» شده است.

مراکز پیش دبستانی و طبیعت

مراکز پیش دبستانی ظرفیت زیادی برای «آشتی» دادن به موقع کودکان و خانواده ها با طبیعت دارند؛ چرا که کودکان زمان زیادی از دوره حساس

طبیعت را نیز خواهند آموخت. حضور کودکان در طبیعت به قدری ضروری و مهم است که برخی دانشمندان از آن با عنوان ویتامین G (ابتدای عبارت Green environments به معنای محیط‌های سبز) یاد می‌کنند که لازم است به‌طور روزانه به بدن هر فرد، به‌خصوص کودکان، برسد.

مربیان چگونه می‌توانند از مزایای طبیعت برای کودکان بهره‌برند؟

تماس با طبیعت به خودی خود برای کودکان مزایایی دارد اما شما مربیان می‌توانید با عمل به توصیه‌های زیر، زمینه را برای استفاده حداکثری کودکان از ظرفیت طبیعت فراهم کنید:

- قبل از اینکه با کودکان بیرون بروید، خودتان در فضای طبیعی مورد نظر بگردید و خطرات و فرصت‌های آن را بررسی کنید.

- کار را با آنچه مورد علاقه کودکان است، شروع کنید. کودکان معمولاً به جاندارانی که در طبیعت زندگی می‌کنند علاقه‌مندند. علاوه بر این، عموماً در این زمینه تجارب قبلی نیز دارند. بیشتر کودکان تصاویر حیوانات، حشرات و گیاهان مختلف را در تلویزیون یا کتاب‌های داستان دیده‌اند. حضور در طبیعت فرصت بسیار خوبی است که می‌توانید به واسطه آن تجارب جدید را بر تجارب قبلی کودکان استوار کنید. در طبیعت می‌توانید بر یک پرند یا عنکبوت و یا حتی یک گل تمرکز کنید و از کودکان بخواهید درباره آن فعالیت‌هایی انجام دهند.

- به وقایع طبیعی روزمره حساس باشید. بارش باران و برف، رعد و برق، وزش باد، گرد و خاک، حرکت ابرها در آسمان و وقایع طبیعی دیگر همه می‌توانند موضوعات جالب و جذابی برای کودکان کنجکاو باشند.

- اجازه دهید کودکان در طبیعت بگردند، پیاده‌روی کنند و بدونند. بسیاری از مزایای طبیعت برای کودکان، به حرکت آزادانه آنان در طبیعت بازمی‌گردد. اگر اطمینان دارید که محیط طبیعی برای کودکان خطرات جدی، مثل سقوط، ندارد اجازه دهید کودکان مدتی آزادانه بچرخند. حتی می‌توانید اجازه دهید کفش‌های خود را درآورند تا کف پایشان خاک و سنگ را لمس کند. فرصت گردش آزادانه به کودکان می‌تواند تجارب اکتشافی لذت‌بخشی

در نهایت، مربیان هستند که می‌توانند با شناخت کودکان و خلاقیت ویژه خود، راهکارهای مناسب دیگری را به‌کار گیرند و زمینه را برای بیشترین استفاده کودکان از نعمت‌های خدادادی فراهم کنند

را برایشان فراهم کند.

- به کودکان یاد بدهید که چیزهای اطرافشان را به دقت مشاهده کنند. مشاهده، فرایندی بسیار مهم برای کودکان است. نمی‌توانید انتظار داشته باشید کودکی مشاهده را بیاموزد؛ بدون اینکه این مهارت را به او یاد داده باشید. در طول مدت حضور در طبیعت، مرتباً توجه کودکان را به چیزهای مختلف، مانند یک تار عنکبوت، صدایی خاص (چشمه، پرند، باد و...)، حرکت خاص یک موجود و هر چیز دیگری که مناسب می‌دانید، جلب کنید و از آنان بخواهید درباره آن‌ها گفت‌وگو کنند، نقاشی بکشند، تقلید کنند یا فعالیت دیگری را انجام دهند. انجام دادن این فعالیت‌ها مستلزم مشاهده دقیق است.

- زمانی که نمی‌توانید کودکان را به طبیعت ببرید، طبیعت را به مرکز بیاورید. انواع حشرات، حیوانات و گیاهان بی‌خطری وجود دارند که می‌توانید آن‌ها را به کلاس بیاورید. کودکان حتی می‌توانند به آن‌ها دست بزنند و با رعایت موارد بهداشتی، با آن‌ها بازی کنند. مشاهده موجودات (کاربرد حواس) و گفت‌وگو درباره آن‌ها توانایی کودکان را در حوزه‌های رشدی مختلف ارتقا می‌بخشد.

- از مواد موجود در طبیعت چیزهایی بسازید. جمع‌آوری انواع برگ‌ها از طبیعت و سپس ساخت یک آلبوم ساده، فعالیتی بسیار لذت‌بخش برای کودکان است. می‌توانید در مرکز یا در فضای طبیعی، نمایشگاهی را تدارک ببینید و تمام چیزهایی را که کودکان پیدا می‌کنند یا به آن‌ها علاقه‌مندند، در این نمایشگاه قرار دهید. این نمایشگاه می‌تواند یک میز کوچک ساده یا حتی تکه پارچه‌ای باشد که روی زمین پهن می‌کنید. - به کودکان اجازه بدهید که دانه بکارند. کاشت دانه و رشد آن علاوه بر اینکه برای کودکان فعالیتی لذت‌بخش است، آنان را با مراحل رشد گیاهان نیز آشنا می‌کند. هر کودک می‌تواند مسئولیت مراقبت از گیاه خود را هم بر عهده داشته باشد.

جمع‌بندی

طبیعت با ظرفیت عظیم خود یکی از منابع مهم یادگیری و رشد همه‌جانبه کودکان است. با توجه به تأثیرات بسیار مهم حضور در طبیعت برای کودکان - که به آن‌ها اشاره شد - یکی از مهم‌ترین وظایف مراکز آموزشی پیش از دبستان و به‌خصوص مربیان، برنامه‌ریزی برای استفاده مناسب از ظرفیت طبیعت است. در این نوشتار، اشارات کوتاهی به برخی راهکارهای عملی شد، اما در نهایت، مربیان هستند که می‌توانند با شناخت کودکان و خلاقیت ویژه خود، راهکارهای مناسب دیگری را به کار گیرند و زمینه را برای بیشترین استفاده کودکان از این نعمت خدادادی فراهم کنند.

منابع

۱. لو، ریچارد. (۱۳۹۵). آخرین کودک جنگل. مترجمان: مشهد: نشر تلنگر.
2. Chawla, L. (2012). The importance of access to nature for young children. Early childhood matters, vol 118, 48-51. Received from:
3. Natural Learning Initiative. (2012). Benefits of Connecting Children with Nature: Why Naturalize Outdoor Learning Environments. North Carolina State University. Received from:



کودک‌آزاری، ابعاد و انواع آن

اشاره

یکی از جرم‌های در حال رشد، کودک‌آزاری است و متأسفانه در چند سال اخیر، افزایش قابل توجهی در آمارهای مربوط به کودک‌آزاری دیده می‌شود. براساس آمارهای موجود، هر ساله هزاران کودک در سراسر جهان مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند. در ایران طبق آمارها در سطح کشور، در ۶ ماه ابتدایی سال ۹۶ در حوزه کودک‌آزاری، تعداد تلفن‌های ثبت شده از طریق خط ۱۲۳، ۸۴۷۸ تماس، خدمات سایر ۵۶۷۲ مراجعه و مرکز مداخله در بحران ۱۱۹۳ بوده است (فارس نیوز، ۱۳۹۶).

با آگاهی از علائم کودک‌آزاری، می‌توان به کودک کمک کرد که از درد و رنج آن رهایی یابد. آگاهی معلم، فعال یا مددکار اجتماعی و والدین از علائم کودک‌آزاری اهمیت در خور توجهی دارد. کودک‌آزاری، بدترین شکل مجازات است که می‌توان برای یک کودک تعیین کرد. با این روش، کودک بقیه عمرش را با زخم‌های روحی، عاطفی و حتی فیزیکی سپری خواهد کرد. این امر همچنین می‌تواند منجر به آسیب‌های جبران‌ناپذیر ذهنی در او شود. در برخی موارد، کودک‌آزاری پایانی غم‌انگیز دارد و آن این است که کودک جانش را از دست می‌دهد. نادیده گرفتن علائم کودک‌آزاری جرم محسوب می‌شود. یک مربی پیش‌دبستانی لازم است ضمن آشنایی با ابعاد کودک‌آزاری، اگر مشاهده کرد که کودکی مورد اذیت و آزار والدینش، قیم‌هائیش یا شخصی دیگر قرار می‌گیرد، مراتب را به مراجع ذی‌صلاح اطلاع دهد و از آن‌ها کمک بخواهد. در ایران طبق ماده ۱۱ «لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان» هرکس مرتکب قتل عمد یا ضرب و جرح عمدی کودک یا نوجوان شود و به هر علتی قصاص نشود، علاوه بر پرداخت دیه طبق مقررات، حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد (فارس نیوز، ۱۳۹۶). در این مقاله ضمن بررسی مقوله کودک‌آزاری و ابعاد مختلف آن، به علائمی که به تشخیص کودکان آزاردیده کمک می‌کنند، اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: کودک‌آزاری، کودک، غفلت از کودک

عکس: تزئینی می‌باشد

کودک‌آزاری چیست؟

کودک‌آزاری شامل رفتارهایی است که افراد دیگر، به ویژه بزرگسالان نسبت به کودکان روا می‌دارند و در نتیجه، به سلامت جسمی و روانی کودکان آسیب می‌رسانند. کودک‌آزاری به صورت مختلف صورت می‌پذیرد: کودک‌آزاری جسمی، مسامحه یا غفلت از کودک، کودک‌آزاری روانی، آزار جنسی (لی و پائولوزی^۱، و دیگران، ۲۰۰۸).

کودک‌آزاری جسمی

آزار جسمانی بر دو نوع است: خشونت بدنی سبک مانند هل دادن، کشیدن موی سر و سیلی زدن، و خشونت بدنی سنگین مانند با شلاق یا وسیله دیگری کتک زدن، سوزاندن، گاز گرفتن، با چاقو جراحت وارد کردن، پرت کردن از پله که منجر به جرح و خون‌مردگی می‌شود، شکستن دندان، دنده، بینی، بازو، پاها، پارگی پرده گوش و نظایر آن. خشونت



بدنی سبک معمولاً به عنوان تربیت در نظر گرفته می‌شود؛ به خصوص در مورد کودکان، و جامعه نسبت به آن واکنش نشان نمی‌دهد، اما خشونت بدنی سنگین را که خشونت آشکار است، جامعه محکوم می‌کند؛ صدماتی که حتی ممکن است منجر به مرگ کودک شود.

کبودی‌های بدون توضیح، برجستگی پوست صورت و گلو بر اثر ضربه شلاق، وجود طرح یا شکل غیرمعمول در ناحیه پا (ران) که نشان‌دهنده استفاده از ابزار مانند سگک کمر بند، ریسمان یا طناب باشد (که بعد از غیبت از مدرسه مشاهده می‌شود)، سوختگی‌های بدون توضیح، سوختگی‌های حلقوی شکل روی دست و پای کودک، همچنین، سوختگی‌های عفونی که نشان‌دهنده تأخیر در درمان سوختگی هستند و طرح‌ها و اشکال یکسانی دارند؛ چون ممکن است با وسایل خانه ایجاد شده باشند؛ همچنین افراط و تفریط‌های رفتاری شامل کناره‌گیری، تجاوز، پرخاشگری، عقب‌نشینی، افسردگی، ترس نابجا یا بیش از حد از والدین یا مراقبان، رفتار ضد اجتماعی مانند اعتیاد به مواد مخدر، فرار از مدرسه، فرار از خانه، ترس از والدین، توضیحات غیرقابل قبول و متناقض برای جراحات، و خجالت غیرمعمول از نشانه‌های آزار جسمانی هستند (دورانت و انسون^۲، ۲۰۱۲).

مسامحه یا غفلت از کودک

غفلت از کودک به معنای کوتاهی در اعمال مراقبت‌های کافی و مورد نیاز متناسب با سن کودک مانند تأمین سرپناه، غذا، لباس، آموزش، سرپرستی و مراقبت‌های پزشکی است که برای رشد ظرفیت جسمی، عاطفی و احساسی کودک ضرورت دارند. بیشترین موارد غفلت درباره کودکان نوزاد، نوپا و کودکان پیش‌دبستانی است. مسامحه انواع گوناگونی دارد؛ مانند غفلت یا مسامحه فیزیکی، مسامحه آموزشی، مسامحه احساسی و غفلت پزشکی. بیشترین موارد گزارش شده، مرتبط با مسامحه فیزیکی است و شامل امتناع یا تأخیر شدید در اعمال مراقبت‌های تندرستی و بهداشتی

مورد نیاز، رهاسازی کودک به مدت زیاد، سرپرستی نامناسب، عدم پذیرش کودک و فرار او از خانه، کوتاهی در فراهم

کردن امنیت و رفع نیازهای فیزیکی اوست. مسامحه فیزیکی می‌تواند به شدت بر روی رشد کودک تأثیر بگذارد، در پرورش صحیح او اختلال ایجاد کند و او را به سوءتغذیه و انواع بیماری‌های جسمی دچار سازد.

مسامحه آموزشی زمانی اتفاق می‌افتد که به کودک اجازه داده می‌شود وقت خود را به میزان زیادی تلف کند. برای مثال، گرچه در سن مدرسه است (واجب‌التعلیم) ولی ثبت‌نام نشده و آموزش مورد نیاز خود را دریافت نمی‌کند. مسامحه آموزشی می‌تواند منجر به عدم موفقیت در دستیابی به مهارت‌های اساسی مورد نیاز، افت تحصیلی و رفتار مخرب شود. مسامحه احساسی، رفتارهایی مانند امتناع از تأمین مراقبت‌های روانی مورد نیاز، تحقیر مداوم و مضایقه از محبت و مهربانی نسبت به کودک است. این الگوی رفتاری می‌تواند منجر به رفتارهای مخرب، استعمال مواد مخدر یا حتی خودکشی شود. اهمال یا غفلت احساسی شدید نسبت به کودک می‌تواند باعث تأخیر در رشد و نمو او و حتی مرگش شود. مسامحه پزشکی به معنای غفلت

والدین یا سرپرستان در فراهم کردن مراقبت‌های اولیه بهداشتی و پزشکی برای

کودک است. این نوع غفلت می‌تواند به فقر در سلامتی و مشکلات پزشکی منجر گردد.

از نشانه‌های بارز مسامحه می‌توان به بهداشت ضعیف (شامل مبتلا بودن به شپش، گال)، آثار سوختگی درمان نشده، لوچی چشم، لباس غیرمناسب، زیاد یا کم پوشیدن لباس در شرایط آب و هوایی مختلف، فراموش کردن برخی از لباس‌های اصلی، بیماری یا زخم درمان نشده، به مدت طولانی در معرض سرما یا گرمای شدید قرار گرفتن که منجر به سرمازدگی یا گرمزدگی شود، غیبت زیاد از مدرسه، گرسنگی، خستگی، سستی و بی‌حالی زیاد، گدایی یا جمع کردن پسماندهای غذایی اشاره کرد (ام سی کوی و کین^۳، ۲۰۱۳).

کودک‌آزاری روانی

این نوع از کودک‌آزاری عبارت از هرگونه بدرفتاری روانی یا عاطفی در برخورد با کودک است؛ مانند استفاده از جملات نامناسب برای آسیب رساندن و خرد کردن شخصیت و ایجاد احساس حقارت

مسامحه پزشکی به معنای غفلت والدین یا سرپرستان در فراهم کردن مراقبت‌های اولیه بهداشتی و پزشکی برای کودک است

در کودک، منزوی کردن کودک و ممانعت از ارتباط او با نظام‌های حمایتی مانند خانواده، دوستان و ایجاد اختلال در رشد همه‌جانبه‌ی وی، به‌ویژه رشد اجتماعی. درباره‌ی رشد اجتماعی و تعادل عاطفی و روانی، اریک اریکسون (۱۹۵۰) معتقد است که کودک برای آنکه بتواند مراحل تکامل اجتماعی خود را با موفقیت طی کند، می‌بایست یک سلسله مراحل بحران رشدی را پشت سر گذارد. آزار و اذیت کودکی که در حال طی کردن این مراحل است و حس اعتماد وی به دیگران هنوز به‌طور کامل شکل نگرفته است، می‌تواند عواقب وخیمی داشته باشد.

از نشانه‌های بارز آزار روانی می‌توان به اختلال خوردن و بی‌اشتهایی، اختلالات گفتاری مانند لکنت زبان، تأخیرات رشدی در فراگیری گفتاری یا مهارت‌های حرکتی، داشتن قد و وزن کمتر از حد طبیعی، وجود قسمت‌های بدون مو یا طاسی در سر کودکان، اختلالات عصبی و بیرون ریختن جوش و دانه‌های قرمز در بدن، تیک عصبی در ناحیه‌ی صورت، درد شکمی و سردرد، گاز گرفتن، محکم زدن سر به در و دیوار، رفتار بی‌رحمانه مانند آزار رساندن به کودکان دیگر، تسلیم بیش از حد، عقب‌نشینی یا رفتار پرخاشگرانه، هیجان یا بی‌میلی بیش از حد، احساس ناامنی، خودضعیف‌بینی، ترس فلج‌کننده‌ی ناشی از صدمه یا احساس مرگ، گوشه‌گیری، افسردگی، سرزنش خود یا احساس گناه از به دنیا آمدن اشاره کرد.

کودک‌آزاری جنسی

هرگونه آزار جسمی، درگیر کردن کودک در فعالیتی که

از علائم و نشانه‌های کودک‌آزاری جسمی می‌توان به مواردی چون مشکل در راه رفتن و نشستن، خیس کردن رختخواب، دچار شدن به کابوس‌های شبانه، تغییر در اشتها، امتناع از تعویض لباس یا کارهای جسمانی در مقابل دیگران، و احساس وحشت و ناراحتی از نزدیک شدن دیگران اشاره کرد

باعث ارضای فرد بزرگسال شود، تحمیل جنسی به کودک که فاقد تحول شناختی، هیجانی و جسمی است، لمس کردن، بوسیدن و وادار کردن کودک به دیدن روابط دو فرد بزرگسال، اجبار او به برهنه شدن، عکس گرفتن از بدن کودک، و نشان دادن عکس افراد برهنه به کودک را می‌توان از انواع کودک‌آزاری جنسی دانست. از علائم و نشانه‌های کودک‌آزاری جسمی می‌توان به مواردی چون مشکل در راه رفتن و نشستن، خیس کردن رختخواب، دچار شدن به کابوس‌های شبانه، تغییر در اشتها، امتناع از تعویض لباس یا کارهای جسمانی در مقابل دیگران، و احساس وحشت و ناراحتی از نزدیک شدن دیگران اشاره کرد (تئوکلیتو و دیگران، ۲۰۱۱).

علل بروز کودک‌آزاری

کودک‌آزاری به دلایل گوناگون صورت می‌گیرد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. ناآگاهی والدین از اینکه رفتار آن‌ها کودک‌آزاری است؛ مانند تنبیه بدنی.
۲. مشکلات اقتصادی و فقر که کودکان را از دسترسی به نیازهای اساسی خود، مانند آموزش، محروم می‌کند.
۳. اعتیاد و تغییرات مرتبط با آن، مانند



پرخاشگری، بی‌مسئولیتی و کاهش عواطف. ۴. بیماری‌های روانی والدین، مشکلات خانوادگی، مشاجرات طولانی و شدید، جمعیت زیاد خانواده، شیوه‌های تربیتی نامناسب، و وجود ناپدری و نامادری که ممکن است کودکان را آزار دهند.

۵. بیماری‌های مزمن در کودکان، شامل مشکلات رفتاری از قبیل پرخاشگری، بی‌قراری، بیش‌فعالی، اضطراب و شب‌اداری، که مشکلاتی برای بزرگسالان ایجاد می‌کنند و در صورت ناآگاهی والدین از این مشکلات، ممکن است کودکان مورد آزار قرار گیرند. ۶. مشکلات مدرسه و مراکز نگهداری کودکان، مانند انتظار بیش از حد، ندیدن تفاوت‌ها، ایجاد اضطراب و ترس، رقابت‌های شدید، تبعیض، تنبیه بدنی، تحقیر و توهین. برای کاهش کودک‌آزاری به نکات زیر توجه شود:

۱. کودک را باید بهتر و بیشتر شناخت.
۲. علت کودک‌آزاری را باید به درستی بررسی کرد.
۳. به والدین/مردم آموزش داده شود که کمک گرفتن از دیگران و مشورت کردن با آن‌ها در این باره نشانه آگاهی و هشیاری است نه ناتوانی.
۴. فرد یاری‌رسان همواره باید آرامش خود را حفظ کند (رحیمی، ۱۳۸۷).

راهکارهای پیشگیری

در موضوع کودک‌آزاری، اول از همه باید روی پیشگیری کار کرد. پیشگیری هم باید از دوران کودکی کار شود. از والدین، خود کودکان و کسانی که مراقب کودکانند، گرفته تا مسئولان مدرسه، پلیس و قاضی همه و همه باید با حقوق کودکان آشنا شوند. در عین حال، لازم است کودکان با مهارت‌های زندگی نیز آشنا باشند. والدین باید آگاه شوند که اگر زمانی خشمگین شدند خشمشان را چطور بروز دهند که موجب آزار دیگران نشود.

برخی از راه‌های پیشگیری از کودک‌آزاری به شرح زیر است:

۱. دقت در ازدواج و تشکیل خانواده، و خودداری از ازدواج‌های تحمیلی، ناشناخته

و شتاب‌زده

۲. توجه به تنظیم خانواده و تعداد مناسب فرزندان
۳. افزایش آگاهی خود در زمینه پرورش فرزندان و شیوه‌های مناسب رفتار با آن‌ها
۴. پذیرش مسئولیت‌ها و انجام وظایف خود به‌عنوان پدر، مادر، معلم و مربی نسبت به کودکان
۵. توجه به سلامت جسمی و روانی خود و کاهش فشارهای عصبی و مشکلات رفتاری
۶. تقویت روحیه کمک گرفتن از دیگران هنگام برخورد با مشکلات و شناسایی مراکز حمایتی.

پی‌نوشت‌ها

1. Leeb, Paulozzi
2. Durrant, Ensom
3. McCoy, Keen, S.M
4. Theoklitou

منابع

۱. خبرگزاری فارس. (۱۳۹۶). مجازات کودک‌آزاری جنسی در قوانین ایران چیست. <http://www.parsine.com/fa/news/61234/> بازبینی شده در ۱ فوریه ۲۰۱۷.
۲. رحیمی، لیلا. (۱۳۸۷). کودک‌آزاری چیست؟ صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف).
3. Durrant, Joan; Ensom, Ron (2012). "Physical punishment of children: lessons from 20 years of research". *Canadian Medical Association Journal*. **184** (12): 1373-1377. PMC 3447048 = PMID 22311946. doi: 10.1503/cmaj.101314.
4. Leeb, R.T.; Paulozzi, L.J.; Melanson, C.; Simon, T.R.; Arias, I. (2008). *Child Maltreatment Surveillance: Uniform Definitions for Public Health and Recommended Data Elements. Version 1.0* (PDF). Atlanta, Georgia: Centers for Disease Control and Prevention, National Center for Injury Prevention and Control.
5. McCoy, M.L.; Keen, S.M. (2013). "Introduction". *Child Abuse and Neglect* (2 ed). New York: Psychology Press. pp. 3-22. ISBN 1-84872-529-9. OCLC 863824493. Retrieved 4 February 2016.
6. Theoklitou D, Kabitsis N, Kabitsi A (2012). "Physical and emotional abuse of primary school children by teachers". *Child Abuse Negl*. **36** (1): 64-70. PMID 22197151. doi: 10.1016/j.chiabu.2011.05.007.

در موضوع کودک‌آزاری، اول از همه باید روی پیشگیری کار کرد. پیشگیری هم باید از دوران کودکی کار شود. از والدین، خود کودکان و کسانی که مراقب کودکانند، گرفته تا مسئولان مدرسه، پلیس و قاضی همه و همه باید با حقوق کودکان آشنا شوند

چرایی گرایش دختران خردسال به آرایش و خودآرایی



هر کودکی که به واسطهٔ لطف الهی پا به عرصهٔ حیات خاکی می‌نهد، با حضور خود دنیایی از عشق و عواطف گوناگون را برای خانواده و در کنارش اجتماعی که آیندهٔ کشوری را می‌سازد، به ارمغان می‌آورد. در طول راه خط رشد هرم سنی کودکان در هر پله‌ای با مسائل و بحران‌هایی روبه‌رو هستیم. با توجه به سیر زمان در دهه‌ها و سال‌های گذشته روزبه‌روز مسائل والدین در حیطه‌های مختلف گسترش یافته و رفتارها و کنش‌های والدین و کودک به دقت و بررسی بیشتری نیاز پیدا کرده است، که در طی این طرق نیاز به افراد و عوامل و برنامه‌های خاصی است تا به دفع بحران‌ها رسید.

از آنجا که این مهم تنها مسئلهٔ یک خانواده نیست و به سرعت شایع شده است، دست به قلم شده‌ایم تا از چند جنبه مشکل را واریسی کنیم و چند راهکار ارائه دهیم.

بین کودکان بی‌وقفه و پویا هستند. حتی در کتاب‌های داستان کودکان ما با چشمان بسیار درشت آرایش کرده و لباس‌های خوش آب و رنگ طرف هستیم.

در همهٔ این شلوغی‌ها کودکی است که در آینه مشغول دیدن چهرهٔ پاک و ساده و بی‌آرایش خویش است اما از دیدن آن لذتی نمی‌برد... چرا؟

در این باب باید والدین و اطرافیان وارد حیطهٔ عمل شوند و چنان اعتمادبه‌نفس و سالمی به کودک تزریق کنند که کودک را از غرق شدن در این گرداب سرگردانی، نجات دهند. این اعتمادبه‌نفس می‌تواند در قالب یک جمله باشد یا یک داستان یا یک تشبیه یا هر چیزی که کودک را از داشته‌هایش خرسند کند.

البته در این وادی هم باید حد نکه داشت که کودک از آن سوی بام، نیفتد؛ یعنی دچار اعتمادبه‌نفس کاذب نشود که خودبزرگ‌بین شود و دست به کارهای خطرناک بزند.

در این بین، بعضی از روان‌شناسان نظریه‌ای را بر پایه تفکرات فروید مطرح می‌کنند که اجمالا به شرح آن می‌پردازیم.

مسئله در ابتدای امر از آنجا آغاز می‌شود که «چشم» می‌بیند و «ذهن» ثبت می‌کند و «اعضا» شروع به دیدن و شنیدن می‌کنند. در سنین خردسالی، اکثر رفتارهای کودک تقلیدی است؛ یعنی در خانه، در بین اقوام، در مهدکودک، در اجتماع، و در رسانه می‌بیند و بدون آنکه قدرت تحلیل داشته باشد، شروع به تکرار رفتار مشاهده شده می‌کند. پس، در اولین قدم باید کنترل کنید که چه چیزی قرار است در مقابل چشم کودکان به نمایش درآید.

الگوپذیری بصری نوگلان ما در تمامی رفتارهایشان مشهود است. با توجه به عنصر فناوری و فراگیر شدن رسانه در بین تمام اقشار و نشر مضامین غیرقابل کنترل، روند بلوغ فکری و جسمی کودکان و نوجوانان همسان نیست. در این بین بعد دیگر مسئلهٔ بصری وارد حیطهٔ این بحران می‌شود که هم قابل لمس است هم به وضوح در همه جا یافت می‌شود و آن «اسباب‌بازی» هاست؛ اسباب‌بازی‌های قابل لمس مانند عروسک‌ها (باربی) و اسباب‌بازی‌های غیرقابل لمس مثل بازی‌های هوشمند که در ترویج خودآرایی و استفاده از مدگرایی در





کنند. آن‌ها همچنین باید به الفاظ خود، تعریف و تمجیدها و کلیدواژه‌هایشان توجه کنند و آگاه باشند که از چه کسی و با چه ظاهری تعریف می‌کنند. شاید زمانی که این کار را انجام می‌دهند، اصلاً متوجه حضور نوگلشان نباشند، اما به‌صورت ناخواسسته در ضمیر ناخودآگاه فرزندشان این کلمات را حک می‌کنند و کودک در گذر زمان برای جلب توجه والدین یا اطرافیان به آن سمت گرایش پیدا می‌کند.

در علم روان‌شناسی مبحثی را داریم که در هر زمینه‌ای والدین و مربیان آگاه برای آموزش و تحذیر کودکان می‌توانند از آن استفاده کنند و آن مبحث زیبای «سایکودرام» یا «داستان‌سازی» است که در آن می‌توان از شخصیت‌های خیالی یا حیوانات برای رفع و موشکافی مشکلات کودکان استفاده کرد.

پایان سخن اینکه لوح وجودی کودکان در بدو تولد سفید و دست‌نخورده است و این ماییم که با قلم‌موی خود شروع به کشیدن طرح راه زندگی نوگلمان می‌کنیم. امید می‌رود که همه در طی این طریق از جنین به جنان، از سبزه به ستاره و از فرش به عرش برسیم و در این راه امانت‌دارهای خوبی در قبال این معجزات خالق یکتای خود باشیم.

باشد که کودکان امروزمان، بزرگ اندیشمندان فردای تاریخ سرزمینمان شوند.

بر پایه نظریه فروید دختران از خردسالی به‌طور ناخودآگاه به پدر به‌عنوان جنس مخالف گرایش دارند و سعی در تصاحب همه‌جانبه و جلب توجه وی می‌کنند. در این راه سعی می‌کنند با تمام توان جلو بیایند و شروع به خودنمایی کنند که آرایش کردن، که رفتاری تقلیدی از مادر یا هم‌نوع خود است، یک جنبه آن است، که البته لازم به ذکر است که حرکتی تقلیدی از بزرگسالان است.

در لابه‌لای این گفته‌های کوتاه به امر ژنتیک نیز باید اشاره‌ای کرد که این خود بی‌تأثیر بر موضوع نیست. گاه رفتارهای خاص کودک بر پایه ژنتیک است که به وی منتقل شده است و گرایش به امر زیبایی و آرایش را در کودک شعله‌ور می‌کند. در مجموع، در این گفتار کوتاه راه‌هایی مطرح می‌شود که می‌تواند به این مسئله و مرتفع کردن آن کمک کند.

اول اینکه نه‌تنها کودک که والد او را نیز باید به امر آرایش و پیرایش صحیح رهنمون کنیم و از عوارض مخرب لوازم آرایش بر جسم اطلاعات دقیقی بدهیم و آن‌قدر عزت و حرمت نفس اعضای خانواده را بالا ببریم که نیاز افراطی به این ارم در خود احساس نکنند. در حیطه بعدی می‌توان نیاز به دیده شدن کودک را یا علاقه او به امر آرایش را در قالب «گرم عروسکی» رفع کنیم، که هم آرایش پررنگ دارد، هم فانتزی و جذاب است و هم اینکه نیاز به دیده شدن در وجود او برطرف می‌شود. در راه‌حل دیگری والدین می‌توانند تصویری از چهره زیبا و بی‌آرایش کودکان را در بهترین جای ممکن، که در دسترس و دید همگان است، قرار دهند و با کلمات محبت‌آمیز و توصیفی به‌صورت غیرمستقیم چهره او را تحسین کنند و بر عزت نفسش بیفزایند.

والدین باید بدانند که صرفاً لوازم خودآرایی در چند قلم خلاصه نمی‌شوند و می‌توانند برای رفع نیاز او از کرم ضدآفتاب، که هم آرایشی محسوب می‌شود و هم جنبه درمانی دارد، استفاده کنند. از عطرها مخصوص کودکان بهره بگیرند و از گل سرهای رنگارنگ و زیورآلات شاد و کودکانه برای آراستن ظاهر وی استفاده



شناسایی صلاحیت‌های حرفه‌ای

مورد نیاز مدیران مراکز پیش دبستان و بررسی

وضع موجود و مطلوب - بخش دوم

چکیده

در اکثر کشورهای جهان، سرمایه‌گذاری برای تربیت نیروی انسانی از جمله مسائل مهمی است که همواره ذهن مسئولان و مدیران جوامع را به خود مشغول می‌کند. نقش نیروی انسانی در توسعه جامعه به قدری حائز اهمیت و ارزشمند است که به عقیده برخی از اقتصاددانان، منابع انسانی متخصص و ماهر، بزرگ‌ترین دارایی و سرمایه اصلی یک جامعه محسوب می‌شود. نیز امروزه آموزش و پرورش دوره پیش دبستان بیش از هر زمان دیگر از ضرورت، اهمیت و حساسیت برخوردار شده است. کار با کودکان، مربیان و والدین در سطوح مختلف پیش دبستانی (مراکز مراقبت، مهد کودک و کودکستان) به سرپرستی، نظارت و مدیریت دقیق و علمی نیاز دارد. مجهز کردن مدیران و مربیان به دانش و شیوه‌های نوین مدیریت در این سطح، در حکم نوعی سرمایه‌گذاری برای ارتباط صحیح با نیروی انسانی، کودکان و خانواده‌هاست و بهره‌گیری از اندیشه‌های علمی و کاربردی به کارایی مثبت در این سطح می‌انجامد. همان‌طور که در شماره قبل اشاره شد، نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش به سیزده مؤلفه صلاحیتی برای مدیران مراکز پیش دبستان اشاره دارد که فقط دو مورد از جداول به تفصیل ارائه شدند و در این مقاله ادامه جداول ارائه خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: صلاحیت، مدیران، مراکز پیش دبستانی

۳. مدیران آموزشی به چه صلاحیت‌هایی در بعد تکنولوژیکی نیاز دارند؟

داده‌های توصیفی مندرج در جدول شماره (۳) نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها صلاحیت‌های مورد نیاز مدیران آموزشی در بعد صلاحیت‌های تکنولوژیکی را به شرح زیر در حد «کاملاً مناسب» و «مناسب» بیان کرده‌اند:

سواد اطلاعاتی (۳۱/۲ درصد)، توانایی بازیابی و استفاده از اطلاعات (۵۵/۲

درصد)، درک فرهنگ شبکه‌ای (۵۶/۹ درصد)، درک رعایت آداب و رسوم شبکه‌ای (۵۳/۸ درصد) و توانایی کار و عمل در محیط مجازی (۴۸/۳ درصد).

۴. مدیران آموزشی به چه صلاحیت‌هایی در بعد فردی نیاز دارند؟

جدول ۳. نتایج پاسخ آزمودنی‌ها به هر یک از سؤالات پرسشنامه در بعد صلاحیت‌های تکنولوژیکی

ردیف	صلاحیت‌های تکنولوژی	کاملاً مناسب	مناسب	تا حدودی مناسب	نامناسب	کاملاً نامناسب	تعداد کل	میانگین	انحراف استاندارد
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۱	سواد اطلاعاتی	۶۵	۳۱/۲	۸۳	۳۹/۹	۴۶	۲۳/۷	۱۷	۴/۹
۲	توانایی بازیابی و استفاده از اطلاعات	۱۱۵	۵۵/۲	۷۵	۳۵/۸	۱۶	۷/۸	۳	۰/۹
۳	درک فرهنگ شبکه‌ای	۱۱۹	۵۶/۹	۷۵	۳۶/۱	۱۳	۶/۶	۱	۰/۳
۴	درک و رعایت آداب و رسوم شبکه‌ای	۱۱۲	۵۳/۸	۷۷	۳۶/۷	۲۰	۹/۵	-	-
۵	توانایی کار و عمل در محیط‌های مجازی	۱۰۱	۴۸/۳	۹۵	۴۵/۴	۱۳	۶/۴	-	-

جدول ۴. نتایج پاسخ آزمودنی‌ها به هر یک از سؤالات پرسشنامه در بعد صلاحیت‌های فردی

ردیف	صلاحیت‌های فردی	کاملاً مناسب		مناسب		تا حدودی مناسب		نامناسب		کاملاً نامناسب		تعداد کل	میانگین	انحراف استاندارد
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی			
۱	خودتنظیم‌کنندگی	۶۸	۲۳	۴۷	۲۲/۵	۱۶	۸/۱	۲	۰/۶	-	-	۲۱۰	۴/۶۰	۰/۶۲۶
۲	نظم‌پذیری فردی	۶۶/۲	۱۳۸	۵۷	۲۷/۲	۱۳	۶/۴	۱	۰/۳	-	-	۲۱۰	۴/۵۹	۰/۶۲۲
۳	نظم‌پذیری جمعی	۶۶	۳۱/۵	۶۷	۳۷	۵۵	۲۸	۳۱	۳/۲	۱	۰/۳	۲۱۰	۳/۹۶	۰/۸۶۶
۴	اعتمادبه‌نفس	۶۱/۸	۱۲۹	۶۶	۳۱/۵	۱۳	۶/۴	۱	۰/۳	-	-	۲۱۰	۴/۵۵	۰/۶۲۷
۵	استقلال و خودرهبری	۵۰/۶	۱۰۶	۸۱	۳۹	۲۱	۱۰/۱	۱	۰/۳	-	-	۲۱۰	۴/۴۰	۰/۶۷۹
۶	مسئولیت‌پذیری	۶۶/۲	۱۳۸	۵۷	۲۷/۲	۱۲	۶/۱	۲	۰/۶	-	-	۲۱۰	۴/۵۹	۰/۶۳۲
۷	خودکنترلی	۳۳/۵	۷۰	۷۸	۳۷/۶	۵۰	۲۴	۹	۴/۳	۲	۰/۶	۲۱۰	۳/۹۹	۰/۸۹۶

داده‌های مندرج در جدول شماره (۴) نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها صلاحیت‌های مورد نیاز مدیران آموزشی در بعد صلاحیت‌های فردی را به شرح زیر در حد کاملاً مناسب و مناسب بیان کرده‌اند: خودتنظیم‌کنندگی (۶۸ درصد)، نظم‌پذیری فردی (۶۶/۲ درصد)، نظم‌پذیری جمعی (۳۱/۵ درصد)، اعتمادبه‌نفس (۶۱/۸ درصد)، استقلال و خودرهبری (۵۰/۶ درصد)، مسئولیت‌پذیری (۶۶/۲ درصد)، خودکنترلی (۳۳/۵ درصد).

۵. مدیران آموزشی به چه صلاحیت‌هایی در بعد اقتصادی نیاز دارند؟

داده‌های مندرج در جدول شماره (۵) نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها صلاحیت‌های مورد نیاز مدیران آموزشی در بعد صلاحیت‌های اقتصادی را به شرح زیر در حد کاملاً مناسب و مناسب می‌دانند:

ریسک‌پذیری (۷۵/۷ درصد)، کارآفرینی (۷۶/۹ درصد)، مهارت کسب درآمد (۷۳/۱ درصد)، درک فرهنگ بهره‌وری (۷۷/۷ درصد)، صلاحیت‌های بازاریابی حرفه‌ای (۷۸ درصد)، مهارت‌های یادگیری کارآمد (۵۹/۲ درصد)، کسب هویت حرفه‌ای (۴۸/۸ درصد)، داشتن وجدان کاری (۶۵ درصد)، داشتن اخلاق کاری (۶۵ درصد).

۶. مدیران آموزشی به چه صلاحیت‌هایی در بعد معنوی، اخلاقی و مذهبی نیاز دارند؟

۷. مدیران آموزشی به چه صلاحیت‌هایی در بعد هوشی (فکری) نیاز دارند؟

داده‌های توصیفی مندرج در جدول شماره (۷) نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها صلاحیت‌های مورد نیاز مدیران آموزشی در بعد صلاحیت‌های هوشی (فکری) را به این شرح در حد کاملاً مناسب و مناسب می‌دانند: داشتن دانش، مهارت و خلاقیت (۵۸/۴ درصد)، داشتن مهارت تفکر انتقادی (۵۶/۹ درصد)، داشتن مهارت و تفکر سطح

جدول ۵. نتایج پاسخ آزمودنی‌ها به هر یک از سؤالات پرسشنامه در بعد صلاحیت‌های اقتصادی

ردیف	صلاحیت‌های اقتصادی	کاملاً مناسب		مناسب		تا حدودی مناسب		نامناسب		کاملاً نامناسب		تعداد کل	میانگین	انحراف استاندارد
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی			
۱	ریسک‌پذیری	۵۷/۷	۱۵۹	۳۸	۱۸/۵	۱۸	۵/۲	۱	۰/۶	-	-	۲۱۰	۴/۶۹	۰/۵۹۳
۲	کارآفرینی	۷۶/۹	۱۶۱	۴۱	۱۹/۷	۷	۳/۵	-	-	-	-	۲۱۰	۴/۷۳	۰/۵۱۵
۳	مهارت کسب درآمد	۷۳/۱	۱۵۳	۴۹	۲۳/۴	۶	۲/۹	۱	۰/۶	-	-	۲۱۰	۴/۶۹	۰/۵۵۴
۴	درک فرهنگ بهره‌وری	۷۷/۷	۱۶۳	۳۳	۱۵/۹	۱۲	۵/۸	۱	۰/۶	-	-	۲۱۰	۴/۷۱	۰/۵۹۸
۵	صلاحیت‌های بازاریابی حرفه‌ای	۷۸	۱۶۳	۴۱	۱۹/۹	۴	۲	-	-	-	-	۲۱۰	۴/۷۶	۰/۴۷۳
۶	دانش مهارت‌های یادگیری کارآمد	۵۹/۲	۱۲۴	۷۲	۳۴/۴	۱۲	۶/۱	۱	۰/۳	-	-	۲۱۰	۴/۵۳	۰/۶۲۴
۷	کسب هویت حرفه‌ای	۴۸/۸	۱۰۲	۷۸	۳۷/۶	۲۵	۰/۱	۱	۰/۹	۲	۰/۶	۲۱۰	۴/۳۳	۰/۷۶۷
۸	داشتن وجدان کاری	۶۵	۱۳۶	۶۱	۲۹/۲	۱۱	۵/۵	۱	۰/۳	-	-	۲۱۰	۴/۵۹	۰/۶۰۸
۹	داشتن اخلاق کاری	۶۵	۱۳۶	۵۸	۲۷/۷	۱۳	۶/۶	۱	۰/۶	-	-	۲۱۰	۴/۵۷	۰/۶۴۳

جدول ۶. نتایج پاسخ آزمودنی‌ها به هر یک از سؤالات پرسشنامه در بعد صلاحیت‌های معنوی، اخلاقی و مذهبی

ردیف	صلاحیت‌های معنوی، اخلاقی و مذهبی	کاملاً مناسب		مناسب		تا حدودی مناسب		نامناسب		کاملاً نامناسب		تعداد کل	میانگین	انحراف استاندارد
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد			
۱	حفظ ارزش‌های الهی	۱۶۸	۸۰/۳	۳۵	۱۶/۸	۵	۲/۶	۱	۰/۳	-	-	۲۱۰	۴/۷۷	۰/۴۹۶
۲	حساسیت به اخلاقیات و معنویات	۱۵۵	۷۴	۴۴	۲۱/۴	۹	۴/۳	-	-	۱	۰/۳	۲۱۰	۴/۶۹	۰/۵۸۱
۳	التزام عمل به ارزش‌ها	۱۴۶	۶۹/۷	۵۵	۲۶/۳	۷	۳/۵	۱	۰/۳	۱	۰/۳	۲۱۰	۴/۶۵	۰/۵۹۲

صلاحیت‌های مورد نیاز مدیران آموزشی در بعد صلاحیت‌های جهانی و بین‌المللی را به شرح زیر در حد کاملاً مناسب و مناسب می‌دانند:

توانایی نگرستن به مسائل در ابعاد جهانی (۳۵/۵ درصد)، آگاهی و حساسیت به مسائل جهانی (۵۱/۲ درصد)، جهانی اندیشیدن و محلی عمل کردن (۵۹/۲ درصد).

۱۱. مدیران آموزشی به چه صلاحیت‌هایی در بعد سیاسی نیاز دارند؟

داده‌های مندرج در جدول شماره (۱۱) نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها صلاحیت‌های مورد نیاز مدیران آموزشی در بعد صلاحیت‌های سیاسی را به شرح زیر در حد کاملاً مناسب و مناسب می‌دانند:

آگاهی سیاسی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی (۵۷/۵ درصد)، توانایی مشارکت در فعالیت‌های سیاسی در سطح ملی و بین‌المللی (۶۸/۵ درصد).

بالا (۵۶/۹ درصد)، توانایی استفاده از ظرفیت موجود و خلق ظرفیت‌های جدید (۶۸/۸ درصد)، توانایی تولید ایده‌های نو (۷۷/۷ درصد) و یادگیری مادام‌العمر (۷۶ درصد).

۸. مدیران آموزشی به چه صلاحیت‌هایی در بعد پژوهشی نیاز دارند؟ داده‌های توصیفی مندرج در جدول شماره (۸) نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها صلاحیت‌های مورد نیاز مدیران آموزشی در بعد صلاحیت‌های پژوهشی را به این شرح در حد کاملاً مناسب و مناسب می‌دانند: پژوهش‌مداری در برخورد با مسائل (۷۹/۲ درصد)، برخورداری از روحیه پژوهشی (۵۱/۷ درصد)، مروج فرهنگ پژوهی (۷۰/۵ درصد)، توانایی تصمیم‌گیری (۷۰/۵ درصد).

۹. مدیران آموزشی به چه صلاحیت‌هایی در بعد محیطی نیاز دارند؟ داده‌های توصیفی مندرج در جدول شماره (۹) نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها صلاحیت‌های مورد نیاز مدیران آموزشی در بعد صلاحیت‌های محیطی را به این شرح در حد کاملاً مناسب و مناسب می‌دانند: سواد محیطی (۷۳/۴ درصد)، زیباشناسی (۷۰/۲ درصد)، تعهد به تغییر سبک زندگی و عادت مصرف به منظور حفظ محیط (۵۹/۸ درصد).

۱۰. مدیران آموزشی به چه صلاحیت‌هایی در بعد جهانی و بین‌المللی نیاز دارند؟

داده‌های مندرج در جدول شماره (۱۰) نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها

جدول ۷. نتایج پاسخ آزمودنی‌ها به هر یک از سؤالات پرسشنامه در بعد صلاحیت‌های هوشی (فکری)

ردیف	صلاحیت‌های هوشی (فکری)	کاملاً مناسب		مناسب		تا حدودی مناسب		نامناسب		کاملاً نامناسب		تعداد کل	میانگین	انحراف استاندارد
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد			
۱	داشتن دانش، مهارت و خلاقیت	۱۲۲	۵۸/۴	۷۸	۳۷/۳	۹	۴/۳	-	-	-	-	۲۱۰	۴/۵۴	۰/۵۸۰
۲	داشتن مهارت تفکر انتقادی	۱۱۹	۵۶/۹	۷۲	۳۴/۴	۱۶	۷/۸	۱	۰/۹	-	-	۲۱۰	۴/۴۷	۰/۶۷۷
۳	داشتن دانش و مهارت تفکر سطح بالا	۱۱۹	۵۶/۹	۷۴	۵۳/۳	۱۵	۷/۲	۱	۰/۶	-	-	۲۱۰	۴/۴۹	۰/۶۵۶
۴	توانایی استفاده از پتانسیل‌ها و خلق و گسترش ظرفیت‌های جدید	۱۴۴	۶۸/۸	۵۵	۲۶/۳	۹	۴/۶	۱	۰/۳	-	-	۲۱۰	۴/۶۴	۰/۵۸۵
۵	توانایی تولید ایده‌های نو	۱۶۳	۷۷/۷	۴۱	۱۹/۷	۵	۲/۶	-	-	-	-	۲۱۰	۴/۷۵	۰/۴۸۹
۶	یادگیری مادام‌العمر	۱۵۹	۷۶	۴۳	۲۰/۸	۶	۲/۹	-	-	-	-	۲۱۰	۴/۷۳	۰/۵۲۵

جدول ۸. نتایج پاسخ آزمودنی‌ها به هر یک از سؤالات پرسشنامه در بعد صلاحیت‌های پژوهشی

ردیف	صلاحیت‌های پژوهشی	کاملاً مناسب	مناسب	تا حدودی مناسب	نامناسب	کاملاً نامناسب	تعداد کل	میانگین	انحراف استاندارد
		فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد			
۱	پژوهش‌مداری در برخورد با مسائل	۱۶۶	۷۹/۲	۳۳	۱۵/۹	۹	۴/۶	۱	۰/۳
۲	برخورداری از روحیه پژوهشی	۱۰۸	۵۱/۷	۸۴	۴۰/۲	۱۵	۷/۲	۱	۰/۶
۳	مروج فرهنگ پژوهی	۱۴۸	۷۰/۵	۵۴	۲۵/۷	۷	۳/۸	-	-
۴	توانایی تصمیم	۱۴۸	۷۰/۵	۵۰	۲۴/۹	۸	۴	۲	۰/۶

جدول ۹. نتایج پاسخ آزمودنی‌ها به هر یک از سؤالات پرسشنامه در بعد صلاحیت‌های محیطی

ردیف	صلاحیت‌های محیطی	کاملاً مناسب	مناسب	تا حدودی مناسب	نامناسب	کاملاً نامناسب	تعداد کل	میانگین	انحراف استاندارد
		فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد			
۱	سواد محیطی	۱۵۴	۷۳/۴	۴۴	۲۱/۴	۱۰	۵/۲	-	-
۲	زیباشناسی	۱۴۷	۷۰/۲	۵۲	۲۵/۱	۹	۴/۶	-	-
۳	تعهد تغییر سبک زندگی	۱۲۵	۵۹/۸	۶۸	۳۲/۷	۱۵	۷/۲	۱	۰/۳

جدول ۱۰. نتایج پاسخ آزمودنی‌ها به هر یک از سؤالات پرسشنامه در بعد صلاحیت‌های جهانی و بین‌المللی

ردیف	صلاحیت‌های جهانی و بین‌المللی	کاملاً مناسب	مناسب	تا حدودی مناسب	نامناسب	کاملاً نامناسب	تعداد کل	میانگین	انحراف استاندارد
		فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد			
۱	توانایی نگرستن به مسائل در ابعاد جهانی	۷۴	۳۵/۵	۸۹	۴۲/۵	۳۹	۱۸/۸	۴	۲/۳
۲	آگاهی و حساسیت به مسائل جهانی	۱۰۷	۵۱/۲	۱۰	۳۴/۱	۲۹	۱۳/۹	۱	۰/۹
۳	جهانی‌اندیشیدن و محلی عمل کردن	۱۲۴	۵۹/۲	۶۹	۳۲/۹	۱۴	۶/۹	۱	۰/۳

۱۲. مدیران آموزشی به چه صلاحیت‌هایی در بعد فرهنگی نیاز دارند؟ داده‌های مندرج در جدول شماره (۱۲) نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها صلاحیت‌های مورد نیاز مدیران آموزشی در بعد صلاحیت‌های فرهنگی را به این شرح در حد کاملاً مناسب و مناسب می‌دانند: درک فرهنگ جهانی (۵۵/۲ درصد)، تفاهم فرهنگی (۵۵/۸ درصد)، توسعه میراث فرهنگی (۶۲/۴ درصد)، پالایش فرهنگی (۵۵/۵ درصد)، انتقال میراث فرهنگی (۵۰/۳ درصد) و تحمل و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی (۶۱/۳ درصد).

سؤال دوم: وضعیت مدیران مراکز پیش دبستان با توجه به مؤلفه‌های صلاحیت‌های حرفه‌ای مورد نیاز چگونه است؟

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات در جدول شماره ۱۳ نشان داد که تفاوت بین وضع موجود و مطلوب صلاحیت‌های مدیران در تمامی مؤلفه‌های اصلی معنادار است. وضع موجود صلاحیت‌های مدیران نشان‌دهنده این مطلب است که در همه ابعاد ذکر شده صلاحیت، وضعیت ضعیفی دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مهم‌ترین صلاحیت‌های مورد نیاز مدیران آموزشی مراکز پیش دبستان،



جدول ۱۱. نتایج پاسخ آزمودنی‌ها به هر یک از سؤالات پرسشنامه در بعد صلاحیت‌های سیاسی

ردیف	صلاحیت‌های سیاسی	کاملاً مناسب		مناسب		تا حدودی مناسب		نامناسب		کاملاً نامناسب		تعداد کل	میانگین	انحراف استاندارد
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی			
۱	آگاهی سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای و جهانی	۱۷۹	۵۷/۵	۱۲۱	۳۵	۲۲	۶/۴	۴	۱/۲	-	-	۲۱۰	۴/۴۹	۰/۶۹
۲	توانایی مشارکت در فعالیت‌های سیاسی در سطح ملی و بین‌المللی	۲۳۷	۶۸/۵	۸۴	۲۴/۳	۲۳	۶/۶	۲	۰/۶	-	-	۲۱۰	۴/۶۱	۰/۶۳۸

جدول ۱۲. نتایج پاسخ آزمودنی‌ها به هر یک از سؤالات پرسشنامه در بعد صلاحیت‌های فرهنگی

ردیف	صلاحیت‌های فرهنگی	کاملاً مناسب		مناسب		تا حدودی مناسب		نامناسب		کاملاً نامناسب		تعداد کل	میانگین	انحراف استاندارد
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی			
۱	درک فرهنگ جهانی	۱۱۵	۵۵/۲	۷۵	۳۶/۱	۱۶	۸/۱	۱	۰/۶	-	-	۲۱۰	۴/۶	۰/۶۸
۲	تفاهم فرهنگی	۱۱۷	۵۵/۸	۷۲	۳۴/۷	۱۶	۸/۱	۲	۱/۲	۱	۰/۳	۲۱۰	۴/۴۵	۰/۷۱۷
۳	توسعه میراث فرهنگی	۱۳۱	۶۲/۴	۶۱	۲۹/۲	۱۵	۷/۲	۲	۱/۲	-	-	۲۱۰	۴/۵۳	۰/۶۸۱
۴	پالایش فرهنگی	۱۱۶	۵۵/۵	۷۱	۳۳/۸	۲۰	۹/۸	۱	۰/۶	۱	۰/۳	۲۱۰	۴/۴۴	۰/۷۱۶
۵	انتقال میراث فرهنگی	۱۰۵	۵۰/۳	۷۵	۳۶/۱	۲۴	۰/۸	۲	۱/۲	۲	۰/۶	۲۱۰	۴/۳۴	۰/۷۷۷
۶	تحمل و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی	۱۲۸	۶۱/۳	۶۰	۲۸/۶	۱۹	۹/۲	۲	۰/۹	-	-	۲۱۰	۴/۵۰	۰/۶۹۹

صلاحیت‌های فرهنگی. مقایسه نتایج فوق با نتایج پژوهش‌های انجام شده از جمله تحقیقات مؤسسه انستیتو شایستگی (۲۰۰۵)، رامسدان (۲۰۰۱)، لبادی (۲۰۰۶)، غفاریان (۱۹۹۹)، سعید خواجه‌ای (۲۰۰۱)، استانداردهای مهارتی و آموزشی مدیران پیش‌دبستانی (۲۰۱۳)، لافرنی (۲۰۰۶)، مؤسسه ارتقاء رشد حرفه‌ای در سال‌های اولیه کودکی (۱۹۵۹)، مؤسسه صلاحیت‌های کلیدی مدیران سال‌های اولیه کودکی تگزاس (۲۰۱۳)، مؤسسه صلاحیت‌های کلیدی مدیران آموزش فلوریدا (۲۰۱۱)، صلاحیت‌های کلیدی متخصصان حرفه‌ای سال‌های اولیه کودکی کانزاس و میسوری (۲۰۰۱)، مرکز توصیف شغل مدیران آموزشی سال‌های اولیه کودکی (۲۰۱۵)، مؤسسه دانشگاهی دلور (۲۰۰۴)، مرکز مطالعه استخدام و نگهداری کودک برکلی (۲۰۰۸)، دپارتمان نگهداری و آموزش سال‌های اولیه کودکی ماساچوست (۲۰۱۰)، حوزه دانش و صلاحیت‌های کلیدی نوادا (۲۰۰۷)، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور و وزارت کار و امور اجتماعی (۱۳۸۱)، سازمان بهزیستی کشور (۲۰۱۱)، علیزاده تبریزی (۲۰۰۹)، سلحشور (۲۰۰۹)، نجف‌زاده (۲۰۰۹)،



عبارت‌اند از: صلاحیت‌های مدیریتی و رهبری، صلاحیت‌های اجتماعی، صلاحیت‌های تکنولوژیک، صلاحیت‌های فردی، صلاحیت‌های اقتصادی (شغلی و کاری)، صلاحیت‌های معنوی، اخلاقی و مذهبی، صلاحیت‌های هوشی (فکری)، صلاحیت‌های پژوهشی، صلاحیت‌های محیطی، صلاحیت‌های جهانی و بین‌المللی (اندیشیدن و عمل کردن)، صلاحیت‌های سیاسی،

جدول ۱۳. مقایسه وضع موجود و مطلوب صلاحیت‌های حرفه‌ای مورد نیاز مدیران مراکز پیش‌دبستان

مؤلفه	وضعیت	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	انحراف معیار	df	t
۱. صلاحیت‌های مدیریتی و رهبری	موجود	۳/۰۴۵	۰/۶۰۴	۱/۴۴۷	۰/۶۷۲	۲۰۵	۴۱/۴۹۸
	مطلوب	۴/۵۰۲	۰/۳۵۵				
۲. صلاحیت‌های اجتماعی	موجود	۳/۰۷۴	۰/۷۳۱	۱/۴۶۶	۰/۷۸۱	۲۰۴	۳۵/۶۸
	مطلوب	۴/۵۳۸	۰/۳۶۴				
۳. صلاحیت‌های تکنولوژی	موجود	۲/۷۳۵	۰/۶۷۳	۱/۷۳۹	۰/۷۲۵	۲۰۵	۴۵/۲۵
	مطلوب	۴/۵۱۵	۰/۳۸۹				
۴. صلاحیت‌های فردی	موجود	۳/۰۴۶	۰/۷۱۱	۱/۵۱۳	۰/۸۰۳	۲۰۴	۳۷/۲۱
	مطلوب	۴/۵۵۹	۰/۳۷۳				
۵. صلاحیت‌های اقتصادی	موجود	۳/۱۱۰	۰/۸۴۶	۱/۳۳۵	۰/۹۱۶	۲۰۳	۲۸/۸۶
	مطلوب	۴/۴۴۶	۰/۵۱۷				
۶. صلاحیت‌های معنوی، اخلاقی و مذهبی	موجود	۲/۳۸۵	۰/۸۴۰	۲/۱۵۳	۱/۰۳۱	۲۰۶	۴۱/۶۵
	مطلوب	۴/۵۳۹	۰/۴۷۶				
۷. صلاحیت‌های فکری	موجود	۲/۸۳۶	۰/۷۸۳	۱/۵۰۶	۰/۹۰۳	۲۰۲	۳۳/۳۴
	مطلوب	۴/۳۴۲	۰/۵۶۳				
۸. صلاحیت‌های پژوهشی	موجود	۳/۱۱۰	۰/۸۴۶	۱/۵۲۳	۰/۹۱۵	۲۰۷	۲۸/۸۶
	مطلوب	۴/۴۴۶	۰/۵۱۷				
۹. صلاحیت‌های محیطی	موجود	۲/۳۸۵	۰/۸۴۰	۲/۱۵۲	۱/۰۳۲	۲۰۸	۴۱/۶۵
	مطلوب	۴/۵۳۹	۰/۴۷۶				
۱۰. صلاحیت‌های جهانی و بین‌المللی	موجود	۳/۳۲۲	۰/۷۲۳	۱/۳۱۱	۰/۷۸۷	۲۰۷	۳۲/۷۳
	مطلوب	۴/۶۳۵	۰/۳۸۲				
۱۱. صلاحیت‌های سیاسی	موجود	۲/۸۳۶	۰/۷۸۳	۱/۵۰۵	۰/۹۰۲	۲۰۸	۳۳/۳۴
	مطلوب	۴/۵۳۹	۰/۴۷۶				
۱۲. صلاحیت‌های فرهنگی	موجود	۳/۱۱۰	۰/۸۴۶	۱/۳۳۴	۰/۹۱۵	۲۰۲	۲۸/۸۶
	مطلوب	۴/۴۴۶	۰/۵۱۷				

جدی در بخش بهسازی منابع انسانی این حوزه صورت پذیرد؛ زیرا به دلیل عدم تدوین صلاحیت‌های حرفه‌ای بومی و دسته‌بندی کردن آن در نهادهای مرتبط در نظام، مشکلاتی در زمینه انتخاب مدیران این مراکز آموزشی و تبعات این انتخاب نادرست، به وجود آمده است. امکان نظام‌مند نمودن ارتقاء کیفیت انتخاب و انتصاب مدیران مراکز پیش از دبستان، برنامه‌ریزی برای ارزشیابی دقیق و صحیح عملکرد مدیران، متناسب با شایستگی‌های مورد نظر و ایجاد رضایت بیشتر در بین کارکنان و در نتیجه، ارتقاء کیفیت مدیریت و رهبری در افزایش کارایی و اثربخشی مراکز پیش از دبستان را فراهم می‌نماید. کلید حل مسائل، مربوط به گستره آموزش و پرورش و به ویژه بالا بردن سطح کیفیت آن است. لذا صلاحیت‌های مدیران مراکز پیش از دبستان در این کیفی‌سازی و بالاخص در آغاز تربیت نسل افراد جامعه، یعنی کودکان، اهمیت بالایی دارد و در حقیقت، آغاز آن منابع انسانی است. به دلیل کمبود این نوع پژوهش‌ها موجبات توسعه دانش نظری در حوزه نظام‌های مدیریت منابع انسانی مبتنی بر شایستگی، متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم بر کشور در حوزه آموزش و پرورش پیش‌دبستانی فراهم شود. لذا برنامه‌ریزی در جهت ایجاد و توسعه این صلاحیت‌ها در کلیه مدیران آموزشی به دست‌اندرکاران نظام آموزشی توصیه می‌گردد.

منابع در دفتر مجله موجود می‌باشد.

مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران (۲۰۱۵)، سهندی طرق (۲۰۰۹)، فکرآزاد (۲۰۰۷)، جهانگشای آباچلو (۲۰۱۲)، سرونندی (۲۰۱۱)، سعید خواجه‌ای (۲۰۰۱)، امیرحسین محمودی (۲۰۰۱)، علیرضا رفیعی (۲۰۱۴)، فرزانه و همکاران (۲۰۱۵)، و الهام آقاعلی‌خانی (۲۰۱۱) همخوانی دارد. بنابراین، نتایج به دست آمده درباره صلاحیت‌های مورد نیاز مدیران آموزش مراکز پیش‌دبستان در پژوهش حاضر از اعتبار زیادی برخوردار است. در تحلیل قسمت دوم پژوهش می‌توان گفت که فاصله بین وضعیت مطلوب و موجود، به دلیل نپرداختن هدفمند و منسجم به موضوعات و مسائل پیش‌دبستان، به‌خصوص در حوزه مدیریت آموزشی این مراکز، در کشور قدمت زیادی ندارد. شناخت صلاحیت‌های حرفه‌ای این افراد چشم‌انداز مناسب و قابل اعتمادی به دست خواهد داد تا براساس آن، اصلاحات

اجزاء مقاله علمی

۱

عنوان مقاله باید روشن، گویا و تا حد ممکن مختصر و مفید باشد. با توجه به مسئله جست‌وجوی مخاطبان در بانک‌های اطلاعاتی، لازم است در انتخاب کلماتی که در عنوان مقاله به کار می‌برید، دقت کنید و کلمه‌هایی را برگزینید که به بازیابی مؤثر مقاله شما کمک می‌کنند. به این ترتیب، بهتر است کلمه‌ها و عبارت‌هایی چون «مقدمه‌ای بر...»، «بررسی و تحلیل...»، «نگاهی تحلیلی به...» را که هیچ‌گاه به عنوان کلیدواژه برای بازیابی مقاله برگزیده نمی‌شوند، نقش مطلوبی در بازیابی مؤثر مقاله شما ندارند و فقط عنوان را طولانی می‌کنند، حذف کنید. وجود این گونه کلمات و عبارت‌های کلیشه‌ای باعث ابهام در عنوان می‌شود و ناگفته پیداست که چون عنوان ویتترین مقاله شماست، این امر می‌تواند ارزش‌های نهفته آن بکاهد و خواننده را از خواندن مقاله منصرف کند. علاوه بر این، آوردن کلمه‌های مترادف در عنوان ضرورت و لطفی ندارد. در انتخاب و تنظیم عنوان مقاله به موارد زیر توجه کنید.

- در عین سادگی و وضوح، با متن مقاله رابطه تنگاتنگ منطقی داشته باشد.
- دربرگیرنده کلیدواژه‌های مقاله (یا بعضی از آن‌ها) باشد.

مقاله و مقاله نویسی (۲)

مقاله‌های علمی را براساس داده‌های آن به انواعی چون پژوهشی، مروری، تحلیلی و انتقادی، گردآوری و آموزشی تقسیم می‌کنند. مقاله پژوهشی و مقاله تحلیلی مهم‌ترین گونه‌های مقاله علمی هستند. نویسنده مقاله پژوهشی یافته‌های تازه یا گزارش نهایی طرح‌های تحقیقی خود را در قالب این گونه مقالات در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد. در مقاله تحلیلی یا نظری، نویسنده با استفاده از منابع تحقیقی نظر خاصی را در حوزه مورد مطالعه‌اش مطرح می‌کند. او ضمن بررسی نظریه‌های پیشین می‌کوشد آن‌ها را با شواهدی پشتیبانی کند یا مورد تردید قرار دهد یا با نگرش انتقادی به بحث درباره این نظریه‌ها بپردازد.

مقاله‌های علمی شامل عنوان، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بدنه (متن)، نتیجه‌گیری، پی‌نوشت و منابع هستند. در ادامه، این بخش‌ها را معرفی و بررسی می‌کنیم. در این بررسی عموم مقالات و به‌طور خاص مقالات مورد پذیرش مجلات رشد را در نظر داشته‌ایم.



- عنوان اصلی و عنوان‌های فرعی رابطه منطقی داشته باشند.

- کلمه‌های حساسیت‌برانگیز و تعصب‌آلود در آن به کار نرود.

- از نظر واج‌آرایی و ترکیب حروف، زیبا باشد و به راحتی خوانده شود.

- تکراری و کلیشه‌ای نباشد.

- تا حد ممکن به علائم سجاوندی (نشانه‌گذاری) کمتر نیاز داشته باشد.

ناگفته پیداست که نوآوری و خلاقیت در عنوان، باعث جلب نظر خواننده و تمایل او به مطالعه متن مقاله می‌شود.

۲

نام و نشانی پدیدآورنده یا پدیدآورندگان

که در صفحه نخست مقاله درج می‌شود. در صورتی که مقاله بیش از یک نویسنده دارد، ترتیب نام نویسندگان معمولاً براساس میزان مشارکت آن‌ها در مقاله می‌آید.

توجه داشته باشید که ضرورتی ندارد همه عنوان‌های نویسنده هنگام معرفی او در مقاله بیاید. برای مثال، در مقاله‌ای نویسنده این‌گونه معرفی شده است: کارشناس ارشد و دانشجوی دکتری رشته...، مدیر مؤسسه... و استاد دانشگاه... ذکر مدرک تحصیلی فعلی یا دوره تحصیلی که هم‌اکنون می‌گذرانید یا موقعیت حرفه‌ای فعلی شما برای درج در مقاله کافی است. دادن نشانی و از جمله نشانی پست الکترونیکی ضرورت دارد.

۳

چکیده حاوی تصویری کلی از محتوای مقاله است و در آن درباره اهمیت موضوع مورد مطالعه و هدف اصلی آن، روش‌های انجام مطالعه، یافته‌های اصلی و سرانجام تفسیر و نتیجه‌گیری نهایی این یافته‌ها سخن گفته می‌شود. حجم چکیده متناسب با حجم مقاله متفاوت است و برای مقاله‌های بلند آن را در حدود ۲۵۰ کلمه گفته‌اند. یادتان باشد که لازم است مهم‌ترین مسائل مطرح شده در متن مقاله را در این قسمت بگنجانید؛ به طوری که حتی اگر خواننده به متن مقاله دسترسی ندارد، با مطالعه چکیده آن بتواند متوجه موضوع مقاله شود و برای خواندن آن

انگیزه پیدا کند. چکیده باید رسا، بدون ابهام، مبتنی بر منطق و دارای ساختار یکپارچه و هماهنگ با متن باشد.

- چکیده را با استفاده از افعال مجهول بنویسید.

مثال: (جمله‌ای از یک چکیده): من این تحقیق را برای دستیابی به میزان افت تحصیلی در میان کودکان بدسرپرست انجام داده‌ام.

صورت درست همان جمله: این تحقیق برای دستیابی به میزان افت تحصیلی در میان کودکان بدسرپرست انجام گرفته است.

- در چکیده ارجاع، نقل قول، شکل و نمودار به کار نبرید.

- با توجه به اینکه تعداد خوانندگان چکیده معمولاً بیش از خوانندگان اصل مقاله است، آن را ساده‌تر از متن مقاله بنویسید.

- در چکیده از کلیدواژه‌های مقاله استفاده کنید (اما نه به افراط!)

- چون چکیده خلاصه و حاصل مقاله شماسست، آن را در آخرین مرحله نگارش مقاله‌تان بنویسید و در اولین بخش مقاله قرار دهید.

- هنگام نوشتن چکیده از درازه‌گویی و نیز ایجازی که به محتوا و مفهوم و پیام مقاله لطمه بزند، خودداری کنید.

۴

کلیدواژه‌ها که باعث افزایش دسترسی به مقاله می‌شوند، سه تا ده واژه یا عبارت کوتاه و مهمی هستند که بیشترین رابطه معنایی را با موضوع اصلی مقاله دارند. به یاد داشته باشید که با انتخاب کلیدواژه‌های مناسب احتمال جست‌وجوی موفق از طریق اینترنت و دسترسی پژوهشگران دیگر را به مقاله خود افزایش می‌دهید و به این ترتیب، افراد بیشتری به مقاله شما استناد می‌کنند. در گزینش کلیدواژه‌ها به وجود ارتباط منطقی میان آن‌ها و موضوع مورد مطالعه، عنوان و متن مقاله توجه داشته باشید.

در این زمینه بیان یک تجربه خالی از لطف نیست. در یکی از مقاله‌هایی که برای ویرایش به دستم رسیده بود، کلیدواژه‌ها عبارت بودند از: «روابط ایران و هند، اسلام در هند، فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی، عزاداری عاشورا، تاریخ جنوب شرق آسیا» و در کمال حیرت، عنوان مقاله این بود: «اختلاف دینی و زوال دولت ساسانی»! نسخه‌ای از مقاله یاد شده را به‌عنوان نمونه در خور توجهی از فقدان تناسب میان کلیدواژه‌ها و موضوع و عنوان مقاله نزد خود نگه داشته‌ام.

۵

مقدمه نخستین بخش مقاله و از بخش‌های مهم آن است. هدف اصلی این بخش بیان ضرورتی است که پژوهش براساس آن انجام گرفته است. مقدمه ذهن خوانندگان مقاله را برای ورود به بحث اصلی آماده می‌کند و بر تصمیم‌گیری آن‌ها برای مطالعه مقاله یا انصراف از آن تأثیر می‌گذارد.

شما در مقدمه به این نکته می‌پردازید که چرا مطالعه را انجام داده‌اید و انگیزه‌تان برای این کار چه بوده است. دیدگاه شما درباره موضوع مورد مطالعه و اهمیت آن، مروری کوتاه بر پیشینه مطالعه و متون علمی موجود درباره آن، تعاریف، بیان منطق انجام پژوهش و هدف مطالعه از جمله موضوعاتی هستند که در مقدمه باید به آن‌ها بپردازید. درواقع، شما به‌عنوان نویسنده در مقدمه روشن می‌کنید که مطالعه‌تان چه چیزی به مطالعات پیشین می‌افزاید. روند ارائه مطلب در مقدمه از عام به خاص است؛ یعنی ابتدا مطالب عمومی و بسترساز موضوع مقاله را می‌آورید و سرانجام، موضوع خاص مورد مطالعه را مطرح می‌کنید.

- حجم مقدمه متناسب با کل مقاله است و می‌تواند تا $\frac{1}{6}$ حجم مقاله را شامل شود.

- هنگام بیان پیشینه و موضوع مطالعات قبلی از طرح انتقادهای شدید یا حمله به نویسندگان و پژوهشگران دیگر و نیز به کار بردن کلمات نامناسب و توهین آمیز بپرهیزید.

- مقدمه را کوتاه اما جامع و منسجم بنویسید.

- در مقدمه به کلیدواژه‌ها و استفاده از آن‌ها توجه داشته باشید اما از تکرار زیادشان بپرهیزید.

- به نتایج حاصل از مطالعه خود اشاره نکنید.

- در مقدمه به روان بودن مطلب و تناسب آن با ذهن مخاطب توجه داشته باشید.

۶

متن یا بدنه بخش اصلی مقاله است. در مقاله‌های بلند گاه متن شامل چند فصل است که هر یک عنوانی مستقل دارد اما در مقالات کوتاه، که گاه حتی مقدمه هم ندارند، متن مشتمل بر چند بند (پاراگراف) است و در سراسر آن تعداد اندکی عنوان فرعی مشاهده می‌شود.

در مقالات علمی - پژوهشی مواد و روش‌ها (شامل طرح مطالعه، زمان و مکان تحقیق، جمعیت مورد مطالعه، متغیرها و نوع مداخله، شیوه جمع‌آوری داده‌ها، پیگیری و ارزیابی نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها)، یافته‌ها (شامل یافته‌های اصلی و یافته‌های دیگر) و بحث، از اجزاء اصلی متن هستند.

درواقع، ما در مقدمه مشخص می‌کنیم که می‌خواهیم به چه پرسش‌هایی پاسخ دهیم. در بخش روش‌ها نحوه رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها را مشخص می‌کنیم. در بخش یافته‌ها برای پرسش‌های پژوهشی و هدف‌هایی که در مقدمه

مطرح شده‌اند، پاسخ فراهم می‌آوریم و در بخش بحث اهمیت یافته‌ها را برای مخاطبان روشن می‌کنیم و با تشریح و تفسیر نتایج به دست آمده در تحقیقات گذشته، ارتباطی واضح بین پژوهش خود و مطالعات قبلی که در زمینه مورد نظر انجام شده‌اند، برقرار می‌کنیم. سپس با ذکر نتایج حاصل از مطالعات دیگران، به تدریج بستر لازم را برای نتایج حاصل از پژوهش خود فراهم می‌آوریم. ذکر مزیت‌های پژوهش از تأثیرگذارترین بخش‌های بحث است که آن را در پایان بخش بحث به‌عنوان نتیجه‌گیری مطرح می‌کنیم.

۷

نتیجه‌گیری، متناسب با حجم مقاله، شامل یک یا دو بند است. در این بخش، نویسنده ضمن رعایت مبانی استدلال علمی به پرسش‌های پژوهش پاسخ می‌دهد و برداشت نهایی خود را مطرح می‌کند. هنگام نوشتن بخش نتیجه‌گیری، لازم است بین بحث و نتیجه‌گیری نهایی و یافته‌های پژوهش، پیوند روشنی برقرار کنید. این بخش باید به گونه‌ای مؤثر، از تحقق اهداف پژوهش خبر دهد. مقاله علمی معمولاً با ارائه پیشنهادهایی برای پژوهش‌های بعدی به پایان می‌رسد. درواقع، مقاله شما باید راه‌گشای سایر پژوهشگران در حوزه موضوعی مورد مطالعه‌تان باشد و شما باید دریچه‌ای تازه به روی علاقه‌مندان این حوزه باز کنید. به یاد داشته باشید که لازم است نتیجه‌گیری در محدوده یافته‌های شما باشد. در عین حال، نتایج پیش‌بینی نشده و دور از انتظار را مخفی نکنید. از نتیجه‌گیری‌های غیرواقعی، غیرمرتبط و بی‌منطق نیز بپرهیزید.

۸

پی‌نوشت شامل توضیحاتی است که گاه نویسنده مقاله لازم می‌داند برای روشن شدن مطلبی که در متن آورده است، بیان کند اما این توضیحات ممکن است رشته سخن را بگسلد و ذهن مخاطب را از توجه به مطلب اصلی بازدارد. در این گونه موارد، نویسنده با گذاشتن عدد توک در بالای مطلب یاد شده، توضیحات مربوط را به انتهای مقاله، بخش پی‌نوشت، منتقل می‌کند. مطالبی از این گونه



به پی‌نوشت منتقل می‌شوند:
 - مطالب حاشیه‌ای یا توضیحات فرعی که فقط عده‌ای از خوانندگان به آن‌ها علاقه‌مندند.
 - ضبط لاتین اسم‌ها یا کلمه‌های بیگانه.
 - عنوان اصلی آثاری که ترجمه آن‌ها در متن آمده است.
 - مشخصات کتاب یا مأخذی که مطلبی از آن نقل شده است.

باید بدانیم، عین عدد توک که در متن آمده است، در پی‌نوشت هم می‌آید و توضیح لازم در مقابل آن داده می‌شود. اگر پی‌نوشت در قالب جمله باشد، نشانه‌های سجاوندی لازم از جمله نقطه در مورد آن رعایت می‌شود اما اگر قالب عبارت یا کلمه داشته باشد، به نقطه پایانی نیازی ندارد.

۹

منابع در انتهای مقاله و پس از پی‌نوشت می‌آید و دربردارنده نام و نشان تمامی منابعی است که در متن مقاله به هر ترتیبی از آن‌ها استفاده کرده‌ایم. منابع مورد استفاده در مقاله شامل انواع کتاب، مجله و سایر نشریات و نیز منابع اینترنتی و مجازی است.
 در تنظیم منابع یا فهرست کتاب‌شناسی مقاله، نخست نام پدیدآورنده یا پدیدآورندگان هر منبع (مؤلف/ نویسنده) به صورت نام بزرگ و سپس نام کوچک، سال نشر اثر (در پرانتز)، شماره جلد، نام مترجم یا مصحح (به شکل معمول)، نوبت چاپ، شهر محل چاپ و نشر، و نام ناشر درج می‌شود. ترتیب چینش منابع نیز به صورت الفبایی و براساس حرف اول نام خانوادگی نویسنده/ مؤلف است.
 کتاب:

اکبرزاده، نسرین. (۱۳۷۸). گذر از نوجوانی به پیری. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
 کول، وینتا. (۱۳۸۹). برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان. مترجم: فرخنده مفیدی. تهران: انتشارات سمت.
 مقاله:

داوری، رحیم. (۱۳۸۶). رابطه خلاقیت و هوش هیجانی با سبک کنار آمدن با استرس. فصلنامه اندیشه و رفتار. دوره دوم. شماره ۶.
 منابعی که بیش از یک نویسنده (تا سه نویسنده) دارند، به این ترتیب معرفی می‌شوند:

آلن، آیلین؛ هارت، بتی. (۱۳۷۱). آموزش و پرورش در کودکان. مترجم: محمدحسین نظری‌نژاد. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
 در صورتی که تعداد نویسندگان اثر بیش از سه نفر باشد، فقط نام نویسنده اول به طور کامل می‌آید و نویسندگان دیگر با عبارت «و دیگران» معرفی می‌شوند:
 سیف، سوسن و دیگران. (۱۳۸۱). روان‌شناسی رشد. قم: چاپ مهر.
 توجه: نام و مشخصات همه آثاری که در متن به طور مستقیم یا غیرمستقیم به آن‌ها ارجاع داده شده است، در بخش منابع حتماً درج می‌شود.

ارجاعات

در کتاب‌ها و مقالات علمی و پژوهشی، نویسنده اغلب از گفته‌ها و نوشته‌های افراد معتبر برای اعتبار بخشیدن به ادعاهای خویش یا تأکید بر مطالب خود استفاده می‌کند. در این گونه موارد، او گاه عین مطلبی را از یک کتاب یا مقاله نقل می‌کند یا منبعی را که در تدوین بخشی از اثر خود (در اینجا مقاله) به طور مستقیم از آن استفاده کرده است، نام می‌برد.

در صورتی که نویسنده مطلبی را به طور مستقیم از منبعی دیگر در مقاله خود آورده باشد، نخست باید کل مطلب نقل شده را درون گیومه قرار دهد؛ یعنی مثلاً اگر یک بند (پاراگراف) را از اثری دیگر آورده است، در ابتدا و انتهای آن علامت گیومه («در ابتدای بند و» در انتهای بند) می‌گذارد. در انتهای بند نقل شده و پس از علامت گیومه نیز مشخصات منبع مورد ارجاع را به این ترتیب ذکر می‌کند:

(نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار کتاب: شماره صفحه) ← (پیازه، ۱۳۸۹: ۲۴)

این مشخصات ارجاعی منبع مورد استفاده است که مشخصات کامل آن در بخش **منابع** در انتهای مقاله این گونه می‌آید:
 پیازه، ژان. (۱۳۸۹). روان‌شناسی کودک. مترجم: زینت توفیق. تهران: دانشگاه پیام نور.

در صورتی که مطلب مورد ارجاع به طور مستقیم نقل نشده باشد و نویسنده مقاله از مضمون آن (به طور غیرمستقیم) در مقاله خویش استفاده کرده باشد، در پایان مطلب مورد استفاده، فقط نام خانوادگی نویسنده و سال انتشار اثر مورد استفاده را می‌آورد:
 (پیاژه، ۱۳۸۹).

در مواردی که کتاب مورد استفاده مشهورتر از مؤلف باشد، می‌توان نام کتاب را به جای مؤلف آورد:
 (روان‌شناسی کودک، ۱۳۸۹).

در صورت ارجاع به آیه قرآنی نشانی آن به این صورت می‌آید:
 (آل عمران ۳: ۱۷)

نام سوره شماره سوره شماره آیه
 در صورت ارجاع به حدیث، مرجع نقل حدیث این گونه مشخص می‌شود:
 (طوسی، باب ۲: ۱۶، ش ۱۹)
 نام خانوادگی نویسنده شماره صفحه

منابع

۱. حبیبی، غلامرضا و دیگران. (۱۳۸۶). مبانی نگارش علمی. چاپ اول. انتشارات مرز فکر.
۲. حزی، عباس. (۱۳۷۸). آیین نگارش علمی. تهران: دبیرخانه هیئت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور.
۳. سمیعی گیلانی، احمد. (۱۳۸۹). نگارش و ویرایش. چاپ یازدهم. تهران: سمت.
۴. منصوریان، یزدان. (۱۳۸۹). آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی. تهران: سخن.

می‌کنند که به نظر می‌رسد اغلب به طبقه متوسط شهرنشین تعلق دارند. در ابتدا عکس‌هایی از کودک در موقعیت‌های عادی روزمره منتشر می‌شود. به تدریج با رشد تشویق‌های دیگران و به‌ویژه افزایش تعداد دنبال‌کنندگان (فالوورها)، هم عکس‌ها حرفه‌ای‌تر می‌شود و هم کودک در موقعیت‌ها و وضعیت‌های کاملاً دست‌کاری‌شده به تصویر کشیده می‌شود. در نهایت و در مرحله آخر نیز همه عکس‌ها با تجهیزات کامل عکاسی و به شکل آنلاینی گرفته می‌شوند. همچنین، عکس‌ها پس از تأیید مشاور فنی در صفحه کودک قرار می‌گیرند.

از میان دلایل مختلف، یکی از دلایل رشد ستاره‌های خردسال، امیدواری والدین به کسب درآمد از طریق کودکان است. با رشد ستاره‌های خردسال، به تدریج فعالان عرصه تبلیغات تجاری اصطلاح خردسالان متنفس (child influencer) را به کار بردند و این باور شکل گرفت که برای تشویق مردم به خرید، بهتر است محصولات خاص کودکان، توسط همین خردسالان متنفس تبلیغ شود. نتیجه آنکه شرکت‌های تبلیغاتی با والدین ستاره‌های خردسال وارد مذاکره شدند و مبالغی را برای تبلیغ محصولات خود در صفحه اینستاگرام به والدین پیشنهاد کردند. در آغاز، این محصولات در پست‌های مستقل و به شکل آگهی تبلیغاتی مستقل در صفحه این کودکان قرار می‌گرفت ولی به تدریج، این پیشنهاد مطرح شد که اگر کودکان متنفس از این محصولات استفاده کنند، اثر بیشتری در فروش کالاها دارد. در نتیجه، تبلیغات هم حرفه‌ای‌تر شد و محصولات در همان موقعیت‌هایی قرار داده شد که کودکان در آن زندگی می‌کردند؛ مثلاً در حمام، اتاق خواب یا محوطه بازی.

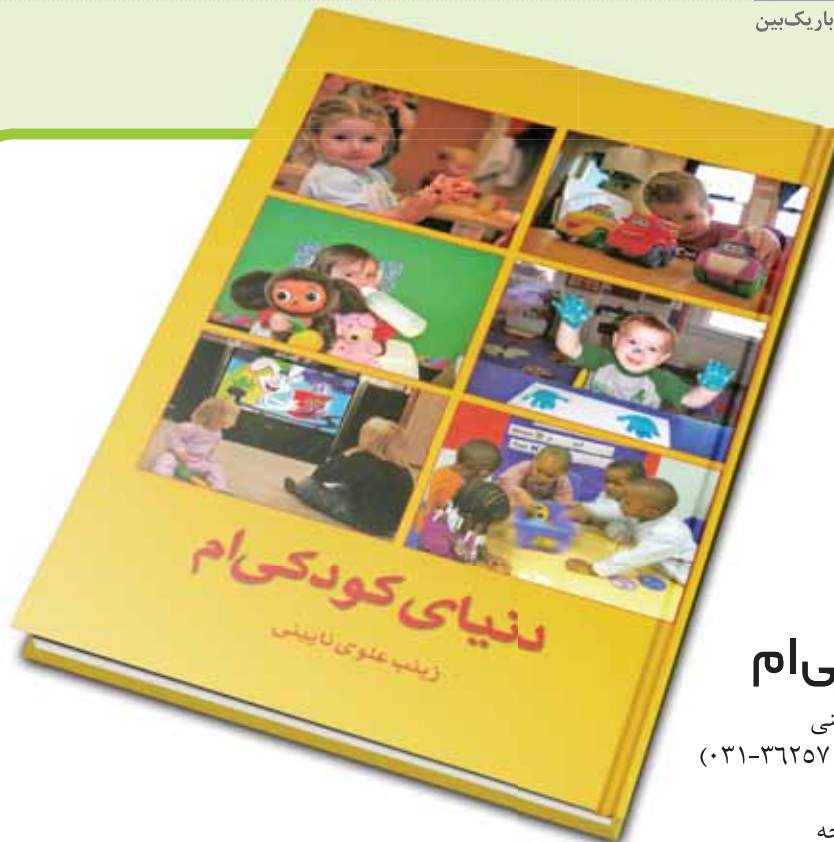
زندگی برخی از ستاره‌های خردسال به دلیل حرص و ولع والدین و فشار بی‌اساس آنان برای مشهور کردن فرزندشان، دچار اختلال جدی شده است. برخی از فعالان اجتماعی معتقدند که این کودکان هم باید کودکان کار تلقی شوند و تفاوت آن‌ها فقط در این است که فضای کار این کودکان شیک و تمیز است. مسئله این است که این کودکان هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند و توان تصمیم‌گیری درباره زندگی خود را ندارند و با وجود این، والدینشان از طریق آنان درآمد کسب می‌کنند. مسئله دیگر این است که حریم خصوصی این کودکان بدون آنکه خود بخواهند، پیشاپیش برای تمام دنیا فاش می‌شود و این امر ممکن است در آینده برای آنان دردسرهایی ایجاد کند. مخاطب من در این نوشته والدینی هستند که با هدف تبدیل فرزندانشان به «ستاره‌های خردسال»، چهره کردن آنان و به دست آوردن شمار بیشتری از دنبال‌کنندگان، عکس آنان را در صفحه اینستاگرام منتشر می‌کنند.

به فکر آینده من هم باش

در مطالعات شبکه‌های اجتماعی مجازی چندین اصطلاح شکل گرفته است که تأمل درباره آن‌ها می‌تواند مفید باشد. به‌ویژه اینکه این شبکه‌ها هر روز بیش از پیش در کشور ما گسترش می‌یابند. یکی از این اصطلاحات «ستاره‌های خردسال» (child stars) است. ستاره‌های خردسال، اغلب کودکان ۵ - ۴ ساله‌ای هستند که دنبال‌کنندگان یا فالوورهای چندصد هزار نفری یا چندمیلیونی دارند و در فضای اینستاگرام به چهره‌هایی مشهور تبدیل شده‌اند. همه کارهای صفحات این ستاره‌های خردسال را در شبکه‌های اجتماعی معمولاً والدینشان انجام می‌دهند و مدیریت می‌کنند. به همین دلیل در برخی از مطالعات، اصطلاحات «مادر - مدیر» (momagers) یا «پدر - مدیر» (dadagers) به کار می‌رود که ترکیب کلمات «مادر» (mom) و «پدر» (dad) با کلمه مدیر (manager) هستند.

در شبکه‌های اجتماعی فارسی‌زبان به تدریج شاهد رشد ستاره‌های خردسال هستیم. صفحه این کودکان را عمدتاً مادران جوانشان مدیریت





دنیای کودکی‌ام

نویسنده: زینب علوی نایینی

انتشارات: نقش مانا (۹۹۰۹۹۰۳۶۲۵۷-۰۳۱)

چاپ: ۱۳۹۳

تعداد صفحه: ۱۰۰۰ صفحه

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

دکتر فرخنده مفیدی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی، است که ایشان در آن حق مطلب را ادا کرده است. گزیده‌ای از معرفی ایشان در پشت جلد کتاب نیز آمده و زینت‌بخش آن است.

این استاد رشته پیش‌دبستان چنین اظهار داشته‌اند که «نوشتۀ حاضر تلاش مادری فداکار، با انگیزه و مشتاق و علاقه‌مند به تربیت کودک خود می‌باشد. خاطرات و گفته‌های دختر کوچکی که با مادر و به همراه او یاد می‌گیرد و حس می‌کند و تجربه می‌آموزد، نشان‌دهندۀ نوعی احساس ارزشمندی و قدردانی نسبت به مادر خوب و شایسته‌اش می‌باشد. پا به پای کودک به همراه دختر لذت ناشی از جریان تدریجی، پیوسته و زیبای گواهی دادن بر رشد او در این نوشته‌ها بسیار بارز است».

مطالعه این کتاب را به مادران و مربیان و دانشجویان رشته پیش‌دبستان بسیار پیشنهاد می‌کنم؛ چون چند اصل اساسی همچون صمیمیت، اشتیاق و انگیزه، مهر و علاقه، تشویق و هدایت، پشتکار و یادگیری و تجربه کردن را در نوع تربیت ایشان با کودکشان احساس خواهیم کرد.

در پایان کتاب نیز فهرستی مشتمل بر نام و مشخصات ۲۳ کتاب آمده است که می‌تواند مورد استفاده خوانندگان قرار بگیرد.

در این کتاب که مشتمل بر سیزده قسمت کوتاه است، درباره‌ی اتاق و اسباب‌بازی، مراقبت و نظافت، غذا دادن، حرف زدن، برنامه‌ریزی، ورزش، کتاب‌خوانی، گردش و تفریح، نقاشی، بازی، ناخوشی، وابستگی کودکان و دلبستگی‌های ما و پیش‌دبستانی مطالبی از زبان مادری علاقه‌مند نقل شده است.

از ویژگی‌های این کتاب، انگیزه بسیار قوی نگارنده به نوشتن درباره‌ی فرزند دلبندش است. در صفحه ۹ کتاب آمده است: «محرک من برای نوشتن این مجموعه، سختی‌ها و رنج‌هایی بوده که در این راه کشیده‌ام و همیشه راهی را جست‌وجو می‌کردم تا بتوانم حرف‌هایم را بزمن تا شاید روزنه‌ای باز شود و بچه‌ها بتوانند بهتر زندگی کنند».

در صفحه ۱۰ نیز نوشته‌اند: «مشوق من در این راه تنها دخترم بود که همیشه با هم و در کنار هم بودیم و می‌خواستم به دخترم کمک کنم تا دنیای بچگی‌اش را زیبا بسازد».

با این انگیزه که خانم علوی در سرآغاز اولین کتابش آورده است، بسیار روشن است که دلنوشته‌های وی می‌تواند به سادگی مورد استفاده مادران، مربیان و دوستداران کودک قرار گیرد.

نکته مهم‌تر اینکه این کتاب حاوی پیش‌گفتاری از خانم



رشد برای رشد

نحوه اشتراک مجلات رشد به دو روش زیر:

الف. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی www.roshdmag.ir و ثبت نام در سایت و سفارش و خرید از طریق درگاه الکترونیکی بانکی.

ب. واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه راه آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست و ارسال فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۸۸۴۹۰۲۳۳.

♦ عنوان مجلات در خواستی:

♦ نام و نام خانوادگی:

♦ تاریخ تولد: ♦ میزان تحصیلات:

♦ تلفن:

♦ نشانی کامل پستی:

استان: ♦ شهرستان:

خیابان:

پلاک: ♦ شماره پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۲۵/۳۳۳۱

♦ تلفن بازرگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

♦ Email: Eshterak@roshdmag.ir

♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال

♦ هزینه اشتراک سالانه مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهانه و ده شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کودک برای دانش آموزان پیش دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد خردسال برای دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماهانه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد پسران برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

رشد جوانان برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماهانه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

♦ رشد آموزش ابتدایی ♦ رشد تکنولوژی آموزشی

♦ رشد مدرسه فردا ♦ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

♦ رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ♦ رشد آموزش زبان و ادب فارسی
♦ رشد آموزش هنر ♦ رشد آموزش مشاور مدرسه ♦ رشد آموزش تربیت بدنی
♦ رشد آموزش علوم اجتماعی ♦ رشد آموزش تاریخ ♦ رشد آموزش جغرافیا
♦ رشد آموزش زبان‌های خارجی ♦ رشد آموزش ریاضی ♦ رشد آموزش فیزیک
♦ رشد آموزش شیمی ♦ رشد آموزش زیست‌شناسی ♦ رشد مدیریت مدرسه
♦ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش ♦ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

♦ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

♦ تلفن و نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

♦ وبگاه: www.roshdmag.ir

بچه‌ها !!!

خوب به این درس وسخن گوش کنید
درس امروز ز قرآن مجید آمده است
حرمت آب هم از مدرسه باید آموخت
آب سرمایه سرزندگی کشور ماست
باغ سرسبز وطن زرد و خزانی شده است
چاره زردی این باغ به دستان شماست
بعد از این جان من و جان شما
«آب را گل نکنید»
آب سرمایه سرزندگی کشور ماست

نکند نکته این درس فراموش کنید
«همه زندگی از آب پدید آمده است»
سخن ناب هم از مدرسه باید آموخت
موجب سبزی و بالندگی کشور ماست
خاطر آررده ایام جوانی شده است
مرهم و داروی این داغ به دستان شماست
دست حق باد به همراه شما ...
صرف بیهوده و باطل نکنید
موجب سبزی و بالندگی کشور ماست ...

احمد مهر داد





وزارت آموزش پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
مقر نشریات و کتابخانه تخصصی آموزشی

رشد

برای رشد
مجلات فصل نامه رشد
ویژه مدیران، معلمان، مربیان
و مشاوران
مدارس

www.roshdmag.ir

نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید سلیمی)
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۲۸
نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸